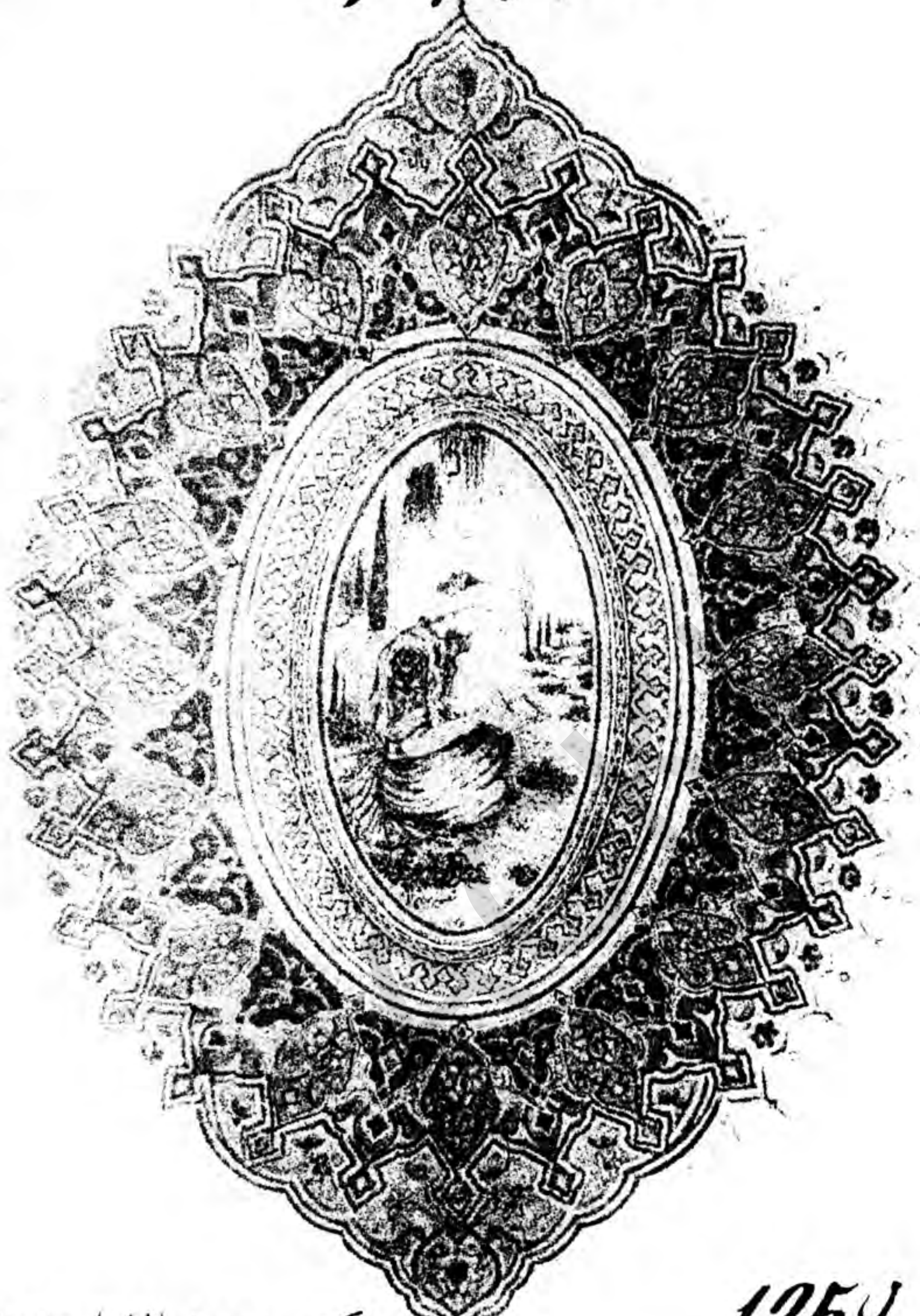


دکتور محمد افضل بنووال

1351

۸۱

مکتب بهـزاد

مؤلف :

پوهندوی دکتور محمد افضل بنـووال

استـاد پـوهنځـی زبـان و ادبیـات

پوهنتون کابل

۱۳۵۹

تقریظ :

سده نهم را پاره یی از خاور شناسان آغاز دورهٔ رنسانس در تاریخ فرهنگ کشور ما دانسته اند با توجه به ارز همه جهانی این سده بی تردید شماری از دانشمندان کشور های دیگر این شکوفایی فرهنگی را از پهلو های گوناگون مطالعه کرده اند و چیزهایی در آن باب نوشته اند مگر هنوز جای تلاش های علمی پژوهشگران خود ما خالیست و هنوز این [illegible] دارندکه باید آنرا در برابر ابر مردان آن اوج دانش و هنر [illegible] باید به این کار پرداخت .

دکتور بنووال با وجدان بیدار و همت بلند برای آنکه فانوسی در اوراق تاریخ هرات هنر پرور روشن سازند رنج سفر را بر خویش هموار کرده اند و در کتابخانه های بزرگ چند کشور به جستجو پرداخته اند و با صرف نیروی فراوان و بهره گیری از ده ها نسخه معتبر ، این اثر ارزشمند را تهیه کرده اند که از نگاه احاطهٔ مطالب و شیوهٔ تحقیق و اصالت مسایل قابل ستایش است .

کتاب « مکتب بهزاد » برای شیفتگان فرهنگ کشور ما کتابی است سودمند و اما برای دلبستگان هنر نقاشی و نقاشان ما کتابی است ضروری .

من در حالیکه موفقیت دکتور بنووال را در تالیف این اثر گرامی می ستایم اظهار امید مینمایم که زودتر « مکتب بهزاد » به چاپ برسد و در دسترس ذوقمندان قرار گیرد تا بهره یکه از آن میگیرند مکافات زحمت زیاد او باشد .

پوهندوی دوکتور اسدالله حبیب

استاد پوهنځی زبان و ادبیات

پوهنتون کابل

تقریظ :

عصر طلائی هنر و فرهنگ هرات با جلوس سلطان حسین میرزا آغاز گردیدو با حمایت وزیر دانشمند شاعر ونقاش اومیر علی شیر نوائی بحد کمال رسید . کمال‌الدین بهزاد در دربار همین سلطان تربیت گردید و میناتور های جاودانه خود را بیافرید. بهزاد کار نقاشی خودرا در وطن مادری خودآغاز کرد وسپس آنرا در تبریز ادامه داد استاد چهارده سال یعنی از (۱۵۰۶ تا به ۱۵۲۰ م) در پایتخت صفویان اقامت اختیار کرد و رئیس کتابخانه سلطنتی صفویان بود شماری از مجالس نقاشی که به استاد بهزاد منسوب شده به مشکل میتوان آنرا کاراستاد شمرد زیرا ؛ اکثرشاگردان ارادتمند استاد پارچه های نقاشی خود را بعنوان احترام به استاد منسوب نموده اند. در حال حاضر خاورشناسان هشت مینیاتور نقاشی را که در نسخه خطی خمسه نظامی ونسخه بوستان سعدی موجود و امضای استاد هنر در حاشیه آن ملاحظه میشودکاراصلی استاد میدانند چار مینیاتور استاد در نسخه خمسه نظامی است که فعلاً در بخش آثار اسلامی موزه برتانیه نگهداری میشود . در دوران اقامت خود در لندن سال های (۱۹۶۶ – ۱۹۶۷) جهت مطالعه تاریخ هنر اسلامی ، مینیاتوری های استاد را در نسخه خطی خمسه نظامی دیده‌ام چار مینیاتور نقاشی استاد در نسخه بوستان سعدی محفوظ و در کتابخانه ملی قاهره موجود است . برعلاوه آن تمام دانشمندان هنر اسلامی شش مینیاتور دو صفحه ای را که در کتاب تاریخی ظفر نامه کشیده شده کار استاد میدانند . این مجموعه نفیس و منحصر به فرد در سال ۱۹۳۰ – بکوشش خاورشناس مشهور توماس ارنلد منتشر شده است .

کتاب مکتب بهزاد که بوسیله پوهندوی دوکتور محمد افضل بنووال تالیف شده الحق ازآثار بسیارمفید و ارجمند بشمار میرود. استاد موصوف در تالیف این اثر کوشش زیاد بکاربرده و ازمآخذ معتبر استفاده نموده است .

طبع این اثر گرانبها و ارزشمند را جدی مبارکی میگویم وموفقیت های مزید دوکتور بنووال را در زمینه شناساندن بیشتر فرهنگ و ادب کشور آرزو میکنم .

پوهاند دوکتور سید محمد یوسف علمی

استادپوهنځی علوم اجتماعی پوهنتون کابل

مقدمه

مطالبی که پیرامون این عنوان نگاشته میشود ، موضوعیست از هنر نقاشی ومینیاتور سازی‌عصر تیموریان هرات که در دوفصل (دومکتب) خلاصه‌میگردد.

مکتب اول نقاشی در دوره تیموریان هرات به توجه شاهرخ میرزا ، فرزندان و اقارب هنر پرور او چون : « بایسنقرمیرزا » ، « ابراهیم سلطان » و « اسکندربن عمرشیخ » در هرات و شیراز ، چون چمن شکوفان از گلهای زیبای بهاری آراسته شد و دیدگان دهر بر چمنستان پر از گل و سنبل هنر آنروز خیره ماند و انگشت حیرت به دندان گزید و به توجه آنان بود که نگارستان بزرگی پایه گذاری شد و گروه کثیری از نقاشان و سحر آفرینان

زبر دست و چرب کار ، گرد آمدند و با انگشتان هنر آفرین شان بر صفحه زمردین هری ، در عالم رویاها و تخیلات و زمانی هم با توجه به عوالم طبیعی ، گلدسته های جاودان وزمینه سازی های فراوانی به ارمغان گذاشتند که امروز مایهٔ ابهت و جلال و شکوه مطنطن در عالم هنر وزیبایی است .

مکتب دوم مینیاتور سازی ، در عصر سلطان حسین بای قره و با طلوع آفتاب سلطان سحار نقاشان وهنر مند شهیر زمان (کمال الدین بهزاد هروی) و به حمایت وسر پرستی وزیر دانشمند و هنر پروری چون امیر علیشیر نوایی ، روح تازه تری یافت و این هنر به کمال رسید بنابراهمیت هنر آنروز کافیست ازکتاب مصور منطق الطیر عطار ، کار مکتب هرات اسم برد که با داشتن چند صفحه مینیاتور چند سال قبل به مبلغ بسیار گزافی به فروش رسید و فعلا قسمیکه اطلاع به دست است ، کتاب مزبور در موزه متروپلوتن نیو یارك محافظت میشود . نگارندهٔ تصاویر عکسی آنرا در مجله منتشرهٔ آن موزه که مخصوص این کتاب بوده ملاحظه کرده است و بنا بران به جا بوده که امپراتور کبیر کورگانی (بابر) در کتاب مشهور خود (بابرنامه) هنگام دیدار از هرات تعریفات و توصیفاتی بنماید و آنجارا « بهشت بر نقش و نگار آسیا بخواند » و همچنین است بقیه توصیف ها و گفته هادرباب شهرشهیر هرات و درباب هنر آنروز هرات کهدر مباحث بعدی درآن باب تفصیلات مزید ارایه خواهدشد .

(ب)

فهرست مندرجات — صفحات

فصل دوم :

(مکتب مینیاتوری هرات در عصر تیموریان نیمه قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری)

فصل سوم :

فصل چهارم :

تـذکـر :

تابلو های شماره — ۳۰ — ۳۱ — ۳۲ — ۳۳ — ۳۴ — ۳۵ — ۳۶ و ۳۷

از نسخه های مصور سبعه سیاره ـ حیرت‌الابرار و سد سکندری مربوط آثار امیر

علیشیر نوایی است که‌به قلم هنرمند شهیر استاد بهزاد هروی درقرن نهم ه واوایل

قرن دهم ه کشیده شده است کاپی از نگار های داستان نوایی

از بکستان شوروی

۱۹۷۰

فصل اول

مکتب مینیاتوری عصر تیموزیان هرات ، قرن نهم واوایل قرن دهم هجری

نقاشی

نقاشی را میتوان از گویا ترین و مؤثرترین رشته های هنر به شما آورد .

« لؤنار دو وانچی » ـ نقاش معروف میگوید : « در زندگی بشری هیچ واقعه‌ای نیست که در خور تجسم در پرده نقاشی نباشد » (۱) . و اما این هنر هنگامی جهت ترقی وتعالی می‌یابد ، که به تصاویر حقیقی زندگانی انسانی وحقایق حیات بشری بپردازد وآنگاه مناظر مختلف و متنوع صحنه های عالی اجتماع را باچیر بدستی و مهارت فنی فوق العاده ای که در اختیار دارد ، جلوه دهد ، « نقاشان چون‌شعرا وهنرمندان دیگردنیای‌ازخواب وخیال‌وآرزوهای لطیف و زیبای در سر دارند و گاهی با مجسم ساختن این عوالم ، روح جمال پرست وخیال باف خود را تسکین می‌بخشند » . (۲)

---

(۱) بررسی هنر وادبیات . توحیدی پور ص ۵۷ ـ تهران ۱۳۲۲ ش

(۲) نقاشی و مکتب تتوری جدید ، ضیاء پور ص ۲ ـ ۳ »)

صنعت نقاشی به منزلهٔ یک مدرسه اجتماعی و عمومی است که عواطف و احساسات را به و سایل ممکنه به‌انسانها دراجتماعات مختلف ، تلقین وتدریس میکند و باید اشخاص درکمال تربیت پرورش این فن‌دارای عقیدت پاك وایمان قوی باشند .

در نقاشی طرز تربیت ، آداب و سنن ملی و نیز کلیه مظاهر مدنیت مربوط به آن ، تأثیر مستقیم وجدی دارد . هنر نقاشی ، یادگاری ازدسترنج نیاکان هرملت و هر قوم و نیز یکی‌از قیمتدار ترین موارد یست که بایستی‌به مراقبت ومحافظت و تقویت و توسعه آن همت والای به کار برد . این صنعت، در امر رنگ‌آمیزی قسمت های مخصوص اماکن مقدس و عمارات سران قوم ، توانست به انواع و اقسام متنوع برای تشخیص و معرفی آنها ، مسببات و لزوم تکمیل خود را فراهم کند و نیز از خاطره های مرگبار و وحشت زای حیات و حالات مبارزان وجنگجویان وصحنه های گذشته تمثیلات در خور اعتنایی ارائه بدارد .

نقاشی در مذهب مانی محترم شمرده میشد و جز لوازم آن به شمار میرفت و به توجه او بود که این فن ظریف و نفیس به سر زمین های ترکستان شرقی ومیانه رسید وآنگاه که « چنگیز خان » سرزمینهای مذکور را از دست « ترکان ایغور » متصرف شد این هنر شریف را بـه چین برد (۱) . ودر زمان ایلخانیان بار دیگر باز گشت .

و به نام شیوه چین موسوم گردید . مذهب اسلام بر خلاف دیگر ادیان نقاشی و مجسمه سازی را منع کرد ، تا از آن رنگ بت پرستی بر نخیزد . (۲) و اما خوشبختانه این حکم در عمل استثنا پیدا کرد و آنعده نقاشی هایی‌که بعداً

---

(۱) تاریخ مغول ، عباس اقبال آشتیانی ص ۵۵۴ ـ ۵۵۵ جلد اول ـ تهران ۱۳۲۱
(۲) تاریخ مغول ـ ص ۵۵۲ ـ ۵۵۵ جلد اول

در مدارس « دمشق » ، « قاهره » و« بغداد » ، دستیاب گردید ، بـه طور وضوح و آشکار صورت انسان در آن مشاهده گردیده است (۱) . قدیمی تـرین نقش و نگار های آریایی کـه فعـلاً در دست است ارتباط میگـیرد به نقش های زیبای دیوار « قصیر عمره » ، واقع در صحرای شام و سامره . این نقاشی ها به قرنهای (۸ و ۹ م .) میرسد و در آن نفوذ اثر هنری یونان به چشم میخورد .

ازین وقت به بعد ، نه تنها « بغداد * » مرکز هنر نقاشی بود ، بلکه مراکز دیگری چون ؛ « تبریز » ، « شیراز » و « هرات » نیزعرض اندام کرد . وشاهنامه و کتب معتبر دیگرموضوع نقاشی ومیناتورسازی قرار گرفت ونقاشان ،سبك چینی را باموشکافی قابل‌نظری درکار خودتعقیب کردند و سعی ورزیدندکه درکارهای هنری خود ، جنبش و هیجان و جنبه شاعرانه طبیعت را مجسم سازند . در قـرنـه های (۹ و ۱۰ ه) نقاشی بـه کمال نهایی خـود رسید ودیگردرآن نفوذ خارجی کمتر دیده میشود ، و تا حتی که مکتب هرات از همه مکتبهای هنری اطراف و جوانب خود جدا شد ویك سبك کاملاً بدیع و ابتکاری را حایز گردید . نقاشان قرن نهم تیموری ، کتابهای خود را به خصوصیات خاصی نقاشی میکردند و توجه ایشان به نقش و نگاره کتابها ، چنان عمومیت یافت که امروز از آنگونـه فعالیت های چشمگیر کمتر میتوان ملاحظه کرد .

---

(۱) تاریخ ایران ، ژنرال سایکس ، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی‌گیلانی ص ۲۲۳

* درمکتب بغـداد اولین صحنه های خاص زندگی روزانه مردم و زندگی اجتماعی آنها طرح ریزی شده است ، تصاویر مزبور آمیخته بود با زینت جـزئیات طبیعی ، در آن افسانه ، خیال و فانتزی جا نداشت . ص ۲۰ هنر و مردم عقرب ۱۳۴۷ ، نوشته داکترپرویز ورجاوند استاد پوهنتون تهران .

کتاب سازان عهد تیموری برای منفعت شخصی و جلب نظـر سروران و سـرداران خود به چنان نقش و نگار هایی دست یازیده اند که مثال شانرا در ادوار بعد کمترمیتوان پیدا کرد. اینست که صنعت مینیاتور* در عصرشاهرخ وفرزندانش در هرات و شیراز در اوایل نیمه قـرن نهم هجـری راه کمال پیمود و در عـهد سلطنت با افتخار سلطـان حسین میرزای بـا یقـرا و وزیـر دانشمند و هنـر دوست او « امیر علیشرنوائی » و سلطان سحار نقاشان و فرزند یگانه زمان (کمال‌الدین بهزاد هـروی) ، این فن ظریف و شریف بـه اوج نهایت جمال و کمال خود رسید و گلدسته های زیبایی به اخلاف خود به ارمغان جاودان گذاشت .

---

* مینیاتور: در لغت بـه معنای کوچکتر نشان دادن و در اصطلاح نقاشی ظریف وریزه‌کاری باشد . و به فن تذهیب نیز اطلاق شود .

این کلمه در آغاز قرن بیست ، بنا بر توجهات مستشرقان و هنر شناسان در امر جمع آوری کتب خطی و مصور ، مفهوم پیدا کرد ، و بنا برین هرشی ریز و ظریف را به سبك و شیوه یی که ساخته شده باشد ، مینیاتور میگویند. سازندگان مینیاتور با یك نوع عاطفه و عشق متواضعانه پاك وساده ای تمام مظاهر طبیعت ؛ مانند : سنگها ، گلها و درختان طبیعی را درآثار خود منعکس کرده اند واین طبیعت را به محیط واطراف خود محدود میکنند . مکتب جدید مینیاتورترکستان بود و مینیاتور از آنجا رایج شد. درحاشیه مینیاتورهای قرن ۱۴ به بعد اشعاری دیده میشودکه با متن تصاویر ، متناسب و هماهنگ است به ص ۳۵ ش ۳ سال ۱۳۴۱ هنر و مـردم و ص ۲۲۳ تاریخ سایکس مراجعه شود .

هـرات

« آریانه یا آریا *arya - Ariane* ، نام ولایتی است در شمال غرب کشور افغانستان که شمالاً به صفحات ولایت مرگیانا (مرو) ، جنوباً به ولایت درنگیانا (سیستان و فراه) شرقاً به ولایت غور وغرج (غور و هزاره جات)، غرباً بـه ولایت پارتیا (قسماً خراسان حالیه) محدود و متصـل است . (۱) مسلمانان ، اسکندر کبیر رابانی هرات میدانستند ، روایات مؤرخان یونان راجع به بنای شهر اسکندر ، در روایات آریا مویه از داستانهایست کـه بطلیموس جغرافی دان یونانی تحت عنوان *Aria - metropolis* نام میبرد . (۲) بنابر روایت انسکلو پید یای اسلام ، نام هرات در « اوستا » *Haroya* هرویه یا *Harae* هـرایوه و در یونانی *arei* آمده است . و مورخ کبیـر خواند میرصاحب «حبیب‌السیر» ، بنای این خطهٔ کهن و باستانی را به دست « گشتاسب » و دیگر شاهان باختر میداند . (۳) رباعی :

لهـر اسب نهـاد هـری بنیاد   گشتاسب درو بنا دیگر نهاد
بهمـن پس ازو عمارتی دیگر کرد   اسکندراوبیش‌همه‌داد بداد۴

---

(۱) مجله کابل س اول ش ۶ ص ۴۱ .

(۲) تذکـره جغرافیای تاریخی ایـران ـ بار تلـد مستشرق روسی ، ترجمـــه حـمزه سرداور طالبزاده ص (۱۰۱)

(۳) مجله کابل س ۱۳۱۶ ص ۱۵۹ . ۴ ـ مطلع السعدین . سمرقندی ص۱۲ لاهور ۱۳۰۶

صاحب « حدودالعالم » : در کتاب جغرافی خود دربارهٔ هرات میگوید : « هرات شهر بزرگست و شهرستان وی سخت استوار است ، و او را قهندز وربض ... و جای بسیار نعمتست و اندروی تازیانند بسیار و او را رودیست بزرگ که حد میان غور و کوزگانان رود واندر نواحی او بکار شود وازو کرباس و شیر خشت و دوشاب خیزد (۱) . اظهارات تاریخ روضات الجنات .. در وصف هرات : « بر بصیر بصیرت اولی الا بصار و دیده سریرت ذوی الأختیار مخفی ومستور نخواهد بود که بلدهٔ فاخره هرات حرسهاالله تعالی عن‌الحادثات از سوابق دهور و سوالف شهور همیشه نزهتگاه طوایف امم ، و زینت بلادو بقاع اقالیم عالم بوده وهست ، آب زلالش خاك غیرت در عین تسنیم و چشم چشمه مأمعین زده و باد شمالش آتش خجلت در جان ریاح بهشت و نسایم اردیبهشت اندخته ، مجمع علمای اعلام و مربع فضلای ایام . مقصد سلاطین نامدار و معهد خواقین رفیع مقدار ، مرجع اصحاب معارف و منزل ارباب عواطف (۲) . . .

---

(۱) حدود العالم من المشرق الی . . . . چاپ منوچهر ستوده ص ۹۱ ـ تهران ۱۳۴۰

(۲) روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات ، تألیف معین‌الدین زمچی اسفزاری (۸۹۷ - ۸۹۹) جلد ۲ ص ۱۹ ـ باهتمام سید محمد کاظم ، چاپ دانشگاه ۱۳۳۸ .

از عبدالواسع جبلی : (۱)

«تبارك اله ازین بقعهٔ که پنداری　　زبس تکلف کاندر عمارهٔ آنست
خلاصهٔ خردست ودقیقهٔ شرفست　　لطیفهٔ هنرست و نتیجهٔ جهانست

از امیرخسرو باخی دهلوی : (۲)

« تختگـــهٔ تا جوران بلـنـد　　گشته ز اقبال شهان ارجمند
دورش از آن گاه که برکارشد　　دایـره چـرخ ز پـرگار شـد
تا کـه بـنا یافت نگنجید بیش　　درهمه عالم ز بزرگی خویش
درج بـرجش در جات سپهـر　　گشتـه بگـرد سر او ماه و مهـر

یـا

گـر کسی پرسد زتو کـز شهـر ها بهتـر کـدام
گر جوابی راست خواهی گفت او را گوهری
این جهان را همچو دریا دان خراسان چون صدف
در میان آن صدف شهر هری چون گوهری(۳)

---

(۱) روضات الجنات ص ۱۹
(۲) ایضاً
(۳) مطلع السعدین ص ۱۲

شهر هرات از قدیمی ترین شهرهای آسیای وسطی و از امهات بلاد خراسان * و از بزرگترین شهرهای عالم محسوب میشده است . این شهر آباد و پر گنجینه با شگو هترین دوران خود را در عصر تیمو ری میگذرانید ، در پندو ره کاروانهای تجارتی به کشور های مجاور آمد و شد داشت و مال التجاره و انواع محصولات میان شان ردو بدل میشد .

علما ، دانشمندان ، هنرمندان در هر پیشه و حرفه به قدر کافی موجود بود - آبادی وسرسبز ی این نصف جهان ، دیده را خیره میکرد ، از ین شهر تاریخی چنانکه گفته شد ، در « اوستا » و نیز در مآخذ و کتابهای معتبر دیگر ذکر های مفصلی رفته است .

این شهر بزرگ درسال (۶۱۸هـ) بهدست «اعتساف چنگیزی ها منهدم ومستاصل» گردیده است . تولی پسر چنگیز خان در (۱۲۲۲ م .) شهر هرات را فتح کرد و مردمان آنجا را از دم تیغ کشید و آبادیها را به خاك سیاه نشانید ، ولی دیری نگذشت که بار دیگر همای اقبال و سعادت بر روی این خطه کهن بال گسترد و جهان بر باد رفته آنرا باز گرداند . یکی ازتاریخ نویسان گفته است: « از مرغزار و سنگستان هیچ جای نماند که باغستان و گلستان نگشت تمام صحراها توسط کندن جویها و انهار دو باره زنده شد » .

---

* خراسان قدیم عبارت بود از نیشاپور هرات ، غزنه ، مرو ، بلخ و بخارا .
و شهر هرات مرکز خراسان امروز محسوب میشده است .

در عصر شاهرخ ، هرات محل اقامت هنـرمندان و میدان نشاط و خوشی آنان بود با وجودیکه بعد از مرگ تیمور ، متصرفاتش ازدهلی تا دمشق وخلیج فارس بین فرزندان او تقسیم شد ، مگر از آن میان ، شاهـرخ میرزا حاکم بر هرات شد و با همکاری زنش « گوهر شاد آغا » که دختر یکی از امـرا هرات بـود ، در راه پیشرفت « صنعت و ادبیات » بی اندازه کوشید . تا آنکه اساس و تهداب یك تمدن عالی را در آنجا بنیاد گذاشت . شهر هرات از بزرگترین مراکز علمی ، هنری ادبی و سیاسی آن عصر محسوب میگـردید و تمام اینهمه مجاهدت ها ازشاهرخ شروع وتاآخر سلطنت سلطان حسین بایقرا بردوام بود . حافظ ابرو درکتاب جغرافی خود در سرو دهیی چنین میگوید :

در خراسان هرا ـ بهشت برین　　شد بر عهد معین دولت ودین

شاهـرخ پـادشاه هفت اقـلیـم　　خلد الله ملکه ـ آمین(۱)

در آنوقت هرات بهشت پر نقش و نـگار آسیا بـه حساب میرفت و این دوره مصادف بـود با دوره رنسانس در اروپا . چنانکـه « فلورانس » درغـرب مایه ابهت و جـلال بود و نام بهشت آراسته از هر علم و فن یافته ، هرات نیز بسانآن در شرق مانـند ستاره تابان و درخشان در فضای فضل و هنر تافته و در اثر تشویق و تحریض شاهان تیموری ، میدان وسیعی برای ایجاد صنایعمستظرفه باز گردید .

---

(۱) دیوان کامل جامی ، بکوشش هاشم رضی ص ۱۷ ـ چاپ بهروز ـ تهران .

در مراکز بزرگ این عصر ، زمامداران ، حکمداران ، از نقاشان و دیگر استادان این فن بدیع و نفیس که در آنجا اجتماع داشتند ، حمایت و دلجوئی میکردند تاریخ نویسان عصرتیموری به تعریفات هرات پرداخته و گفته‌اند ، هرات بعد از « سمرقند » یکی‌از پایتخت های پر زرق وبرق علمی ، ادبی وهنری در شرق میانه گردید . این‌شهربه همت والای فرزندان هنردوست « تیمور » چون ، « شاهرخ » « بایسنقر » وسلطان حسین میرزا بایقرا مرکزبزرگ فلسفه ، عرفان ، ادبیات و هنر شد . و یك اکادمی * که درآن چهل‌تن از نقاشان ، مهندسان و سایر هنرمندان استخدام شده بود ، تشکیل گردید . طالبان علم و هنر ازاطراف و اکناف عالم‌روی به این‌شهرمی آوردند وبه‌فرا گرفتن علوم وفنون می پرداختند

* ـ ارکان مهم این اکادمی‌عبارت بودنداز « غیاث‌الدین هروی » « سلطان‌ابراهیم‌هروی » « امیر شاهی سبزواری ـ خواجه میرك هروی » « سلطان علی » و نظایر آنان .

وصف بنا ها و عمارات عالیه هرات

شهر هـرات با داشتن مساجد * ، مدارس ، خانقاه ها ، کتابخانـه ها و آبدات تاریخی ، افتخارات عظیم و بزرگـ علمی را حایـز بود و در زیر این آبدات و گبند های پرنقش نگار وبافیض وبرکت هزاران دانشمند وطالب‌العلم* به بحثها و مناظره های علمی مشغول بودند . هرات در دوره مغول چندان جالب توجه نیست و اما ملوك کرت تا اندازه‌یی توانستند رونقی به ایـن شهر بدهند . چنانکه مسجد جامع(۱)هرات از بقایای فعالیتهای سلطان غیاث‌الدین غوری است که همین حالا پا برجا و استوار میباشد (۲) . قراریکه سابقاً گفته آمد ، حملات طاعون آسا ومخوف چنگیزیان به این بنای عالی صدماتی وارد آورد ، تاآنکه در سال (۹۰۳ ه .) امیر علیشیر نوایی بـه ترمیم آن همت گماشت ، تاقهـا و رواقهای آنـرا به نقوش « اسلامی و خطایی » مزین کرد و دیوار های آنرا با شاخه های گل وبرگـ رنگارنگـ ، منقش‌ساخت . تحریر کتیبه وتزئینات‌مسجد را نقاش مشهور وخطاط معروف یعنی خواجه میرك انجام داده است (۳) . در زمان

بـر سر نـه تخت گـرفته شهی | منبـرش از خطبـه بیت‌الهی . .
طـاق بلندش به فلك گشته جفت | حامل او گشته فلك در نهفت (۱)

در جای دیگر گوید :

بـا فلـك هفت سرش سـر یکی | بـا چمن هشت درش در یکـی
بنـده خـاکش درو لـعل وعقیق | زو هـمـه آزادی بیت‌الـعتیـق
گشت‌چوجاروب‌درآن خاکروب | کردزسیخش‌همه‌کس‌سرمه‌چوب
هرکـه سعادت بـودش رهنـمای | بـردر او سرنهد آنگاه پای (۲)

از عبدالواسع جبلی :

فـرخنده بقعـه ومبارك عمارتـی | درنیکویی‌بدیع وبه‌پاکیزگی‌سمر
باسقف‌اوسپهربلنداست‌بی‌محل | باصحن‌اوبهشت‌برین‌است‌بی‌خطر ۳

صاحب « خلاصه الاخبار » درباره این مسجد فیض‌آثارجنت مکان‌گوید :

از جمله ابنیه عظیم‌الشان رفیع‌البنان که درین بلده جنت نشان واقع است نا متناهیست ، تا سپهر داور آغـاز دوران کرد هیچکس مقامی بدین رصانت و مکانی بدین‌پاکی‌ونزاهت نشان نداده وتاخسرو وثوابت وسیاردرسیر وسلوك‌آمده

---

(۱) روضات الجنات . . ص ۳۲
(۲) ایضاً رر
(۳) رر ۳۳

هر گز چشمش بر اساس برین قیاس متین و مستحکم نیفتاده ، طاق سپهر آسای مقصوره اش در معموره آفاق جفت ندارد (۱) . . . . این مسجد در عهد « بایقرا » ووزیردانشمند او امیرعلیشیرنوایی وسایراعیان واشراف ومعاریف مورد توجه و احترام خاصی بود در عصر شاهرخ بهادر و سلطان حسین بایقرا « کاشی های معرق » و خطوط نقاشی و تذهیب های استادانه در اوج مهارت و ظرافت در آن به کار رفت . نقاشی آن کار میرك نقاش است که در جایش از آن گفته آمده است .

در وصف کتیبه مسجد جامع هرات (۲)

بنای مسجد جامع که هفت کاخ مقرنس — به پیش عظمت او خرد گشته است چو جوزق
فضای انور او عصر یشهد بالله — زمین اقدس او قرن ـ قرن ینطق بالحق
برای فرش حریمش فرشته ارمژه بافد — فرود سایهٔ طوبی فراشهای ستبرق
زهی بنای معظم که شد بدعوی فضلش — سپهر خط مسجل زمین گواه مصدق
نوای غلغل توحید تابه حشر برآید — به امتحان دل هرذره اش صبا چو کندشق
حریم در بس امام زمان محقق رازی — مقام راز ولی خدا علی موفق
اساس خسرو غازی غیاث الدین که شکوهی — چو آفتاب بود پیش روز گار محقق

---

(۱) خلاصه الاخبار فی بیان احوال اخیار ـ تالیف غیاث الدین بن همام الدین الملقب به امیرخواند نسخه خطی کتابخانه ملی ملك تهران صفحه ندارد .

(۲) آریانا ش ۱ ـ س ۱۳ ـ ص ۳۸ .

به کاخ عظمت اور خنه شدز گردش گردون اگرچه گردش گردون زیمن اوست برونق..
برای سال بنایش نگاشت کلك خلیلی رواق خانهٔ ایزد بدیع باقی مطلق .

... تاریخ بنای این بقعه معموره که بر روی ایوان مقصوره به خط کوفی مثبت شده سنه سبع و تسعین و خمسمائه میباشد (۱) در عصر پرافتخار شاهان تیموری هرات چون شاهرخ میرزا و سلطان حسین بایقرا ، تزئینات کاشی کاریها ، نقاشی تذهیب در مسجد جامع موصوف در اوج ظرافت و مهارت بوده و نظیر آنرا میتوان در مساجد « شیخ لطف الله » ، « شاه » ، « عالی قاپو » در اصفهان ، « گوهر شاد » در مشهد و « بی‌بی خانم » در سمرقند دید (۲) .

مسجد جامع گازرگاه ؛ که تاکنون نمازجمعه در آن برگزار میشود و در گوشهٔ جنوب غربی آن خانقاه بزرگی موجوداست که ازبهترین شاهکارهای معماری میباشد و آنرا به‌نام خانه‌زرنگار میخوانند(۳). سبك نقاشی گنبدزرنگار ازنقاشی سقف گنبد مقبره گوهرشاد وبایسنقردرمصلی* هرات که تااکنون پابرجاواستواراست .

---

(۱) روضات الجنات ص ۳۳
(۲) آبدات نفیسه هرات ، سرور خان گویا اعتمادی ص ۳۰ ، کابل .
(۳) گازرگاه ، فکری سلجوقی ص ۲۰ ، کابل .
* مصلی که به سمت غربی آرامگاه « مهد علیا » واقع است باکاشیهای ملون وخطوط برجسته طلایی تزئین‌یافته و در بالای راهرو آن «حجبرات» و « رواقها » موجود بوده واکنون قسمتی از آن همه زیبایی و آراستگی فنا یافته و جز مخروبه ای باقی نمانده است . از صفحه ۲۲۷ به بعد سالنامه کابل سال ۱۳۱۸ مراجعه شود .

متفاوت میباشد . قرار اظهارات یکتن از مستشرقان که گفته است ، در عمارت گنبد زرنگار گارزگاه امضای نقاش « ایتالیایی (۱) » ، دیده میشود ، و شاید هم درست باشد که نقاش مزبور در عهد امارت شاهرخ میرزا به هرات آمده و با استفاده از هنروصنعت آنروز هرات و تقلید از گل‌و برگ نقاشی آن وهمچنان با بکاربردن اسلوب هنر « روم » و « ایتالیا » به‌نقاشی این گنبدجرأت کرده‌است. در سابقه ، سقف جدار این گنبد به زر لاجورد « مزین و منقش » بوده و اما حال وضع چنان شده است که جدار آن تا زیر کتابهٔ سقف به گچ استر یافته است ، بآنهم از محتویات قسمت های باقیمانده میتوان به ابهت و جلال وشکوه مطنطن هنر نقاشی و معماری عصر شاهرخ پی برد . و به قرار گفتهٔ مردم هرات ، طراح و معمار این بنای عالی زینی (زین‌الدین) نامی بوده که خود از جمله مهندسان و معماران پرارج و معروف در بار شاهرخی بوده است . رواقی که‌ازصحن‌حیاط مزار به‌صحن‌اول جلوه گراست رواق‌بسیار عالی‌وبه‌آلات کاشی معرق مزین است . این کاشی کاری معرق از بهترین شاهکار های هنری « خاتم سازی » هرات آنروز است که‌مثال آن دیدهٔ دهر ندیده باشد . و این‌را بایستی اضافه کرد که کاشی های مزبور تا بعد حیات «شاهرخ» و « میر علیشیر » میرسد (۲) .

---

(۱) گازرگاه ، فکری سلجوقی ص ۲۰
(۲) » » ۶۶

از « جامی » ـ در وصف یکی از بنا های عالی :

ای از علو قدر بکرسی نهاده پا　　فرق مقیم فرش حریم تو عرش سا
مشکل رسد به دولت تقبیل سدره‌ات　　گردون اگر راست کند قامت دوتا
از طرف نامت ار نگرد پاسپان بزیر　　در چشمش آفتاب نماید کم از سها
..انداخت‌عکس‌نقش‌ضمیر ـ مصوران　　ازبس‌که یافت صفحه دیوار توجلا
خورشید زرناب و فلك لاژورد گشت　　کردند جا درون تو خود رابه نقشها
نقاش چین چه کار کند درتوغیر آنك　　بر نقش کلك خویش کشد خامهٔ خطا
حوض تو در میانه وا نهار گرد او　　ما بر کنار او خوش و او در میان‌ما
چون چهارجوی خلد به‌الوان مختلف　　جاریست گرد حوض توانهار دایما
حوضی‌عجیب زسیم که بردیدهٔ خیال　　تمثیل مثل آب نبود حد سیمیا . .
..سلطان‌حسین‌آنکه بود اوزبزم ورزم　　کالغیث‌فی‌العطیه‌واللیث‌فی‌الوغا..(۱)

گنبد سبز : (۲)

این مدرسه بنابر تو جهات با ارزش مهد علیا گوهر شاد آغا ملکه هرات بنا یافته است و بنام او محسوب میگردید . ولی امروز حوادث و اتفاقات نا بهنگام زمان ، آنرا به صفحه فراموشی گذاشته و مخروبه‌ای بیش از آن باقی نمانده است . با آنهم درین کتیبه نمونه بهترین صنعت و هنر که نماینده ذوق هنری دوره تیموری هرات از نظر زیبایی کاشی کاری ، نقاشی ،کتیبه نویسی و مینا کاری است به ملاحظه میرسد .

---

(۱) دیوان کامل جامی ص ۹ - ۱۰

(۲) آبدات نفیسه هرات ص ۴۲ - ۲۲۷ .

« گوهر شاد آغا » ، در اعمار مساجد و مدارس ذوق سرشاری داشته و به توجه همین ملکه فاضله است که مسجد واقع در جهت جنوب « روضه ثامن الائمه » در شهر مشهد مقدس بنا یافته و توجه هنر شناسان را به سوی خود جلب کرده است . چنانچه J. B. Freyer * مسجد گوهر شاد آغا را در مشهد از عالیترین بناها و عماراتی میداند که کمتر مثالش در دهر دیده شده است .

بابر امپراتور تیموری کورگانی ، حین مسافرتش به هرات که به سال ۸۹۴ هـ . اتفاق افتاده است ، از مدرسه ، مقبره و مسجد گوهر شاد ، تعریفات و توصیفات بجا و درخورشأن نموده است .

و اینست وصف آن بناها و عمارات که « جامی » آنرا انشاد کرده است .

حبذا قصری که ایوانش زکیوان برتر است
قبهٔ والای او بالای چرخ اخضر است
سر کشیدست آن چنان بالا که گویی چرخ را
کنگر اطراف بامش شرفهای افسر است . .
. . گل که بهر آجرش دست قضا تخمیر کرد
خاکش از خلد برین ، آبش ز حوض کوثر است .
شاخ و برگ نقشهای صفحهٔ دیوار او
در علو منزلت با شاخ طوبی ، همسر است
ز آنچه فاضل مانده از نقاش رنگ آمیز او
یك سفال لاجورد این گنبد نیلو فرست . .
شاه ابوالغازی معز ملك و دین سلطان حسین
کز سرابستان جاهش نه فلك یك منظرست
سقف قصرش با ملمع نقشها بالای چرخ
همچو بالای زمین این تارم پر اخترست . . (۱)

* ـ کابل ، س اول ، ش ۶ ، ص ۵۰
(۱) ـ دیوان کامل جامی ، ص ۱۶ ـ ۱۷

یـا :

بنا مبزد چـه دلـکش منزلست این نه آب و گل همه جان و دلست این

بسی مـــه بر فلـك مـنزل بـریـده به عمر خود چنین مـنزل نـدیده

تصور کن چویك شخص این جهان را که باشد همچوچشم این خانه آنرا

کسی کان شخص را انسان عین است جهـان مردمی سلطان حسین است

گلش گویی ز مشك چین سـر شتند کـه نامش خانهٔ مشکین نوشتن

ز هـر لالـه بـه سقف آن نـمونـه مگـر شد لالـه زاری باژ گونـه

ز دیـوارش ز گـچ گـلـها بـریده گل کافور یست از گل دمیده

منقش از زرحـل هـر در او دری از خلـد در هـر منظـر او

مـروح خـانـه یی دان از جنا نش که باشد حوض کوثر در میانش

میـان حـوض نـرگس دان سیمیـن برو فو آره هـای نـرگس آیین

ز هر نرگس جهنده آب از آن سان که گاه شادی آب ازچشم جانان

بـه گـرد حوض جویی پر چم وتاب چو مار سیمگون پیچان درو آب

چولطف حوض وجوی آب روان دید گه بیرون شدن بر خویش پیچید

به سعی شاه شد این خانه آباد

چوتاریخ عمارت فرخش باد «۱»

ایضـاً لـه :

اینجاچه خانه ایست پری خانه چین است پرحوریکی غرفه زفردوس برینست

---

(۱) دیوان کامل جامی ص ۷۷۶ .

منزلی خوش خانه یی دلکش مقامی دلکشاست

ساقی گلچهر کود مطرب خوش گو گجاست ..

این همه نقش عجب بر سقف و دیوارش پدید

وصف صورتخانهٔ چین بعد ازین کردن خطاست (۱)

ایضاً له : در وصف عمارت :

این نه قصرست همانا که بهشت دگر است

که گشاده به رخ اهل صفا هشت در است

جای آن دارد اگر هشت بهشتش خوانند

چون زهر نقش درو حور وشی جلوه گر است ..

.. هر چه بر صفحهٔ اندیشه کشد کلک خیال

نقشهای درو دیوارش از آن خوبتر است

هیچ نقش به دل اهل هنر نگذشست

که در آنجا نه رقم کردهٔ کلک هنرست ..

تا درین کار گه بو قلمون هر چه قلم

می کند ثبت همه حکم قضا و قد راست .. (۲)

---

(۱) ـ دیوان کامل جامی ص ۱۳ ـ (۲) دیوان کامل جامی ص ۱۱ ـ ۱۲

ایضاً در وصف عمارت شه

حبذا منزلی چو کاخ بهشت　　خاك وخشتش همه عبیر سرشت

گویی از تارم سپهر برین　　بیت معمور آمده بر زمین

بهرا حرامش از چار طرف　　سبزپوشان در آستانه زده صف

موج زن حوض مرمرش به میان　　به هم آب ستاده بین روان

آب فواره اش ترانه سرای　　برصدای ترانه جسته ز جای

دیده حور این مقام فرخنده　　گشته ازقصر خویش شرمنده

لیس فی الکاینات ثانیها

خلد الله ملک بانیها (۱)

---

(۱) دیوان کامل جامی ، ص ۷۷۷ - ۷۷۶ .

نگاهی به عصر تیموریان هرات

عصر درخشان تیموریان به جانشینانش (شاهرخ ، بایسنقر ، ابراهیم سلطان و اسکندر بن عمر شیخ) ارتباط میگیرد . درین عصر ، نظام سیاسی برای به جود آمدن یک امپراتوری مقتدر کورگانی که‌مبتنی بر مراکز گوناگون‌بود ، اساس یافت .

حملات تیمور در سال ۷۸۲ (۱۳۸۱ م (۱) ، آغاز شد و شهر های « تبریز » « بغداد » به ترتیب در سالهای (۱۳۸۶ - ۱۴۰۱) ، فتح گردید . این مرد فاتح و جهانگیر ، مشوق صنعت و ادبیات بود . وی بعد از جهانگیری شروع به ساختن ابنیهٔ رفیعه کرد و عدد زیادی ازمعماران و صنعت گران را از ممالک مفتوحه به « سمرقند » ، پایتخت خود فرا خواند .

شهرهرات‌درآنوقت ازبزرگترین شهرهای‌آسیامحسوب میشد . این‌شهرآباد و پر گنجینه ، با شکوهترین دوران خود را میگذرانید . در ین دوره ، کاروانهای

---

(۱) رهنمای صنایع اسلای ، تألیف دکتر م . س . دیماند ، ترجمه عبدالله فریار ص ۵۳ ، چاپ تهران . و نیز دجوع شود به ص ۴۲ التصویر فی‌الاسلام عندالفرس ، تألیف دکتر ذکی محمد حسن مصری چاپ قاهره .

تجارتی به‌کشور های مجاور آمد وشد داشتند ، مال‌التجاره و انواع محصولات میان شان رد و بدل میشد . علما ، دانشمندان هنرمندان درهر پیشه و حرفه به قدر کافی موجود بود .

آبادی وسر سبزی این سر زمین دیده را خیره میکرد . از این شهر تاریخی چنانکه گفته میشود در « اوستا * » ، و نیزدر مآخذ وکتابهای معتبر « هخامنشی » و « یونانی ** » ذکر های مفصل رفته است .

شاهرخ : در زمان زندگی تیمور بر خراسان حکومت میکرد ، و چون او در گذشت ، خود جانشین امپراتوری پدر شدو هرات‌را مرکز حکومت بر گزید. و آنگاه به خرابیها و ریختگی های پدر پیوند زد و نیز اعیان و اشراف را در ساختن آبادانی و عمارات تشویق و تحریض مینمود . شاهرخ شهر یار رشید ، دانا و توانا بود که در عهد او آرامش و امنیت در سرا سر مملکت پهنا ورش حکمفرمایی داشت (۱) .

« شه رخ آن شاه قضا قدرت اسلام پناه   آنکه در بیشهٔ شاهی زده سر پنجهٔ شیر
زد بفردوس‌برین‌خیمه بذی‌الحجه و گفت   ماند تاریخ ز مادر همه‌عالم‌شمشیر» (۲)

یا :

خاقان‌اعظم کاسمان‌بوسدزمینش‌هر زمان   برفرو فرقش فرقدانا عـلام اعلاداشته
جمشید افریدون علم اسکندر دارا حشم   ایران وتوران بودکم شرقاً وغرباً داشته
خورشید طلعت‌ماه‌رخ‌خاقان عالم‌شاهرخ   برراه اوصد راه رخ شاهان والا داشته

---

* بنابر روایت انسکلوپید یای اسلام نام هرات در « اوستا *Ha-oya* یا *Harae* ، آمده است .

** روایات تاریخ دانان یونان راجع به بنای شهر اسکندر ، در روایت « آریامویه » از داستانهایست که بطلیموس ، جغرافیه‌دان یونانی‌تحت عنوان *Aria-mtropolis* ، نام میبرد .

(۱) التصویر فی‌الاسلام عندالفرس تألیف دکتر ذکی محمد حسن مصری ص ۴۲

(۲) تذکرهٔ دو لتشاه سمرقندی ص ۳۷۷ .

شاهرخ درمدت ۴۳ سال (۸۰۷ ، ۸۵۰ ه) ، حکمروایی خود ، خدمات بس ارزنده‌ای به کشورش (افغانستان) انجام داد ، که نمونه‌هایی از آن فعالیتها را امروز در شهرهای « هرات » ، « مرو » و « مشهد » ، میتوان مشاهده کرد . (۱)

به همه حال ، اولادهٔ * تیمور وخانوادهٔ او در احیای صنایع مستظرفه ، خاصه شعر موسیقی ونقاشی ومینیاتور ، کوششهای قابل وصفی نسودند وچون خود آنان درین رشته ها ذوق سلیم و طبع رسا داشتند ، در حمایت و سرپرستی از هنرمندان ومایه گذاری از آنان‌سخت میکوشیدند . درزمان شاهرخ . علایق وارتباطات فرهنگی میان سرزمینهای تحت امپراتوری‌تیموری وخاور دور، باعث بر آن شده است که هیئت های علمی وثقافتی میان شان تبادله شود و از مزایای هنری وعلمی یکدیگرمستفید شوند ، بنابرین درحدود سال ۸۳۳ ه . (۱۴۲۰ م .)

---

(۱) ـ مطلع السعدین و مجمع البحرین ، کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی به تصحیح محمد شفیع چاپ لاهور ، ص ۹

* شاهرخ میرزا ، با سینقر میرزا ، الغ بیك ، ابو سعید ، سلطان حسین میرزای بایقرا در خراسان (قدیم) ظهرالدین بابر ، همایون ، جلال الدین اکبر ، شاه جهان ، جهانگیر ، او رنگ زیب در هند وستان حکمروایی کردند ص ۳۷۷ تذکرهٔ دولتشاه .

درینجا منحیث ارتباط ، این چند بیت در وصف اولاد تیمور که از صفحه ۱۴ بیعدتاریخ روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات تألیف معین الدین زمچی اسفزاری آمده ، است ، درج میگردد :

ز اولاد تیمور خان صحن گیتی — نخواهد تهی گشت تا روز محشر
از آن اصل طاهر فرع زاید — که آید ز پشت غضنفر غضنفر
شهنشاه اسلام شهرخ بهادر — که از عدل او گشت گیتی منور
شهنشاه الغ بیك وسلطان ابراهیم — که هستند شایسته تخت و افسر

یك هیئت فرهنگی به « چین » مسافرت کرد. و این هیئت به رهبری « غیاث الدین خلیل » (۱) مامور شده بودند که در مسیر راهشان هر آنچه را مشاهده میکنند، مورد بررسی تام قرار دهند، غیاث الدین آنرا بوجه احسن انجام داد. وکمال الدین عبدالرزاق سمرقندی او صاف او را درکتاب خود، مطلع السعدین در قید ۲۶۷ صفحه با اظهارت قابل ملاحظه‌ای ارائه داشته است. و لذا بعید نیست که غیاث الدین مزبور در باز گشت خود برخی از هنرمندان چینی یا آثاری از تصویرهای شانرا با خود آورده باشد. و این بعلتی است که هنروتصاویر چینی‌ازقدیم الایام درین سر زمین معروف‌بوده است. و وقتیکه هنر تصویر را در مکتب هرات مشاهده میکنیم، عوامل واضح تأثیر صورتهای چینی در آن به نظرمیخورد که در فصول آینده از آن بحث میشود.

تاریخ نویسان عصرتیموری به تعریفات‌ازهرات پرداخته وگفته اند. هرات بعد از سمرقند، یکی از پایتخت های پرزرق وبرق علمی، ادبی، هنری و همچنان کانون بزرگ هنر مینیاتور گردیده است و زمانیکه « بایسنقر میرزا »، از طرف پدر (شاهرخ)، حاکم مطلق بر اقلیم هرات خوانده شد، اساس یك کتابخانهٔ بزرگ، دارالفنون‌ها، وهنرستان ها را گذاشت و نیز یك « اکادمی » که در آن چهل تن از نقاشان، مهندسان و سایر هنرمندان استخدام شده بودند، تشکیل گردید. وصد ها مصور، مذهب، خطاط ومجلد در آن محل گرد آمدند و بکارهای تصویر و تذهیب مشغول گردیدند، بنا برین درین عصر بود که هنر نقاشی و مینیاتور روح تازه ای یافت و از امتیازات بس بزرگ هنری برخوردار شد. پیوست به این مباحث‌که عصر تیموریان هرات را احتوا میکند.

---

(۱) التصویر فی‌الاسلام ... ص ۴۳ .

لازم می آید که از آن آزاده مرد هنر مند ، هنر پرور و ادب دوست (بایسنقر میرزا پسر شاهرخ) ذکری به میان آید ، تا از آنهمه خدمات و مجاهدات ارزنده و قابل قدر وی در ساحهٔ هنر ، ادب و فرهنگ هرات آنروز ادای حق شده باشد .

بایسنقر :

پسرشاهرخ نوهٔ تیمور پادشاه‌خوش طبع‌وسخن پروربود ، خط را نیکو مینوشت، نقاشان و هنر مندان پروانه وار به اطرافش گردمی‌آمدند و به توجهٔ او بود که مجمع هنری بزرگی درآنروز گار تأسیس شد . بایسنقر مؤسس و بانی زیباترین کتاب نویسی در زمان‌خود محسوب میشده است ، وبه جاست که او را از بهترین کتاب دوستان جهان به شمار آرند .

مدرسهٔ معروف هنری هرات تحت حمایت و سر پرستی او ، قوام یافت و صدها مصور خطاط و نقاش به تذهیب وبه استنساخ کتب معتبر مشغول شدند. باسینقر ، در تشویق و ترغیب مذهبان که سازند گان بهترین هنرهای تذهیبی آنروز بودند ، مسامحه نمی کرد ودایم میخواستباین تشویقات وترغیبات خود، راه تذهیب کاری مرقعات و مخطوطات خود را فراهم کند (۱) . مورخ کبیر ، خواند میر در تاریخ معروف‌خود میگوید :

« باسینقر با وجود حشمت و جلال دستگاه سلطنتی و اشتغالات امور مملکتی وحکمرانی هیچگاه در تعظیم و تجلیل اصحاب فضل و کمال اهمال نمی‌فرمود وآثارشانرا به‌نوازش های شاهانه وملوکانه بهره ور مینمود . باسینقر

* تاریخ وفا تدر مطلع شنبه جمادی الاول ۸۳۷ ه . است و در آنوقت عمر وی ۲۵ سال بوده است .

(۱) تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی ص ۲۹۱ و نیز رجوع شود به ص ۹۴ الفنون الایرانیه و ص ۵۶ تذکرهٔ صبح گلشن چاپ هند .

خود به کمالات عالی فن و هنر آراسته بود و در خطوط متداوله خاصه در خط ثلث یگانهٔ زمان و نادرهٔ دوران محسوب میشد (۱) » . باغ سفید هرات اقامتگاه او بود . در آنجا اجتماعی از هنر مندان ، دانشمندان ، شاعران و نویسندگان تشکیل میشد . وی برای باراول یك نسخه از شاهنامهٔ فردوسی را به دست آورد و بران مقدمه ای نوشت که به نام مقدمهٔ بایسنقری معروفست . درین خصوص میتوان اظهار نظر کرد که شاهنامهٔ بایسنقری در هنرستان عهد بایسنقر تهیه وتنظیم گردیده و خطاط معروف « جعفر بایسنقر » ، خوش نویسی آنرا به عهده داشته و در سال ۱۴۳۰ م . به پایان رسانیده است . و ازآن ، غالب نسخه هابیرون نویس شده و درعده ای از کتابخانها وموزه های معتبر دنیا نگاهداری میشود . یکی از آن نسخه های مخطوط مذهب و مصور و بدون عیب ، همین حالا در موزهٔ قصر گلستان تهران در ایران محافظت میگردد (۲) .

مکتبهای هنری عصر تیموریان

درمیان مکتبهای هنری دورهٔ تیموری مکتب هرات درقرنهای(۸ اوائل۹ ه .) (۳) بطرف ضعف و نقصان رفت و در آن وقت شهر « سمرقند » یکی ازمراکز مهم هنرتذهیب درعصر تیمور بود . تیمور درسال ۷۷۱ ه . (۱۳۷۰ م .) آنجا را مقر حکومت خود برگزید و درآن هنر مندان ، خاصه کسانی را که به هنر های زیباآشنایی داشتند ، گردآورد . درین وقت شهرهای « تبریز » ، وشیرازنیزاز مراکز مهم هنر های تزئینی محسوب میشدند .

---

(۱) بنقل از پیدایش خط و خطاطان میرزا عبدالمحمد خان ص ۴۳

(۲) تاریخ فرهنگ ایران ، دکتر عیسی صدیق ص ۹۱

(۳) الفنون الایرانیه فی العصر الاسلام ، دکترذکی محمد حسن مصری ص ۹۳سال ۱۹۴۰

تصاویر مربوط به شهر « سمـرقند » خیلی نادر و کمیاب است و شاید ما نتوانیم آثار هنری بیشتری بدان نسبت بدهیم ، مگر اینکه نقش ها ورسم ها وآثار مستقل نقل شده ازنمونه های چینی وآنچه غالب اوقات بارنگ سیاه چینی نوشته شده است . بعضی ازین آثار خیلی به روشهای هنری چینی شبیه میباشد که مشتمل است « بر تمثیل های جانوران ، پرندگان حقیقی و پرندگان موهومی » . و نیز برخ زیادی ازین آثار در مورد موضوعات فلکی و نجومی است . شهر تبریزدر سال ۸۷۲ و ۸۹۰ (۱) درمقابل قبایل ترک تسلیم شد واما از مزایای هنری مکتب جلابریان بر خور دار بود و آن آثار هنری که میتوان آنرا درین عصر به تبریز نسبت داد ، صورتیست در دو صفحه که در مجموعهٔ « کیفور کیان » در نیویارک موجود است و شاید همان اثری باشد که در صفحات اول شاهنامه به نظر می آید و در آن مجلس سرور و شادمانی را در باغی نشان میدهد که تیمور و بعضی از مردان بزرگ دولت و خادمان او در آنجا حضور دارند . باقی صفحات مصور که در پایان قرن ۸ هـ (۱۴ م .) کار شده مشتمل به زیورهای فروان وروشهای هنری است که در قرن بعد از آن با مهمترین مشخصات در مکتب هرات بوجود آمده است . و بهترین این روشهای هنری ، منظره های گل و گیاه ، شکوفه و آثار فصل بهار است وهمچنان منظره هایی که مشتمل برکوهها وتپه های رسم شده به شکل اسفنج میباشد هنرمندان درین عصر توانسته اند با ایجاد نسبتهای معقول از لحاظ صورت بین اشخاص باآنچه از مناظر وساختمانها در پیرامون آن بکار بسته شده است ، بسیار شایسته و بجاست و اما فرق بین برگزیده های دومکتب تیموری پیشرو یعنی « هرات » و « شیراز » ، پیوسته پوشیده بوده ولیکن به طور کلی میتوانیم بگوییم که مکتب شیراز ، پس از مکتب هرات به عصر پشین وابسته

---

(۱) الفنون الایرانیه . . . ص ۹۳ – ۹۴

ومرتبط است . تصاویریکه‌درآن گلها ، شکوفه‌های درختان کوچك و گیاهان نشان داده میشود ، از مهمترین تصاویریست که درین مکتب کار شده است و از آنجمله است، کتاب مصور خطی کلیله و دمنه که‌اکنون درموزهٔ قصر گلستان تهران محفوظ بوده و بـه حکم محکم کاری تصاویر طبیعی خود ممتاز میباشد نخسهٔ مزبور با اکتساب عنصر های چینی در مشابهت با نسخهٔ مصور خطی « کلیله و دمنه »کار هرات محفوظ در تـوپ قاپو استانبول جای هیچگونه شك را باقی نمیگذارد . در اینک-این نسخه کاملا شبیه‌آن نسخهٔخطی میباشد ، اما اختلاف‌جزئی که دارند دراینست که در نسخهٔ مصور استانبول سبزی و خرمی طبیعت‌بیشترمحسوس بوده چهـار صفحه از صفحات مصور کلیله و دمنه تهـران کـه در جلـد پنجم کتاب « آثر آپهام پوپ » ، به صورت رنگین چاپ شده است ، میتواند از قشنگترین تصاویر این کتاب باشد .

صفحات مصور کار مکتب هرات

نسخهٔ مصور گلستان سعدی مؤرخ به سال (۸۳۰) (۱) که هم اکنون در یکی از مجموعه های هنری درخارج نگهداری میشود ، متعلق است به کتابخانهٔ بایسنقری هرات و کاتب‌آن « جعفربایسنقر » میباشد . این‌نسخه چنان‌خصوصیات ارزنده ای را در عالم هنر داراست که مکتب هرات را از سایر مکاتب هنری جدا و متمایز می گرداند ، مینیاتور های مزبور با داشتن رنگهای‌گرم و روشن ، سبك تزئین رابطـه وتناسب متن باصفحات ، آزادی حرکات اشخاص و سایـر خصوصیات دیگرازنسخه‌های مصور مربوط مکتب شیرازتفاوت خاصی‌میرساند .

---

(۱) به صفحهٔ ۹۱ نقاشی های ایران نوشتهٔ *Albert Skira* چاپ لندن سال ۱۹۶۱ مراجعه شود .

یك صفحهٔ مصور از شاهنامهٔ محمد جوگی که به سال ۸۴۴ ه در هرات کشیده شده ، در آن صحنهٔ جالبی دیده میشود ، یعنی در آن صفحـهٔ مصور ، هنوز سر دشمن قطع نشده ، فواره های خون از گردنش جاریست . تپه درین شکل طلایی رنگ ، صخره ها و ابر ها چینی نما ، افق محدود و آسمان آبی میباشد . وباید گفت که این شکل یك شکل کاملاً مصنوعی بوده و کمتر از طبیعت تقلید شده‌است ونیزاین گونه‌تصاویر،ازخصایص‌هنری‌نیمهٔ‌اول‌قرن نهم هجری بوده که در صدر بحث ، به آن تماس حاصل شده است .

تصویر دیگری منسوب به مکتب هرات که هم اکنون در مجموعهٔ هنرهای زیبای پاریس محفوظ است ، عبارت میباشد ازملاقات همایون درباغ قصرشاهی پیکنگ در چین . درین تصویر ابداع مقرون به حقیقت و زیبایی ووفق دادن بین اجزا و قدرت کامل بر تعبیر از عواطف و افکار نمایانست (۱) .

در موزهٔ مترو پلوتین نیویورك یك صفحه ازمینیاتوریکه به سال ۸۵۱ ه . (۲) کار شده خسرو را در حال تماشای آب بازی شیرین نشان میدهـد . درین صفحه نفاست ، ریزه کاری و دقت کار نقاشان هرات به خوبی آشکار میشود .

از جملهٔ تصاویر دیگریکه در موزهٔ مترو پلوتن جلب توجه میکند و درنیمهٔ اول قرن نهم ه . درهرات کار شده است ، صورتیست ازرستم (پهلوان افسانه‌ای سر زمین ما) که مشغول گرفتن رخش خود است و در پهلوی او دو درخت به نظر میخورد که بر روش چینی کار شده و نیز برفراز آن درختها ، پرنده هادر حال پرواز دیده میشوند و همچنان تصویر « کیکـاو وس » و داستان بردن تخت اوتوسط دوپرندهٔ قوی هیکل که درنهایت زیبایی وقشنگی صحنه‌سازی‌شده‌است .

---

(۱) ـ رجوع به کتاب هنرافغانستان تألیف پوگاچینکووا ، تابلوی ۱۸۹ مسکو ۱۹۶۳ موجوددر کتابخانهٔ انجمن تاریخ افغانستان .

(۲) ـ بهمان کتاب مراجعه شود .

شرح میناتور وصفحات‌مصور شاهنامهٔ محمدجو گی : (۱)جنگ میان گیووطلحند در بالای صفحهٔ میناتور این چند بیت از شاهنامه دیده میشود :

« همه بـاد بـرسوی طلحند گشت	بـراه وبـه آب آرزو مند گشت
زبـادوز خورشید و شمشیر تیز	نـه آرام بـود و نه جای گـریز
بر آن تخت زرین بخفت وبمرد	همـه کشور هند گوراسپرد »

درمینیاتور دیگرازشاهنامهٔ محمد جو گی (۲) کارمکتب هراتدرسال ۱۴۴۰م. دیده میشود که گستهم ، سر « فرشیدورد » رامی برد درین مینیاتور زمینه برنگ گلابی صخره‌ها و ابر ها چینی نماست . افق محدود و آسـمان آبی میـباشد . در بالای تصویر به طرف چپ این دو بیت خوانده می شود :

« بگردنـش برد یکـی تـیغ تیـز	بـرآورد نـاگـاه ازو رسـتـخیز
سرش زیر پای اندر آمد چوکوی	سرآمد همان زخم چوگان اوی»

از شاهنامهٔ فردوسی :

رسید اندران جایـکه گستهـم	که بـودند گردان تـوران بـهـم
نـوند اسپ او بـوی اسپان شنید	خروشی بـر آورد و انـدر دمید
سبك اسپ لهاك هـم زیـن نشان	خروشی برآورد چون بیهشان ...

در مینیا تور دیگر در شاهنامهٔ محمد جو گی ، تصویریست که درآن «اکوان دیو» «رستم» را بدریا می اندازد . درین تصویر ، زمینه نیز به رنگ گلابی ، آسـمان طلایی و منظرهٔ کوه اسفنجی است . در بالای صفحه ، طرف چپ ، این ابیات از شاهنامه نظر را جلب میکند :

1- Persian Painting - Royal Asiatic Society, London . P.29
2- Ibid

کمـنـدش بـه بـازو و بـبـر بیان | تنـش انـدران تنگ بسته بـیان
ز زین از بـر رخش بگشاد تنگ | به بالیـن نـهادان حنای خدنگ
چراگاه رخش آمدو جای خواب | نمد زیـن بیفگند در پیـش آب
چـو اکوانش از دور خفته بدید | یـکی باد شد تا بـدو در رسید
زمین گرد بببرید و بر داشتـن | ز هامون به گردون بر افراختـن

نسخه های مصور کلیله و دمنه کار هرات :

در کتابخانهٔ قصر سلطنتی تهران ، سه نسخهٔ خطی مصور از کلیله و دمنه وجود دارد که به حکم کار تصاویر طبیعی ، فوق العاده ممتاز است و درآن از عنصرهای چین تقلید شده است . و هیچ جای شك نیست درینکه این نسخه کاملاً شبیه آن نسخه خطی است که در کتابخانه استانبول مشاهده میشود . این نسخه به تاریخ ۸۳۴ ه‍.درهرات به دست محمد بن حسن البایسنقری برای کتابخانه بایسنقرمیرزا نوشته شده و در نمایش سال ۱۹۳۱ م . درلندن مورد توجهٔ عامه مردم قرار گرفت و لیکن این دونسخه با یکدیگر اختلاف دارند ؛ زیرا در نسخهٔاستانبول ،سبزی و خرمی در طبیعت بیشتر نظر را جلب میکند (۱) نسخه مصور دیگر از کلیله ودمنه که متعلق به اوایل دورهٔ تیموری است برای یك مربی شاهانه که احتمالاً ابراهیم سلطان یا بایسنقر میرزا باشد تهیه و تنظیم گردیده است و ارزش آنرا میتوان از روی معیار های زیبایی آن تعیین نمود اما برخی از اوراق اول و آخر آن که کلوفون باشد مفقود الاثر است .

(۱) مجلهٔ نقش و نگار ، ش ۸ س ۱۳۴۱ ص ۲۶–۲۸ ونیز رجوع شود به الفنـون الایرانیه ص ۹۶ و همچنان جلد پنج کتاب پوپ ، لوحه های ۸۶۵–۸۶۸ از کتاب کلیلهودمنه در کاخ گلستان . برطبق تشخیص آقای کوهنل آلمانی این تصاویر بدست خلیل نامی کار شده است که در هرات در زمان شاهرخ میرزا میزیسته است .

درین مینیاتور قسمیکه به ملاحظه می رسد شهزاده یی در میان باغ درتخت خود قرار گرفته وشخصی کتابی به او تقدیم میکند ، شهزاده موصوف خیلی جوان به نظر می آید و در اطراف وی ملازمان و درباریان دیده میشوند ، دریـن شکل رنگهای پخته زیاد به کار رفته است .

تصویر دیگر باز هم یك شهزاده را مینمایاندکه بر تخت خود نشسته وشخصی در قسمت راست او ایستاده است وکوزه یی به دست دارد . عده یی از درباران و اعیان و اشراف در پشت سر شهزاده مزبور صف زده و نیز یك عده پرند گان خیلی قشنگ در اطراف سر های شان دیده میشود . طرح تصویر درین مینیاتور آزاد بوده و از ملاحظه آنها انسان به جهان افسانه یی وتخیلی اندر میشود ویك حالت شاعرانه و مسحور کننده‌یی به آدم می بخشد (۱) در مینیاتور دیگر کـه به شماره (۱) ملاحظه میشود چهار رفیق (آهـو ، گاو ، سنگ پشت و موش) در اطراف یك چشمه گرد آمده اند . درکنار چشمه ، درختان لیمو ومالنه سایه افگنده است و در اطرافشان بته های از گل بـه نظـر میخورد که با کوه های سنگلاخ‌که در عقب شان دیده می‌شود منظرهٔ بسیار جالبی را ارائه میکند . (۲)

در تصویر شماره (۲) یك منظرهٔ متحرك بـه چشم میخورد کـه در آن یك ببرپیر برگوره خری حمله ور بوده و جریان خون از آن نمایانست . این گوره خربه بهانه های فریبنده‌ای گرگی‌را بدان محل گشانیده است . این منظره ، خیلی طبیعی بوده و قشنگی گل بته ها و سبزی زمردین درختان آن بی‌نهایت جالب توجه و دقت فراوان است .

---

1 – Basil Gray . Persian miniaturs , P . 16

2 – Ibid

این اسلوب ازمکتب نقاشی چین که درآن بته های زیبا زیاد بکار میرفته ، تقلید شده است . این مینیاتور باداشتن یك حالت رمانتیکی ویك احساس لطیف شاعرانه بیشتر مورد توجه است .

در مینیاتور دیگری از کتاب مصور کلیله و دمنه می‌بینیم که درآن پرنده قشنگ و سبز رنگی دارای دم دراز و پوپك بلند مورد توجه پادشاه است .

این پرنده به صورت یك سیمرغ افسانه‌یی دیده میشود که در شاهنامه از آن تصاویر بسیاری کشیده اند و تمثیل های زیادی به کار برده اند زیرا این موجود را با بالهای قوی و سهمناکش مظهر قدرت عجیبی میخوانند . (۱)

مرقع گلشن ✽ : محفوظ در کتابخانه کاخ گلستان تهران که در آن تصویر سلطان حسین بایقرا را در حرمش نشان میدهد و احتمالاً در سال (۸۹۰ هـ .) کشیدهٔ شده است . دریکی ازمینیاتور های مرقع گلشن به شماره (۷) که درآن بزم وشادی به نظر میخورد ، در آن منتهای قدرت و مهارت به کار رفته و در ریزه کاریهای آن نهایت دقایق قلمی و طراحی گلسازی و طلاکاری و رنگ آمیزی رعایت شده است . درین صفحهٔ مصور ، کمال وجدو طرب و حالت رقص نشاط و خوشی و انبساط خاطر را میتوان ملاحظه کرد . (۲)

در مینیاتور دیگر آن به شماره (۸) باغی نظر را جلب میکند که عده یی از نوزادگان درساز و نواز دیده میشوند . این مینیاتور درمکتب هرات به دست توانای هنرمند شهیر « بهزاد » کشیده شده است (۳) .

✽ البوم کلکسیون یك عده صورتهایست که موجود در کتابخانه جهانگیر ، پادشاه گورگانی در هند بوده جهانگیر آنرا به صورت مرقع هایی در آورده است . و یکی از آنها همین مرقع گلشن است . مجله سخن دوره هفتم ص ۹۳۹ ــ ۹۴۱ مضمون استاد دکتر عیسای بهنام .

1 – BasiL Groy Persian miniaturs ,P.16
2 – 3 – Ibid – P . 17

معراج نامه : این نسخهٔ مصور به سال ۸۴۰ ه . در هـرات برای شاهرخ میرزا کار شده و فعلاً در جمله کتب معتبر و نفیس کتابخانه ملی پاریس محافظت میشود . (۱)

دیوان حافظ شیرازی ❋❋ : نسخه مصور ومطلای دیوان حافظ مورخ به سال ۹۰۷ ه . که حسب الامر « فریدون حسین میرزای بایقرا » توسط محمد حسن مصور وخطاط معروف هرات کار شده ، دارای چهارقطعه مینیاتور خیلی زیباست . این کتاب برای سلطان حسین میرزای بایقرا اهدا شده است .

از صفحه گذشته

اضافه باید کرد که مرقع گلشن قسمیکه گفته شد در زمان جهانگیـر پادشاه کورگانی هند آغاز شده و بعد از نه سال در عهـد شاه جهان به اتمام رسیده است . این مرقع در عصـر مظفرالدین شاه قاچار توسط شخصی به نام لسان الدوله از هندوستان آورده شده و به میرزا ــ محمد حسینخان متخلص به «وفا» فروخته شده است واو ازآغامحمد خان که درایران بودبیمناک بود که مبادا این نسخه را از وی بگیرد به بهانه زیارت عتبات و اعتکاف راه عراق پیش گرفت و همه اموال و اشیای نفیس خود را که از جمله همین مرقع گلشن بود ، میخواست با خودببرد . جاسوسان آغامحمد خان را اطلاع دادند او را بازگردانیدند و همه اشیای او را از وی گرفتند ، و آن مرقع ایست که فعلاً در کاخ گلستان تهران نگهداری میشود .

ص ۱۸ هنر و مردم عقرب سال ۱۳۴۷ ، از مضمون سیری در هنر ایران و سـر زمین های اسلامی ، بررسی ترجمه و نوشته دکتر پرویز ورجاوند استاد دانشگاه تهران

(۱) نقش و نگار ، ش ۸ سال ۱۳۴۱ ص ۸

❋❋ در صفحات اول این نسخه که محفوظ درکتابخانه نسخ خطی کابل است ، تصاویری از فریدون حسین وخواجه حافظ موجود میباشد .

تصاویر مربوط به شماره های (۱) و (۲) را درکتاب صنایع افغانستان تالیف گ . ا . پوگا چینکووا قید صفحات (۱۹۰ ــ ۱۹۳) میتوان ملاحظه کرد .

شرح مینیاتور هاو صفحات مصورشاهنامه بایسنقری:

در مینیاتور شماره (۱۶) تصویر دختری به نام گلنار از معتمدان شاه ار دوان به چشم میخورد که ازپنجرهٔ قصرشاه سر بیرون آورده وبه وضع نهایت عاشقانه به ارد شیر ، یکی از ملازمان شاه نگاه میکند . درین تصویر « اردشیر » ملبس به لباس فاخر بوده و در حال ملاقات با گلنار میباشد . آنها بعد از ملاقات راه فرار پیش میگیرند و آنگاه طفلی به دنیا می‌آورند که نام او «ساسان» است. وبدینوسیله بیناد و اساس خانوادهٔ بزرگ ومعروف «ساسانی »گذاشته میشود (۱).

درمینیانورشماره(۱۷) شاه یزدگرد نشان داده میشودکه منذر ، شاه حیرهٔ عرب را پذیرایی میکند و او فرزند دلبند خود « بهرام گور » را به وی می‌سپارد تا برایش ورزش ، جمناستیك وسایر فنون وحالات جنگ بیاموزد . بهرام گور درین کار قدرت و توانایی خاصی می‌یابد و شهرهٔ آفاق می‌شود . فردوسی در شاهنامهٔ خود صورت داستان را چنین بیان میدارد (۲) :

---

(۱) رجوع شود به ص ۹۱ - ۱۶۹۳ ج ۴ شاهنامهٔ ، چاپ دبیر سیاقی.
(۲) شاهنامه فردوسی ج ۴ ص ۱۸۰۶ به بعد .

« چوشد پادشاه در جهان یزدگرد — سپه راز شهر اندر آورد گرد
کـلاه بـرادر بسـر بـر نـهـاد — همی بود از مرگ نا شاد شاد
زشاهیش بگذشت چون هفت‌سال — همه موبدان زوبه رنج ووبال
سـر سـال هفتـم مـهٔ فرو دین — که‌پیدا کند درجهان هور زین
یکی کـودك آمدش هر مزدروز — به نیك اختر وفال گیتی فروز
مـراو را پـدر کـرد بهـرام نام — وزان کودك خردشد شاد کام
جهان سر بسر پیش فرمان تست — به هرکشوری باژوپیمان تست
نگـه کن بجایی کـه دانش بود — زداننده کشور به رامش بود
ز پـر ما یگان کار دانی گـزین — که باشد زکشور برو آفرین
هنـر گـیرد این شاه خـرم نهان — ز فرمان او شاد گـردد جهان
چو بشنید از آن موبدان یزد گرد — زکشور فرستادگان کردگرد »

یزدگرد پس ازعزازواکرام منذر(بن‌نعمان بن‌امرالقیس پادشاه حیره) بهرام را بـدو سپرد و هدایت داد که غذا های خوب برای او تهیـه کنند و دایه های خـوب برایش انتخاب بدارند . « منذر » طفل را گرفتـه به مقر خود « حیره » برد که خاکش درعراق ، سالم تر و هوایش مطبوع تر و آبش گـوار اتر از سایر نقاط است .

منذر (*) دایـه هـایی برای او مقرر کـرد و در نزدیك حیره بـه ساختن خورنق و سدیر مبادرت نمود وآنرا برای سکونت بهرام برگزید. وی آداب و زبـان عرب آموخت و استعمال اسلحه را تعلیم گرفت و به پایهٔ کمال رسید .

---

* از آن مهمتر ان چار زن بر گزید — که انـدر نژادش هنر بد پدید
همـی داشتنـدش چـنیـن چـار سـال — چو شد شیر وارو یا کند یال
بـد شخـواری از شیـر کـردند باز — همـی داشتندش بـبـر بـر بناز

در قرنهای (۵-۶ ه .) داستانهای شاهنامهٔ فردوسی توجه نقاشان را به خود جلب کرد و آن به علتی است که از یک طرف زیبایی داستانها گیرنده است و از جانب دیگر صحنه‌های آن از دیگر سرایندگان بر تر بوده و آنان «نقاشان» را بر آن داشته است تا فراخور این داستانها ، نقش‌های زیبایی خلق کنند . از جمله داستانهای مزبور داستان « زال و رودابه » ، « منیژه و بیژن » ، « رستم‌وسهراب» شایان آن بوده است تا مردمان به چنین داستانها آشنا گردند و با آن به نظر تحسین و اعجاب ببینند (۱) .

اگر بدکنی کیفرش بدبری | ز چشم زمانه بخواب اندر است
سرایونها نقش بیژن هنوز | به زندان افراسیاب اندر است

شاهنامهٔ بایسنقری که کار مکتب هرات را مینمایاند در سال (۲۳ - ۸۲۲ ه .) مطابق (۳۰- ۱۴۲۹ م .) از طرف جعفر بایسنقر ، برای کتابخانهٔ بایسنقر میرزا (۷۹۹-۸۳۷ ه .) (۲) تهیه گردیده است و این شاهنامه به سال (۱۴۳۰ م .) بپایان رسید و از طرف بایسنقر میرزا مقدمه ای بر آن نگاشته شد . درصحفه اول آن یکدسته گل زیباوخیلی قشنگ به امضای طغرایی شهزادهٔ موصوف دیده میشود .

درمقدمهٔ کتاب ، دو صحفهٔ اول مصور است و باقی صفحات دارای مینیاتور های خیلی عالی و جالب میباشد . و همچنان متن کتاب به خط خوش نوشته شده و تذهیب کاری آن باداشتن شاخ و برگهای پیچیده طرح های اسلیمی وزنده چینی ازدیگر نسخه ها امتیاز خاصی دارد . شرح مربوط به این تصاویر را درصفحاتیکه اختصاص به شاهنامه های مصور دارد ، ملاحظه خواهند فرمود .

---

(۱) مختصری از پیشگفتار استاد پور داوود بر کتاب « بیژن و منیژه » ص ۳۰ نقل از هفت اقلیم امین احمدرازی ، سال ۱۰۰۲ (بررسهای تاریخی ص ۲۵۴ سال ۳ شمارهٔ ۵ ، ۱۳۴۷) .

(۲) مطلع السعدین ص ۵۲ نسخه خطی کتابخانه ملی ملك تهران .

شرح مینیاتور های شاهنامه بایسنقری از کتاب (بازیل گری) :

صفحات مصور شماره (۱۸ – ۱۹) شعر ندارد . (۱) درین تصاویر بایسنقر با بزرگان و اعیان دربار خود به تماشای شکار آهوان ، گرگان ، شیر وغیره دیده میشود . وی جامهٔ سبز به تن داشته و جامی ازشراب در دست راست گرفته و چتری بالای سرش سایه انداخته است .

صفحه مینیاتور دیگر (۲) منظرهٔ دربار کیکاووس را مینمایاند که در آن یك مرد آواره به اصطلاح « دیو » حضور شاه را در یافته و در بارهٔ دیوان مازندران صحبت میکند و او را بر حملهٔ دیوان بر می‌انگیزد * . درین مینیاتور لباس های افراد به رنگهای بادنجانی سبز و آبی دیده میشود و نیز کوزه های آبی و سفید بالای میزی که گل قشنگی پهلوی آنست ، به نظر میخورد .

در تصویر شماره (۲۰) « رستم » پهلوان نامی وافسانه سر زمین ما بانوه‌اش « برزو » در جنگ دیده میشود . داستان « برزو » یا « برزو نامه » ازطرف شاعر گمنام ، درحدود سال (۱۱۰۰ م .) در شاهنامهٔ فردوسی وارد گردیده است . درین جنگ رستم برتن ببربیان پوشیده فتح و ظفر نصیبش میشود و « برزو » به وضع خیلی اسفناك نقش بر زمین میگردد وچهره بر نقاب خاك میکشد . مینیاتور شماره (۲۱) مرگ اسف انگیز « سیاوش » پدر کیخسرو به دست گرسیوز تورانی را تمثیل میکند ** که شرح آن چنین است :

---

1 – Basil Gray, Persian miniaturs, P. 8. 1962

2 – Ibid

* رجوع شود به مینیاتور

** این مینیاتور مکتب هرات در سال (۱۴۳۰) میلادی است . رجوع شود به مینیاتور سوم .

چون سیاوش ازپدر بیگانه شد . روی به‌دربار افراسیاب‌آورد وبا دختر او « فرنگیس » ازدواج کرد و بدان سبب به مقام و مرتبت پر حشمت وتوقیر رسید . لیکن سر انجام گربوزا (گرسیوز) که مرد مطلع از جنگ بود به افراسیاب از سیاوش سعایت و بدگویی کـرد و خشم او را نسبت به سیاوش بر انگیخت و سیاوش را هلاك کرد . بنابر آن‌آتش نفاق وشقاق رامیان طوایف‌آریایی وتورانی بر افروخت (۱) .

شاهنامه فردوسی این واقعه را بدین سان تمثیل میکند :

نگه کردگرسیوز اندر گروی — گـروی ستمگـر نپیچـد روی
بیامد بـه پیش‌سیاوش رسید — جـوانمـردی شـرم شـد ناپدیـد
بزدست وریش شهنشه گرفت — به خواری کشیدش‌به خاك‌ای‌شگفت
پیاده همی برد مویش کشان — چـو آمـد بدان جا یـگـاه نشان
کـه آنروز افگنده بودند تیر — سیاوش و گـرسیوز شیـر گیـر
بیفگند شیر ژیان را بـه خاك — نـه شرم آمدش زان سپهبدنه باك
یکی طشت بنهاد زرین بـرش — به خنجر جداکرد ازتن سرش (۲)

ثعالبی در شاهنامهٔ خود موضوع را بدینگونه بیان میکند :

کجاآنکه فرموده بدطشت‌خون — گروی ز ره بردو کـردش نگـون
به‌ساعت گیاهی‌از آن‌خون‌برست — جز ایزد که داند که‌آن‌چون‌برست
گیاه را دهـم من کنونت نشان — که خوانی همی‌خون‌اسیا وشان(۳)

---

1 – Basil Gray , Persian miniatures , P . g

(۲) شاهنامه چاپ دبیر سیاقی تهران ج ۲ ، ص ۵۸۲ – ۵۸۶

(۳) ترجمهٔ محمود هدایت تهران ص ۹۶ .

صحنه مصور شماره (۲۲) صفوف متقابل جنگ میان ایرانیان و تورانیان است . در جنگ « پیران » سردار لشکر تورانیان به دست « گودرز » پهلوان کشته میشود . پهلوانان و رزم‌آرایان تورانی درین صحنه ازمینیاتور ، جامه های بزرگ بادنجانی بر بالای زره پوشیده اند و نقاش چیره دست در کشیدن زمینه های خرد و کوچك و تعدد شکلها مهارت بسزایی انجام داده است .

و همچنان شکل مدور صفوف درین تصویر خیره کننده بوده و از بهترین و عالیترین شاهکار های هنری محسوب میشود .

دریک صفحه مینیاتور شماره ۲۳ * مرحله از داستان هفت خوان اسفندیار نشان داده شده است . اسفند یار برای رسیدن به قلعهٔ ار جاسب تورانی ، میخواهد منازلی را طی بکند که ناگاه در مسیر راهش دو گرگ با دندان های چون تیغ آبدار نمودار شدند و بدو حمله کردند . اسفند یار ، با شمشیر بران و کشنده خود ، آنها را بکشت و راه وصول به‌مقصد را برای خودسهل گرداند و شکر خدای را به جا آورد (۱) .

فردوسی در شاهنامه به بیان آن چنین صورت میدهد :

سخن گوی دهقان چو بنهاد خوان یکی داستان رانداز هفتخوان
یکی جام زرین به کف برگرفت ز گشتاسپ آنگه سخن‌در گرفت
زرویین دژو کار اسفندیار زراه وزآموزش روزگار ... (۲)

---

* این مینیاتور کار مکتب هرات در سال (۱۴۳۰) میلادی است .

1- Basil Gray. Persian miniatures p.lo

و نیز مراجعه شود به صفحه ۱۴۱ شاهنامه ثعالبی ترجمهٔ محمود هدایت چاپ تهران .

(۲) شاهنامه فردوسی ازروی چاپ‌ژول مول‌قطع‌جیبی ۷ جلدی ج ۳ ص ۱۳۹۳ به‌بعد .

یـا :

سپهبد چو آمد به نزدیک گرگ | بیفشردران همچو پیل سترگ
بدیدند گرگان برو یال اوی | میان ویلی چنگ و کو پال اوی
ز هامون سوی او نها دند روی | دو پیل دژ آگاه دو جنگجوی
کمان را بزه کرد مرد دلیر | بغرید برسان درنده شیر
برا هر یمنان تیر باران گرفت | به تندی کمین سواران گرفت
ز پیکان پولاد گشتند سست | نیامد یکی پیش او تند رست
نگه کرد روشندل اسفند یار | بدید آنکه زو سست گشتند وزار
یکی تیغ زهر آبگون بر کشید | عنان را گران کرد وسر در کشید
سرا نشان به شمشیر بر کرد چاك | گل انگیخت از خون ایشان زخاك
سلیح و تن از خون ایشان بشست | بر آن خاك بر پاك جایی بجست
بر آن ریگ سر سوی خرشید کرد | دلی پرز درد و رخی پرز گرد
همی گفت کای داور داد گر | تو دادی مرا زورو فرو هنر
تو کردی د دان را بدین خاك جای | تو باشی بهر نیکیی رهنمای ...(۱)

۱ ـ شاهنامهٔ فردوسی یک جلدی چاپ امیر کبیر ص ۳۱۰

فصل دوم

مکتب مینیاتوری هرات در عصر تیموریان نیمه دوم قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری

هرات در نیمهٔ دوم قرن پانزدهم میلادی از لحاظ انکشاف رشته های گوناگون هنر ، شعر ، ادب ، موسیقی ، نقاشی ، رقص ، شهرت فراوان یافته بود . در تمام این ساحات ، اشخاص توانا و دارای قریحت بسیار عالی که نام شان در تاریخ مدنیت وفرهنگ بشری‌بطوری جاودان ثبت گردیده است ، به وجود آمدند . از آخرین شاعران و هنرمندان بزرگ و نام‌آور این دوره مولینا عبدالرحمن جامی (متوفی ۱۴۹۲ م .) دوست وحامی او شاعر کبیر امیر علیشیر نوایی (متوفی ۱۵۲۶ م .) ، نینواز شهیر شیخی ، رقاص معروف سید بدر و بالاخره خوشنویس و نقاش عالیمقام سلطان علی مشهدی (۱۵۱۳ یا ۱۵۱۵ م .) را میتوان نام برد. درحقیقت اینان بزرگان هنر هرات قرن پانزده بودند که اسامی شان در تاریخ ادبیات مشرق زمین یکجا با نام مشوق و حامی آنها یعنی سلطان حسین بایقرا شاعر و ادیب فرزانه ضبط شده است .

اگر خوب دقت شود به‌ملاحظه می‌رسد که از ین نوابغ واستعداد های عالی هنری در آن عصر بسیار بوده اند که یا ما از آنها هیــچ اطلاعی نداریم و یا اینکه محض از یك قسمت نا چیز آثار باقیماندهٔ آنان مطالع هستیم . معاصران ایشان از جمله صاحب یاد داشتهای معروف (بابر) مورخ کبیر (خواندمیر) و شاعر بزرگ (امیر علیشیرنوایی) در آثار خود از هنرمندان وسخنوران ممتاز آن روزگار نام میبرند . خواند میر برآنست که ذکر نامهای تمام مردان علم دوست وادب پرورآنروز مقدورنیست . زیرا درقلمرو سلطان حسین میرزای بایقرا و بخصوص در هرات عدهٔ آنان بیرون از حساب بود .

بابر درین باره گفته است : « عصر سلطان حسین عصر عجیبی بود » . خراسان مخصوصاً شهر تاریخی هرات جایگاه افراد خوش قریحه و خوش ذوق بود و هر شخص بــه هرامری کــه اشتغال داشت در آن سعی و جدیت تمــام می نمود .

اینبود که هرات در بسا موارد از شئون حیات و زندگی بــه اوج ترقی و کمال رسید .

از شرحیکه بابر در یاد داشتهای معروف خویش آورده است ، بر می آید که هرات پایتخت سلطان حسین روز به روز به صوب ترقی و تعالی سوق داده میشد . این شهر که درچهار راه بزرگ تجارتی واقع بود شکوه وابهت بی‌نظیر داشت .

بازار عظیم آن پرازمحصولات بلادمختلف مانند ماورالنهر ، ایران ، چین ، هند و اروپای غربی و روسیهٔ شوروی بود . گرچه زندگی مردم چندان خوب نبود اما وفور نعمت بسی عظیم بود .

خلاصه آداب و رسوم ، فرهنگ و هنرهرات قرن پانزدهم به عراق ، ایران و امپراتوری عثمانی (زمان محمد دوم) رسیده بود . میتوان به خاطر آورد که امیر علی شیر نوایی باسلطان یعقوب ترکمان روابط حسنه داشت وی در سالهای (۱۴۷۹ - ۱۴۹۰ م) حاکم عراق‌بود . امیرموصوف برای‌وی‌کتاب می‌فرستاد . جامی شاعرنامدار درترکیه عثمانی‌شهرت فروان داشت . محمد دوم‌فاتح قسطنطنیه و وارث او « بایزید دوم » برای اوتحایف نقد و جنس می‌فرستاد (پس ازآنکه قلمرو سلطان حسین به دست ازبکان ماورا النهر تسخیرشد ، رسامان و هنرمندان که به ممالك عرب وهند مسافرت ومهاجرت‌کردند ، به نحوی بسیار شایسته ای استقبال شدند بابر گوید که در تمام جهان آنروزی شهری به مثال هرات یافته نمی‌شد . درین شهر تاریخی و در آن عصر طلایی ، هنرمندان هروی آثاری به وجود آوردند که در آنها غنای معنوی و ذوق مفرط هنری مند مج بود وهمه دال بر نبوغ و استعداد عالی هنرمندان آنروزگار بود . اشکال تزینی صورتهای ظریف وتصاویر جالب ازافراد زیباپرست ، زیبا شناس ، رسام ، نقاش وصاحبان منزلت وجاه کشیده شد که محصول کلك نقاشان ورسامان آن عصر بوده ویکسر نمایشگر برازندگی هنرآن دوران میباشد . اینکه این‌تصاویر مستند است یاخیر، میتوان با بردن نام جاویدان رفایل شرق یعنی استاد کمال الدین بهزاد هروی به این پرسش پاسخ داد ، بنابر قول « مارتین » دانشمند سویدی بهزاد درصوتگری به درجهٔ استاد بزرگ رسیده است و درین فن با « میم لینگ » ، « دور بیرو » و « گول بینی » (۱) در یك ردیف قرار می گیرد .

---

(۱) ازکتاب صورتهای انفرادی عصر نوابی تألیف ۱.۰۱. سمینوف ص ۱ تا ۳ ، تاشکند ۱۹۶۴ (متن روسی) ترجمه و تلخیص شده است .

درشروع بحث مایه این نکته که بابر درکتاب معروف خود (بابر نامه) تعریفات و توصیفاتی در باب هرات آنروز بجا گذاشته و عصرسلطان حسین میرزا را عصر عجیب خوانده است)) مطالبی داشتیم . بنابرآن درخور توجه است که پیرامون احوال سلطان حسین بای قره ، آن شاه عدل گستر و رعیت پرور ، چند سطری نیز داشته باشیم تا باشد که حق وی در جهان ادب و هنر ادا شود .

سلطان حسین میرزای بای قره :

وی یکی از نبیره های تیمور بود و در سال های (۱۴۵۸ - ۱۴۵۹ م) آنگاه که در کنار های بحیرهٔ خضر سنگر انداخته بود ، باغتنام فرصت تاخت و تاز هایی بر سیستان ، بلخ وهرات نمود و به اندك زمانی آن نواحی را متصرف شد و هرات را در سال ۱۴۷۱ مقر حکومت خود برگزید و مدت ۴۸ سال براریکه سلطنت جلوس داشت .

شاه ابوالغازی معزملك دین سلطان حسین   آنکه دارد خاتم اقبالش از اختر نگین
نام او بر خاتمی گر عکس اندازد شود   معنی اسرار ظل الله را مظهر نگین
مهر میسازد در دولت قضا بر دشمنش   از نگین چرخ کالوده بخاکستر نگین
خاتم اوملك معنی درنگین آورد وبس   کی خواص خاتم جم آید از دیگر نگین
در صمیم کان بیاد خاتم اقبال او   ازطرب پیوسته خندان باشد وازهرنگین
روز وشب درحسرت انگشتری دولتش   درمعادن میزند برسنگ خارا سرنگین
ای که بهر خاتم اقبال تو هر بامداد   آورد ازکان مشرق خسرو خاور نگین(۱)

(۱) روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات تألیف معین الدین زمچی اسفزاری بخش یکم ص ۸ - ۹ به تصحیح محمد کاظم امام ، چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۸

در عصر سلطان حسین و وزیر دانشمند و هنر پرورش (نـوایی) ، هـرات دوباره شکوفان شد و رونق اولی خود را ازسر گرفت . امیر علیشیر در هرات چندین مدرسه ، خانقاه ، وشفاخانه ، بناکرددرین مدرسه‌هابزرگترین علمای وقت مشغول تعلیم و تدریس بودند . بنیان گذاران و فرهنگ آنروزی هرات در امر بناهای مدارس بازار های متعدد و حمام ها همت فوق العاده ای بکار میبردند و نیز در هر گوشه وکنار قصر های عالی شان بنا میگردید و درآنجا بزم سخن از بزرگترین سخنوران و شاعران تشکیل میشد . هر کس بهر کاریکه مشغول بود همت و غرض اوآن بودکه آن کار را بکمال برساند از جملهٔ صورتگران چیره دست وهنروران نامی‌آن عصر «شاه مظفر (۱) » « استاد روح‌الله میرك » وستارهٔ تابان فن نقاشی استاد بهزاد را میتوان نام برد. سلطان حسین با آنکه به هنرارج و اهمیت میگذاشت خود نیز شعر های در خور وصف میگفت والبته درین امـر تلاش امیر علیشیر نوایی که در شورای سلطان نقش بر جسته ای داشت بی تأثیر نبود . نقاشی در عهد سلطان موصوف بمنتهای کمال و جمال خود رسید . نقاش معروف ، جهانگیر بخارایی‌که استاد پیر سید احمد تبریزی و بهـزاد میباشد خود شاگرد «گونگ (۲) » نام چینی بوده است .

سلطان حسین بای قرا در سال (۹۱۱ هـ .) (۳) وفات یافت و درمرضـــع باباالهی

---

(۱) مجله کابل ص ۱۷ ش ۱۰ س ۶

(۲) تاریخ سلسله تیموری یاکورگانی ، ابولقاسم‌شکرائی ص ۸۲ ـ ۸۶ سال ۱۳۱۷

(۳) کار نامه بزرگان ایران ص ۱۱۱ ـ ۱۱۲

به خاك سپرده شد پسر وی چون « بدیع‌الزمان میرزا » و « مظفر حسین میرزا » در هر گوشه و کنار خطبهٔ سلطنت بنام خود خواندند و بنا برآن امور مملکت بی‌نظم شد و تاآنکه شیبك خان ازبك ظهور کرد و هرات را تصرف نمود و بالاخره درسال (۹۱۶ هـ.) شاه اسماعیل صفوی ، هرات را ازازبکها متصرف شد و استادان بزرگ نقاشی مانند (بهزاد ، میرك ، حاجی‌محمد و قاسم علی) را که در آینده به این چهره های درخشان آسمان هنر آشنا خواهیم شد ، با خود به تبریز برد .

امیر علیشیر نوایی * و تصاویر مربوط به او

امیر علیشیر(۱) نوابی در شهر هرات متولد شده و بعد از مرگ شاهرخ سالها در مراکز علمی و ادبی سمر قند و مشهد به تحصیل مشغول بود تا آنکه آرامش در وطنش بر قرار شد و وارد هرات گردید . میر علیشیر نوایی در سال ۱۴۶۹ هنگام جشن تا جگذاری شاه سلطان حسین قصیده غرایی در وصف او سرود ، سلطان را خوش آمد او را در زمره در باریان پذیرفت و لقب مهردار سلطنتی بوی داد . با توجه بخدمات ارزنده‌ای این مرد دانشمند ، سلطان را لازم آمد که او را در سال ۴۷۲ م . به لقب « امیر » مفتخر گرداند .

امیر علیشیر نوایی در عین حال که شاعر بزرگ ، دانشمند ژوف بین در تاریخ و ادبیات بوده و نیز یک معمار ورزیده و لایق ، نقاش و موسیقدان ، ستایشگر وهوا خواه هر گونه کار هنری بود . نوایی غیر از کار های ادبی خود در آبادیها و بالخاصه در حمایت از علم و هنر مقام بس ارزنده‌ای دارد و نامش همیشه مانند گلها ی جاودان در پهلوی نامهای مؤرخان بزرگ مانند میر خواند متو . (۱۴۹۸ بـه (۲) عمر ۶۶ سالگی) و خوانـد میر متو . (۱۹۴۱) هنرمند معروف بهزاد ونظایر آنان ذکر گردیده است .

شهرات هرات بتوجه این مرد نامی و سلطان عصر (بایقرا) به کسب افتخارات بیشتر نایل شد .

---

* ـ نوابی در سال ۱۴۴۱ در شهر هرات متولد شد و پدرش ابوالقاسم بابر از سلسله تیموریان حاکم شهرسبز وار بود . در جنگ و آشوب پس از مرگ شاهرخ ، پدرنوایی مجبور بفرار شد و کودکش نیز همراه او بود . نوایی در ایام جوانی وطنش را ندید تا آنکه امنیت و آرامش در شهر هرات بر قرار شد و او دو باره بوطن مأ لوفش باز گشت .

(۱) مجله پیام نوین ص ۱۹ ش (۱) سال ۱۳۴۵

(۲) تذ کره نصرآبادی ، تالیف میرزامحمد خان نصرآبادی ص ۲۷۰ چاپ اومغان ۱۳۱۷ .

تابلوی‌های مربوط به آثار نوایی (۱)

صفحه مصور از دیوان میرعلیشیرنوایی

کار هرات متن به زبان ترکی	ازبکستان شوروی نسخه خطی	۲۱۹۷

صفحه مصور از دیوان نوایی

کار هرات متن به زبان ترکی	ازبکستان شوروی نسخه‌خطی	۷۲۶۳

صفحه مصور از دیوان نوایی

کار هرات متن به زبان ترکی	ازبکستان شوروی نسخه خطی	۷۲۶۳

صفحه مصور از دیوان نوایی

کار هرات متن به زبان ترکی	ازبکستان شوروی نسخه خطی	۲۱۹۷

صفحه مصور از دیوان نوایی

کار هرات متن به زبان ترکی	ازبکستان شوروی نسخه خطی	۱۹۹۵

صفحه مصور از دیوان نوایی

کار هرات متن به زبان ترکی	میناتور ازدیوان نوایی‌شوروی	۷۲۶۳

صفحه مصور میناتور از دیوان نوایی

کار هرات متن به زبان ترکی	ازبکستان شوروی نسخه خطی	۷۲۶۳

---

۱ ــ چاپ شوروی ۱۹۶۸ .

صورت های انفرادی عصر نوایی :

۱ ـ صورت امیر علیشیر نوایی که در اواخر قرن پانزدهم بدست محمود مذهب کشیده شده واکنون متعلق به یکی از کتابخانه های ایران است دربن تصویر قد و قامت این شاعر نامی اندك کمانی و خمیده به نظر میخورد وبه عصای بلند تکیه کرده است .

صورتش بامحاسن سفید گونه وچشمان بی اندازه گویا وزنده وکذا اوضاع روانی وفزیو لوژیکی وی مبین هوش رسا ، ذکاوت وخرد عالی این انسان باقدرت است که به خاطر مشغولیت به امور مختلف ادبی صیقل یافته و به زیور تجارب زندگی مزین گردیده است، بنابرقول بابر«سکنات وحرکات امیرعلیشیر نوایی بیگ» به ظرافت طنز آمیز خود معروفست وعامه مردم وقارسکنات وحرکات ویرا ناشی از غروری میدانند که خـود زادهٔ موقعیت زندگی او بوده است . موصوف در دوران اقامتش درسمرقند،همین سکنات وحرکات متین، مؤقر وظریف راداشته است.

۲ ـ صورت شاهزاده شاه غریب فرزند دوم سلطان حسین میرزای بای قره که به دست استاد صورت گر گمنام هراتی به صورت خیلی مخوف ووحشتناك کشیده شده ومتعلق به کتابخانه یونیورستی قسطنطنیه در ترکیه میباشد . این تصویر معروف یك شخصیت بارز هنر دوست ، مریض وعلیل النفس است که قربانی افراط وتفریط خود در زندگی شده است . سلطان بابر، شهزاده موصوف را چنین وصف میکند:
«اوپشت خمیده داشت » وشاید هم کپ بود وبااینکه ظاهرکره داشت ازحسن اخلاق بر خوردار بود .

تن ضعیف ونحیف ولیکن بیانش شیوا ودلنشین داشت . کنیه ادبی او « غریبی » بوده ودیوانی به رشته تحریر کشیده است واشعاری به ترکی نیز دارد .

۳ صورت سلطان ظهیرالدین بابر که به‌سال «۱۵۰۵م. » در کابل به د ست نقاش ناشناسی کشیده شده است ، اصل این صورت در بریتش موزیم لندن نگهداری میشود مولف «یادداشتهای معروف » درین تصویر به‌صورت‌مردجوان بسیار باهوش مجسم شده است . وی بروی تختی نشسته ودر میاندرختان‌پراز گل کتابی‌به‌دست دارد ومی خوانـد بر بالای سرش پرندگان در حالت پرواز دیده‌میشوند، خطوط بسیار باریك ونازك لطافت وزیبایی چهره (بانی امپراتوری مغلولهای بزرگ در هند ۱۵۲۵ ـ ۱۵۳۰)بطرز خیلی رسا وبین کشیده شده است ونیز تصویر مزبور حالت مستغرق بودن اورا در متن کتاب به صورت زنده ورسا منعکس کرده‌است.

۴ ـ صورت های دراو یش‌هراتی : طی دوائر بسیارجالب وارزنده ازاستادان گمنام هراتی به دست ما رسیده است واکنون در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشوند یکی ازین تصاویر که‌مربوط به‌اواخر قرن(۱۵م.) است‌درویش سالخورده بی را نشان میدهـد ، که در قبـای آهـی و در فضـای آزاد سر زمیـن پوشیده از علف وبته دو زانو نشسته است . وی درین تصویر باچهره بی نهایت نجیبا نـه وفکور وباریش وسبیل انبوه وپرپشت دیده میشوذ ، که این صورت درنهـایـت استادی وچیره دستی انجام شده ومایه‌تعجب وتحیر میباشد .

صورت دیگر در حدود سال (۱۵۰۵ م .) کشیده شده و نیز از یاد گار های اساتید هراتست که درآن درویش میانه سال رانشسته برروی پوست پلنگ یا ببر در وسط چمن نشان میدهد که بر بالای سرش پرندگان در حال پرواز و ابر ها در حال عبور دیده می‌شود . چهره بسیار روشن فکرانه وجدی او از صفحه کاغذ نمایان است که از قرار معلوم چشمش متوجه مصاحب میباشد و دست راست او نیز بهمین نقطه اشاره میکند .

دربن صورت هـا آنچه در خـور توجـه است همانـا کلاههـای جالب هر دو درویش میباشد (۱)

خصوصیات مینیاتور های عصر تیموریان هرات :

در تصاویر این عصر جنبه آرایش و تزئین قویتر بوده طبقات‌نازك صخره و کوههاییکه به افق منتهی میشود به انواع و اقسام رنگهای قشنگ ، خوش منظر ولطیف صحنـه سازی شده است و نیز درختان گل‌و گیاه وغیره بادقت فراوان و حوصله زایدالوصفی کشیده شده است . آسمان بالای افق غالب طلایی رنگ ، ابر مار پیچ به سبك چینی آسمان شب برنگ سرمه‌یی وستار گان به رنگ طلایی دیده میشود . در کتب مصور آن دوره چون «توصیف‌حیوانات» و«تشریح‌جهان» هنر چینی در ترسیم‌آب درختان و کوهسار مشهود است . هنرنقاشی چینی براثر بر خورد و تماس با هنر نقاشی حوزه هرات اثراتی مانند « قلم مرکب چینی » « رنگ آمیزی » ، « ترکیب خطوط » درکشیدن صورت بعضی حیوانات ، مثل « اژدها » وحیوانات افسانه ای دیگر به تدریج بجای گذاشته است . در تصاویر مغولی چشمان بادامی ، رخسار ها بـر جسته ملاحـظه میشود که این امتزاج و اختـلاط هنـر در عـصر تیموریان هرات به حدکمال نهایی رسیده است .

اما چیزیکه بیشتر نظر را جلب میکند ، فاصله صورتهای افراد میباشدکه به صورت قطع مدنظر نبوده است . چنانکه در تصاویر شاهنامه دو مرد جنگی باهم مقابل اند و آنعده افرادیکه از پشت کوههـا سر کشیده اند به یك تناست بـوده خورد وبزرگ نشده اند .

(۱) به صفحات ۱۰ ـ ۱۱ ـ ۱۲ پور تربت های عصر نوایی تالیف ۱۰۱۰ سیمینوف مراجعه شود .

نقاشان عصر تیموری به «مناظر و مزایا» قسمیکه اروپاییان توجه کرده اند چندان توجهی ننموده اند . هنرمندان در این دوره ، مناظرطبیعی را ازروی‌خیال نقاشی کرده اند و غالب این تصاویر خیالی و افسانه یی استند . چنانچه شواهد آنرا در تابلوی شماره (۳) کتاب مینیاتور ها از (بازیل گری) میتوان دید که در آن پرنده قشنگی توجه پادشاه را بخود جلب کرده است ، کاملاً افسانه‌یی بوده و مردمان پیشین سرزمین ما این نوع پرنده را بنام (سیمرغ) خوانده و در کتابهای خود تمثیلاتی ارائه داشته اند و آنرا مظهر قدرت خوانده اند (در نیمهٔ دوم قرن نهم نقاشی به اوج کمال خود رسیده و حتی مکتب هرات با ابتکارات تازه ییکه در نقاشی‌آورده خود را ازسایرمکاتب هنری جدا ساخته است . درین نقاشی ها مناظر طبیعت همیشه بهار است صورتهای اشخاص همه بیک شکل میباشند . آدمهای قدبلند و کوتاه‌وبینی بلند وبینی کوتاه وجود ندارد . همچنان میان مردو زن فرقی گذاشته نشده است . در عصربهزاد (نیمه دوم قرن نهم ه .) ترسیم مناظر طبیعی نه تنها حقایق را آشکار ساخته ، بلکه در اثر استمداد فطری او به درك حالت اشیاء و بوسیله‌رنگ آمیزی ، این‌حالت و حتی‌خصوصیات اشیاء مختلفه دیگر که دریك اصل جمع شده است ، مجسم میشود . کارهای بهزاد دارای روح ورمزعارفانه و شاعرانه است که مطابق با گفتار شعرای بزرگ آن عصر میباشد . صفحات نقاشی دراین سرزمین پراست از شاخه های پرشگوفه که از فواصل دور ، مانند لکه های سفیدی بنظر می‌آید و نیز برای زیبایی گلها زمینه صاف ،آسمان آبی ودرختان دوك مانند سرو ، صحنه سازی عجیبی شده است . همچنان مناظری از خرگاهها، قصر ها ، قلعه ها ، باغها ، در فصل بهار و اشکال مرجان مانند صخره ها ، رنگهای گوناگون ومتنوع ، ریك‌های بیابانی به رنگ طلایی و در خشان با جویبار های کوچك که در کنار سبزه های ظریف و گلهای

قشنك رویبده است یك حـالت شاعرانـه و رومانتیکی را تمثـیل میکند که در نهایت زیبایی ودلفریبی جلوه گر میباشد. مطربانونوازندگانیکه در دربارتفریحی امیران مشغول نواختن و سرودن استند گویا چنین می‌نماید که درآن میان آواز خوانی وجود ندارد ویا اگر هم دارد بادهان بسته آواز میخواند. بنابـران ایـن نارسایی وعدم دقت ، دال بر آنست که نقاشان آن عصرنتوانسته اند ازاین حالت درست صحنه بیافرینند وآنرا بشکل طبیعی نشان‌بدهند اما چیزیکه جالب‌نظراست حرکت نوازندگانست که بسیارخوب وبجای نشان داده شده است. درمکتب های هنری « تبریز » و «قزوین» (عصر دهم هـ .) تصویر سازی و پورتریت (صورت انفرادی) وجود نداشت چنین صورت سازی های انفرادی در اواخر قرن دهـم هجری در آثار « رضاعباسی» حد معمول پیدا کرد که از آن شواهد زیادی بـه دست است .

در تصاویر مربوط به مکتب هرات ازین پورتریت هادیده میشود ، چنانـکـه پورتریت های عصر نوایی، میتواند شواهد خوبی برای این ادعا باشد . اشخاص در حوزه هنری هرات بابینی های پهن وقامت کوتاه‌کشیده میشد که بعداً تا ثیـر ازین تصایر به مکتب «تبریز» رسیده است .

در تصاویر این عصر پیرو جوان حد تشخیص نداشته وصرفاً در بعضی‌آثـار «بهزاد وشیخ زاده »جوانان وپیران را میتوان ازهم تشخیص داد. فرق میان‌زنهاو مرد ها تنها از شکل کلاهها ولباسهای شان میتوانست بشود. حیوانات درمینیاتور های قرن های نهم ودهم هم فقط باانسانها دیده میشود درتصاویر این‌دوره، اسپ از سایر حیوانات بیشتر جلوه نمایی میکند . تصویر اسپ در مجالس مینیاتوری «مکتب شیراز» خیلی قشنگ واما بی حرکت است وغالب ازپهلو کشیده‌شده‌اند. کشیدن اسپان در صفحات منقوش جنبه تزیینی داشته ودر صحنه های جنگ‌ونبرد

از افتادن اسپ خبری نیست. تصاویر «شبر» درین عهد آمیخته‌باخیالات‌وتصورات است . از سایر حیوانات چون گاو، شتر، قاطر، خر، بز، گوسفند، پلنگ و گاهی کرگدن ،خرس وخوک نقاشی هایی بعمل آمده است . در صورت ها ی قرن (۷-۸ هـ.) مربوط حوزه «شیراز»، ساختمان ها وعمارات به چشم‌نمیخورد وامادر در اوایل قرن نهم (۸۰۸ هـ.) کشیدن عمارات درحوزه‌هنری‌بغداددر داستان«همای وهمایون » که از طرف جنید نقاشی‌شده‌است به چشم میخورد ، ولی‌سایه روشن در آن دیده نمیشود در مکتب هرات عصر بهزاد عمارات مجلل‌دیده میشود. مثلاً در صفحه مصور لیلی ومجنون در مدرسه‌داخل وخارج عمارت به مشاهده‌میرسد. این کار بسان سبك سوریالیزم است که از حقایق دوربوده ومحض زیبایـی بـه وجود می‌آید . درین صورتها ، سردرها با خطوط بسیار زیبا دیده میشود واین‌سر در ها ، نسبت به سایر قسمت های عمارات اهمیت فوق العاده وقـابـل تـوجهـی داشته است. کذا انواع کاشی های رنگین در آن بکار برده شده است کەزیبایی آن‌خیره کننده میباشد .

تصاویر درختان در قرنهای (۹ ـ ۱۰ هـ .) مانند دوره ایلخـانیان به سبك رمانتیك نیست ، خصوصیاتیکه در نقاشی این درختها به ملاحظه میرسد اینـست که هیچگاهی در حالت جنبش و تکان دیده نمیشوند وحتی که یکی از برگهای آن هم بـواسطه باد ملایمی تکان و شور نمیخورد . وگاهی هم سر درخـتان در مکتب شیراز ، همیشه حالت بهاری دارند و همه گلها وبرگها روی به یك طرف خوابیـده اند که گویی به سوی نقاشی خیره‌خیره می‌بینـند . در کارهای بهـزاد وعصر او یك دو جا درخت خزانی توجه را جلب میکند این تصویر تقلیدی از هنر چینی است . در مکتب نقاشی این عصر کوهها اسفنجی و به شکل مقواهای بریده میماند که نیز تقلیدی از هنر چینی میباشد تصویر دریا درین دوره چنـدان

مورد توجه نقاشان نبوده و در نقاشی به شکل زمینه خیلی تاریک ولکه سیاهی نشانه داده شده است . تصویر آتش به شکل عجیبی کشیده شده که به هیچ وجه شباهتی به آن نمیرساند . تصویر آب ، همیشه از نقره بوده که بمرور زمان سیاه میشود .

نقاشی های ظفرنامه شرف الدین علی یزدی که بسال ۱۴۶۷ کتابت شده است در خشانتر ولطیف تر از شیوه نیمه اول قرن پانزدهم میباشد یعنی همان شیوه و اسلوب بهزاد را میرساند .

مینیاتورهاونسخه‌های مصور
مذهب و مخطوط خمسه های

نظامی ، خسروبلخی
و
جامی

کار مکتب هرات عصر تیموری

صفحه مینیاتور(۱) درخمسه نظامی ، عزا داری برسرنعش شوهرلیلی را نشان میدهد ، که به تاریخ ۹۰۰ ه . در هرات یا بوسیله بهزاد یا شیخ زاده ویا توسط هردوی آنان نقاشی شده است که با تصویر کاخ خورنق بهزاد شباهت تام دارد. در قسمت بالای تصویر طرف راست ، این بیت نظامی که‌به خط خوش کتابت شده است ، مربوط به همین صفحه مینیاتور بوده ـ به ملاحظه میرسد :

از محنت دوست موی میکند　　　اما ز فراق شو ی میکند »

این حالت در هفت اورنگ جامی بخش لیلی ومجنون چنین تمثیل‌شده‌است:

---

1 – Persian Painting – P. 122 . London 1961

زان دوست غرض نه شوهرش بود | با خویش خیال دیگرش بود
عمری به لباس سوگواری | نشست به رسم عده داری
شب بستر غم فگنده میداشت | تا روز بگریه زنده میداشت
در روز بدرد و سوز میبود | با آه جهان فروز می بود
عشقش به درون نداشت خانه | شد ماتم شوهرش بهانه
عمری بد راز گریه و آه | میکردوزبان خلق کوتاه ص۸۷۳

صفحه مینیاتوری لیلی ومجنون را در مدرسه نشان میدهد این مینیا توربتاریخ (۹۰۰ هـ . ۱۴۹۴ م .) در هرات بوسیله بهزاد کشیده شده است ودر آن درختان (خزانی) ، حرکات بسیار متناسب وترکیب صحیح که تمام آنها از خصوصیات کار هرات است در بالای صورت قسمت وسط ، عقب سر شاخه های درخت این بیت خوانده میشود : (۱)

کردند بهم بسی مدارا | تا راز نگردد آشکارا

در پایین صفحه مصور این چند بیت نظر را جلب میکند:

بند سر نافه گر چه خشکست | بوی خوش او گواه مشک است
بادی که زعاشقی خبر داشت | برقع زجمال خویش بر داشت

همینطور در پیشانی رواق مسجد به خطه ثلث وبه سفیداب نوشته شده :
انما یعمر مساجد الله من امن بالله والیوم آلاخر واقام الصلوه واتـی الزکوة »
خط ثلث آن به حدی زیباونفیس نوشته شده که با سایر خطوط واشکال وظرایف ودقایق وریزه کاری های رواق ومحراب ومنبر تفاوت کلی داردواین ازخصایص کار بهزاد و دبستان اوست.

---

1 Persran Perintrng - P. 123

١٠ تصویری ازخمسه نظامی کاربهزاد که به سال (۹۰۰ ه . ـ ۱۴۹۴ م.) (۱) در هرات کشیده شده ، ودر آن تصویر حمام ترکی ونیز داستان خلیفه عباسی را با غلام حجام نشان میدهد . درین تصویر حرکات اشخاص ومحیط بسیار عالی دیده میشود واین ابیات از خمسه نظامی در بالا وپایین صورت خوانده میشود:

دور خلافت چوبهارون رسید	رایت عباس بگردون رسید
نیم شبی پشت بهم خوا به کر د	روی درآسایش گرمابه کرد
موی تراشی که سرش می سترد	موی بموی نعمش میشمرد
چون به سر خدمت او با ز شد	گفت سبک زود عنان تاز شد
کای شده آگاه ز ا ستا د یم	خا ص کن امروز به دامادیم
خطبهٔ تز و یج پر ا گند ه کن	دختر خود نا مز د بند ه کن
طبع خلیفه قد ر ی گر م گشت	باز پذ برنده آ ز ر م گشت
گفت سیاست جگرش تافته است	دهشتی ازوحشت من یافته است

***

١١ تصویر ساختن کاخ خورنق هرات ۱۴۹۴ کار استادبهزاد (۲)

بهزاد درین تصویر به مردم عادی ومعمولی توجه کرده وحرکات کار گران را درین ساختمان وبنا ها بـه بسیار خو بی نشان داده است این تصویر د ر نوع خود بی نظیر است .

---

1 - Persian Painting P. 116 London 1961

(۲) هفت پیکر ص ۲۲ چاپ بمبئی به نقل از بررسیهای تاریخی ص۲۵۴، ش ۵، سال۱۳۴۷

« گفت منذر به کار فرمایان	تا بـه پـرگـار صورت آریـان
در خور نـق نگاشتند بـه زر	صورت گـود زیرو شیـر زبـر
شه زده تیروجسته زان دوسکار	در زمین غـرقـه گشته تاسوفار
چوننگا رنده این رقم بنگاشت	هر که آن دید جانور پیدا گشت؟

درین صفحه میناتور قسمت بالاطرف چپ چند بیت ازنظامی به خط خوش، دیده میشود :

« صیقلش بود از سر یشم وشبر	گشته آینه وار عکس پـذیر
در شبانروزی ازشتاب و درنگ	چون عروسان درآمد بسه رنگ
یـافتی از سـه رنگـث نا وردی	ارزقـی و سفیـدی و زردی »

این همان صورتست که نظامی درخمسه خود به شعر آن چنین صورت می بندد :

. . استـادان کـار می جستنـد	جـای آن کـار گـاه می شستنـد
هر که درشغل آن عمل درخواست	آن نمـودار ازو نیـامـد راست
تا بـه نعمان خبـر رسیـد درست	کانچنان پیشه ور که درخورتست
هسـت نام آوری ز کشـور روم	زیرکی کـو ز سنگـث سازد موم
چـابکی دست چرب شرینکـار	سـام نسلـی و نـام سنمار (۱)

بایستی گفت که دریـن تصویر ، منظور ساختن یك بناست که آنـرا کـاخ خورنق خوانند و معمار آنرا سنمار گفته اند . درین شکل حالت هر کارگر با ممیزات مخصوص آن رسم شده است . کسی خشت میدهد وکسی گل بالا میکند یکی تیشه بدست دارد و آن دیگری مشغول گل کاری میباشد ، بنا درحالت نیم کاره با خوازه هایش دیده میشود .

---

(۱) خمسه نظامی بخش بهرام نامه ، ص ۲۹۲ . چاپ تهران .

تصویر سلیم مجنون را دربیابان و ریگستان ملاقات میکند .

خمسه مصور نظامی کار یکتن از شاگردان بهزاد هرات (۱۴۹۷ م .) دریـن مینیاتور قسمیکه به ملاحظه میرسد ، مجنون در میان حیوانات درنـده ، چون: شیر ، پلنگ ،آهو وغیره دیده میشود . در بالای صفحه ، طرف راسـت ابیات چند به خط زیبا وبه قلم نستعلیق از لیلی مجنون به خط کاتب نسخه نوشته شده که به خوبی هرچه تمام خوانده میشود:(۱)

آورد سبک طعـام د ر پیـش بریان و کلیجه از عدد بیـش

چـندانـکه درو نـمود نـا لـه زان سفره نخورد یك نوا له

پرسید سلیم کای جگر سوز کاخرتوچه‌میخوری‌شب‌وروز

درین تصویر صحرای عرب وریگ سیاه ودشت خضرا، دیده میشود ورفتـن سلیم نزد مجنون به غرض نصیحت است . سه مینیاتور به سبک جدید آنروز در خمسه نظامی مؤرخ به سال ۸۹۵ (۱۴۹۳م.) ومتلق به موزه بریتانیا میباشد . این کتاب در سال ۸۴۵ (۱۴۴۲) کتابت شده وبهترین صحنه آنرا تابلوی مـجنـون تشکیل میدهد که جنگ طوایف عرب را بربالای شتران تماشامیکند (۲) . خمسه دیگر نظامی که در تصاویر آن امضأ قاسمعلی‌چهره گشای‌ملاحظه میشود،اکنون در موزه بـریتانیا نگاهداری میشود . در پایان صفحات مصور ، امضأ بهزاد نیز دیده میشود (۳) قسمتی دیگراز خمسه نظامی (مخزن‌الاسرار) مؤرخ به سال ۹۴۴ (۱۹۳۷ م .) توسط خطاط معروف (میرعلی) کتابت شده است .

---

1 - Persian. Painting P. 40 London 1961

(۲) میراث ایران ص ۲۴۸

(۳) رهنمای صنایع ایران ص ۶۰

محفوظ در کتابخانه ملی پاریس است و درآن صورت سلطان سنجر سلجوقی کشیده شده است که پیرزنی دامن اورا گرفته وداد خواهی میکند .

یك نسخه دیگر ازخمسه نظامی کار مکتب هرات که در یك وقایه هفده جلدی شامل نسخه‌های متعدد و رسایل بوده. و درنهایت زیبایی مصورشده و تاریخ کار آن (۸۷۹ هـ .)میباشد.خمسه نظامی مؤرخ به سال ۱۵۲۵م. محفوظ درموزه متروپلوتین نیورك بوده ودرسال ۹۳۳ هـ . در هرات کشیده شده است .

تصویری از خمسه نظامی مکتب هرات تاریخ کار ۱۴۹۳ م . (۱)

جنگ بهرام گور با اژدها

امضاء بهزاد

تصویری از خمسهٔ نظامی مکتب هرات تاریخ کار ۱۴۹۳ م . (۲)

مجنون به تماشای جنگ طایفه نوفل

امضاء بهزاد

تصویری از یك البوم (از مجموعه آرت فریرر Freer)

مکتب هرات قرن پانزده (۳) ، نقاشی یك‌مرد جوان

امضاء بهزاد

بهزاد درین صورت از ج . بلینی (G. Bellini) تقلید میکند

---

1 – A. U. Pope ، Persian art Volume V . P. 885

2 – Ibid

3 – در 890

(۱) دریك نسخهٔ خطی خمسه نظامی مینیاتوری بچشم میخورد که وفات مجنون را به آرامگاه «لیلی» مینمایاند. این مینیاتور به سال ۱۴۳۱ م. درهرات کارشده است . درمینیاتور مزبور مجنون به حالت زار روی خاك لیلی معشوقهٔ خود افتاده و آنگاه جان به جان آفرین تسلیم کرده است و این ابیات نظامی در آن صفحه خوانده میشوه : (۱)

این گفت و نهاد بر زمین سر — و آن تربت را گرفت در بر
چون تربت یار در برآورد — ایدوست به گفت و جان برآورد
او نیز گذشت ازین گذرگاه — و ان کیست که نگذرد برین راه
راهیست عدم که هر که هستند — از آفت قطع آن نرستند . . .

مینیاتور دیگر ازین نسخه منظرهٔ ایستادن خسرو را مقابل قصر شیرین نشان میدهدو ابیات ذیل دربالا وپایین صفحه خوانده میشود (۲) :

دگر لختی ز تندی رام کردم — چو ویسه در جهان بدنام کردم
بکوشم تا خطا پوشیده باشم — چو نتوانم بجان پوشیده باشم
چو شاه آمد نگهبانان دویدند — زر افشاندند و دیبا ها کشیدند
ملك در فرش آن دیبای گلرنگ — جنیبت راند سوی قصر دلبند
دری دید آهنین چون سنگ بسته — زحیرت مانده بردردل شکسته (۳)

در مینیاتور دیگر نسخهٔ مزبور شکار کردن «بهرام» و تیر انداختن و رنجیدن کنیزك بـه نظر میخورد ونظامی در کتاب خود این صحنه را اینگونه تمثیل کرده است : (۴)

تیر شد برق شد جهان افروخت — گوش وسم را به یکدیگر بردوخت
گفت شد با کنیزك چینی — دست بردم چگونه می بینی

رجوع شود به ص ۴۳ به بعد خمسهٔ نظامی بخش خسرو وشیرین چاپ تهران
۲ـ به مینیاتور ص ۲۰۲ صنایع افغانستان تألیف پوگاچینکوا مراجعه شود.
۳ـ خمسهٔ نظامی ص ۲۰۸ بخش بهرامنامه
۴ـ ایضاً ص ۸۴

گفت بر کرد شهریار این کار ⁂ کار پر کرده کی بود دشوار
هرچه تعلیم کرده باشد مرد ⁂ هرچه دشوار شد بشاید کرد
رفتن تیر شاه بر سم گور ⁂ هست عادت نه از زیاده ز ور
شاه چون این شنید سخت آمد ⁂ تیر تیز بر درخت آمد

در یك صفحه مینیاتور دیگر « شیرین » در حال حمام گرفتن دیده میشود و « خسرو » سوار براسپی درعقب تپه‌یی که بشکل اسفنج نقاشی شده است مشغول به تماشای شیرین میباشد . درتصویر مزبور تکنیك دقیق و طرز نشان دادن منظره و کوچکی اشکال از خصایص مکتب هرات است که در نیمهٔ اول قرن پانزده میلادی کار شده و این ابیات در آن صفحه خوانده میشود :

گران بت جان من بودی چه بودی ⁂ ورین اسپ آن من بودی چه بودی
نبود آگه که آن شبرنگ و آن ماه ⁂ به برج او فرود آیند نا گاه
بسا معشوق کاید مست بر در ⁂ سبل در دیده باشد خواب درسر
بسا دولت که آید بر گذرگاه ⁂ چومرد آگه نباشد گم کند راه ...

در یکی ازخمسه های نظامی متعلق به موزهٔ بریتانیا که حاوی مطالبی ازنقاشان معروف چون «آقا میرك» ، «سلطان محمد» ، «میرزا علی» ، «مولینا مظفر علی» و «میر سید علی» میباشد ، دیده میشود . نسخه دیگری از این خمسه که در سال ۸۵۳ ه . (۱۴۴۹ م .) نوشته شده دارای (۲) صفحه مینیاتور قشنگ میباشد . این کتاب در موزهٔ متر و پولیتن نیویارك نگهداری میشود . تصاویر مزبور با رنگهای درخشان و ممتاز خود شهرت فوق‌العاده پیدا کرده و از آنجمله بهترین صورت آنرا صفحه مینیاتوری تشکیل میدهد که فرهاد ، شیرین معشوقه خود را نگهداشته تا او را براسپش سوار کند (۱) .

(۱) التصویر فی‌الاسلام عندالفرس ص ۴۵

۸ نسخه مصوردیگر از خمسه نظامی کار مکتب هرات که شامل ده تصویر می باشد در تصاویر مزبور (۱) داستان رفتن اسکندر به هندوستان ومربوط به اسکندر نامه نظامی است که در آن کشتی اسکندر در حال توقف در کنار دریا دیده میشود.

در مجلس دوم رفتن اسکندر به کوه البرز وفتح دژ در بند است، دربین تصویر در برجها در مدخل در پیشانی در ونیز در کمر بند های برجهای حصار خطوط کوفی بهرنگ لاژورد که در آن کلمه طیبه وبعضی مصرعها به خط نسخ به سفیداب نوشته شده دیده میشود، مانند: «اگر افتد زبرج اوسنگی». ودر مدخل حصار مصراعی از خواجه شیراز به خط نسخ باز هم به «سفیداب»، تصویریافته به ملاحظه میرسد:

«بس در بسته به مفتاح دعا بکشایند». از خصوصیات، خاص این تصویر آن است که به همان خطی که تمام خمسه نوشته شده‌است. این نام (صوره بهزاد)(۲) در پایین آن دیده میشود.

صفحه مینیاتور دیگر صحرای عربستان است، که در آن مجنون را باداستان شوریدگی حال وصحرا نشینی وانس وی باحیوانات درنده وآمدن نوفل نزد او نشان میدهد که در کمال زیبایی ومرغوبی کار شده است.

تصویر چهارم که نسبت به دیگر صورت ها ثابت تر مانده است، آموزشگاه مجنون را مینمایاند، درین صورت گل برگها وسایر خطوط واشکال و ظرایف و ریزه کاریها که خاصه کار استاد بهزاد است، بیننده را بهاعجاب و شگفتی میاندازد.

---

(۱) آریانا ش ۲ س ۵ ص ۱۲ - ۱۴ به بعد
(۲) ایضاً

تصویر دیگر ، منظره رفتن شیرین به داخمه «خسرو» وخود کشی شیرین به عشق خسرو بدان دخمه است وآن منظره را نظامی درین ابیات چنین تمثیل میکند.

« کشاده سر کنیزان و غلامان　　　چوسروی درمیان شیرین خرامان
نهاده گوهر آگین حلقه در گوش　　　فگنده حلقه های زلف بر دوش
کشیده سرمه هادر نرگس مست　　　عروسانه نگارا فگنده بودست
پرند زرد چون خورشید بر سر　　　حریر سبز چون ناهید در بر »

در فرازعمارت به خط نسخ به سفیداب در متن لاجورد این ابیات شیخ سعدی خوانده میشود .

«هر که آمد عمارت نو ساخت　　　رفت و منزل به دیگری پرداخت
وآن دگر پخت این چنین هوسی　　　این عمارت بسر نبرد ـــ کسی

وکذا در گوشهٔ بالای تصویر طرف چپ به خط کاتب نسخه ، این بیت نظامی به نظر می خورد .

« کشاده سر کنیزان و غلامان　　　چوسروی درمیان شیرین خرامان»

در تصویر هشتم ، منظره شفاعت کردن مردمان کهن سال است که آنانرا خسرو پرویز برای پوزش به بارگاه پدر خودفرستاده است . این ابیات در آنصورت به ملاحظه می رسد : (۱)

« بزمگاهی دل نشان چون قصرفردوسی برین
　　　گلشنی پیراهنش چـون روضـه دار السـلام
صف نشینان نیك خواه و بیشکا ر ان با ادب
　　　دوستدارن صاحب اسرار و حریفان دو ستکام

(۱) آریانا ش ۲ س ۵ ص ۱۵

و درقسمت بالا طرف چت صفحه این بیت نظامی به خط کاتب آن نسخه دیده میشود .

« کفن پوشید تیغ تیزبرداشت　　جهان آواز رستاخیز بر داشت (۱)

تصویر دیگر ، مربوط هفت پیکراست ومتعلق میباشد به افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم سوم در گنبد سبز نزد بهرام . واین منظره همان‌جایی‌است که‌نظامی در باره آن چنین سروده‌ای دارد :

بد درخت سطبر و عالی شاخ　　سبز و پاکیزه و بلند فراخ
سبزه در زیراو چو سبز حریر　　دیده از دیدنش نشاط پذیر

در صفحه مزبور چهره انسان پهلوان‌وافسانه ای وعظمت درخت به خوبی مشاهده میشود در تصویر آخرین ، داستان بهرام و گل اندام است که درهفت‌پیکر نظامی ازآن ذکری رفته است نظامی در هفت پیکر می گوید : «کنیزکی گاو را در اثر تعلیم وتربیت بر فراز قصر بدوش می‌برد . ودرمینیاتور مذکور شکل‌بهرام و نیز قسمتی از نردبان دیده میشود . در بالای قصربه خط ثلث به سفیداب روی متن لاجورد این بیت واضح خوانده میشود : *

---

(۱) آریانا ص ۱۵

* ... کوشکی راست برکشیده به اوج　　از محیط سپهر یافته موج
شصت پایه او رواق منظر او　　کرده جای نشست بر سر او
بود بر در وی همیشه جای کنیز　　بز بزان دهند جای عزیز
ماده گاوی در آن دو روز بزاد　　زاد گوساله‌ای لطیف نهاد
آن پری چهر جهان افروز　　برگرفتی بکردنش همه روز
پای در زیر او بیفشردی　　پایه پایه بکوشک بر بردی
مهر گوساله کش بود بیهار　　ماه گوساله کش که دهد بهار
همه روز آن غزال سیم اندام　　برد آن گوساله را ازخانه‌به بام
تا به جایی رسید گوساله　　که یکی گاو گشت شش ساله
همچنان آن بت گلندامش　　بردی از زیر خانه به بامش .. ص۱۲

هفت پیکر نظامی گنجوی به اهتمام وحید دستگردی ، طبع ارمغان تهران ۱۳۱۵

«ای به‌خوبی جنت آیین آمده		اشك صورت خانه چین آمده

به سمت چپ بالای صفحه این بیت نظامی به خط کاتب دیده میشود.

گـاو بـر گـردن ایستاده بپای		شیرچون گاودید خست‌زجـای

آنچه شرح از تصاویر این خمسه گفته آمد ، مختصری بود ازمضمون مرحوم گویا اعتمادی در مجله آریانا .

نسخهٔ مصور خمسه امیرخسروبلخی‌دهلوی به قلم و کتابت عالی و خط‌زیبای محمد بن علاءالدین رزه‌یی در کتابخانه‌نسخ خطی کابل (آرشیف ملی) موجود است . مرحوم فکری سلجوقی درپاورقی مضمون خود درمجله آریانا (۱) درین باره ذکر میکند :« هرورقش به جهانی می‌ارزد و من تاکنون کتابی بخوبی آن ندیده ام که به قلم کتابت خفی سرا پا یکدست نوشته و براستی تراشیدن و قط نمودن قلم به آن باریکی وکتابت‌نمودن کتابی بزرگ به آن قط وقلم از قدرت خارج است . اگـر صاحب ریحان نستعلیق را اشتباهی دست نداده و یا کاتب محمد بن علاألدین رزه‌یی را علاالدین محمد قیـد ننموده باشد ، یقین دارم که خمسه یست که صاحب ریحان نستعلیق آنرا دیده و محمد معصوم خان ، صاحب تاریخ معصومی آنرا خریده است ودرآخر خمسه چنین امضانموده : تمت‌الکتاب بعون‌الملك وهاب تحریر فی شهر رجب المرجب سنه اثنا ثمانین و تسعمائه کتب العبد المذنب فقیرمحمد بن علاالدین رزه‌یی غفر ذنوبه وستر عیوبه بولایت‌خاف در قریه نشقان .... »

---

(۱) آریانا دورهٔ (۲۶) پاورقی ص ۹۱ ، کابل ۱۳۴۶ .

یك خمسهٔ خطی دیگر از امیر خسرو بلخی (دهلوی) که به تاریخ (۸۹۰ هـ .) کار شده دارای ۳۳ صفحه میناتوری خیلی عالی است که توسط محمد بن اظهر کتابت شده است . (۱)

چهار کتاب از خمسهٔ امیر علیشیر نوایی که به زبان ترکی چغتایی نوشته شده است مورخ به سال (۸۹۰ هـ .) بوده و برای شاهزاده بدیع‌الزمان میرزا پسر سلطان حسین بایقرا تهیه شده و حاوی (۱۱) صفحه میناتور بسیار زیبا و عالی به سبك بهزاد میباشد و دریکی ازاین میناتور ها امضای (قاسمعلی) شاگرد (بهزاد) دیده شده است . و احتمالاً این امضاء آنگاهیکه کتاب مزبور در کتابخانه سلاطین کور گانی هند بوده ، بدان اضافه شده است . (۲)

نسخهٔ مصور خطی تحفة الاحرار جامی که به سال (۸۸۶ هـ .) کتابت شده اسم کاتب آن معلوم نیست . این نسخه فعلاً درکتابخانه نسخ خطی کابل (آرشیف ملی) محفوظ می‌باشد :

نسخهٔ دیگر خطی ومصور هفت اورنگ جامی دارای سی واند صورت خیلی قشنگ و زیبا که در آرشیف ملی کابل موجود بوده و این تصاویر در عصر سلطان حسین میرزای بایقرا در هرات کشیده شده است. واحتمال سبك بهزاد ومکتب او درآن میرود .

از صفحات مصور کتابها ونسخه های خطی ، مصور، مجدول ومذهب ده نام برده شد ، شباهت کامل به کار های مکتب هرات دارند وخصایص اینگونه‌آثار مصور عبارت است از کوههاییکه در فواصل معین باسبزه پوشیده شده ، افق بلند ورنگهای جدید به الوان واقسام مختلف وگوناگون ، این رنگها خیلی جدید ،

---

۱ ـ مجلهٔ روز گار نو ، جلد (۱) ازشماره ۱-۳-سال(۱۳۴۰شماره ۴) سال ۱۳۴۲ص۲ به بعد
۲ ـ رهنمای کتاب جلد هفتم ص ۲۷۶، نوشته ۱ .ف. ل پستن ترجمه استاد یار شاطر.

لطیف وخوش منظر است. درختان گل و گیاه وغیره جز ثبات آنها بادقت وتوجه خاص وبینش کاملاً استادانه کشیده شده است. آسمان بالای افق طلایی رنگ ابر ها بشکل مار پیچ وبه روش چینی . آسمان شب به رنگ سر مه یی ، ماه و ستار گان به رنگ طلایی نشان داده شده است . قسمیکه به ملاحظه‌میرسد.درعصر های‌شاهرخ وبایسنقر مصوران بکار های تصویر شاهنامه وصحنه سازی آن بیشتر بذل توجه مینمودند واما بعداً آثار بزمی شاعران‌صحنه جدیدی برای ابراز لیاقت و کفایت هنرمندان‌بوجودآورد وچنانچه کتابهای سعدی، نظامی، خسرو بلخی، و نظایر آنان با مینیاتوری های عالی آرایش وزیبایی یافت .

در عصر تیموری ، نقاش در انتخاب موضوع آزادی‌عمل دارد . اما دراسلوب وسبك خود تابع يك اصول معینی است . درین عهد مینیاتور بیشتر جنبه آرایش و زینت گرفته وچنان سعی به عمل نیامده است که صورتها بعینه به سان صورتهای باشد که از کمره عکاسی ظاهر میگردد . و غالب مینیاتور های این عصر جنبهٔ نمایشی دارند تاصورتی از زند گانی حقیقی ، زیراقوهٔ مخیله میدان و سیعی درین زمینه ها داشته است.

نسخه‌های مصور گلستان و بوستان سعدی

نسخه مصور از گلستان سعدی مؤرخ به سال (۸۳۰ه .) که اکنون در یکی ازمجموعه های هنری درممالك‌خارج حفاظت میشود. سابقاًبرای کتابخانه با یسنقر در هرات کار شده وکاتب آن جعفر بایسنقرمیباشد . نسخه‌دیگر ازبوستان‌سعدی که در آن امضاء های بهزاد دیده میشود . اکنون در مجموعه چستر بیتی محفوظ است ونیز یك نسخه دیگر از همین کتاب منسوب به مکتب هرات ، درکتابخانه ملی پاریس موجود است . که از حیث نفاست وریزه کاری نظیر ندارد .

در کتابخانه بادلیان اکسفورد نسخه خطی از بوستان سعدی که احتمالاً میان سالهای ۹۲۰–۹۲۵ ، کتابت شده ، شامل سه مینیاتور میباشد ، وآخرین یکی‌از آن مینیاتور ها مزین به امضاً بهزاد است .

در مجموعه چستربیتی نسخه از گلستای مصورسعدی به چشم می‌خورد که در سال ۱۴۲۷ م . در هرات کشیده شده است . کتابخانه (۱) مصر حق‌دارد به کتاب

---

(۱) التصویر فی الاسلام عندالفرس .. ص ۵۱

خطی خود از آنجمله بستان سعدی که مشتمل بر پنج صورت میباشد افتخار کند که این صورت هاامروز استوار ترین سندیست ، برای بررسی هنر بهزاد و آثار او، زیرا اطمینان بر صحت منسوب داشتن این صورت ها به بهزاد محکم تـراز اطمینان به نسبت هر صورت دیگری به اوست . برای آنکه این تصاویر در نهایت چیره دستی و دقت در هنر رسم شده و آنرابزرگترین خطاط عصر سلطان علی کاتب به سال (۸۹۳ هـ . - ۱۴۸۸ م.) برای سلطان بایقرا که تصویرش درصدر کتاب خطی موجود است کار کرده است مشاهده می کنیم وطبیعی است که عمل تصویر ازچنین ارمغانی باید به خود بهزاد راجع باشد ودر هر یك از آن چهار تصویر امضأ این هنر مند بزرگ یافت می شود (عمل العبد بهزاد)

تابلوها:

تابلـوی از بـوستان سعـدی ، (۱) ، مکتب هـرات سـال ۱۴۸۹ ، - ۸۹۴ ، کتابخانه مصر - قاهره

مباحثه و مناظره علمی در یك مسجد کار استاد بهزاد هروی

درین تصویرمسجد بزرگی نشان داده میشود که عده‌ای ازفقهابه بحث و مناظره مشغول میباشند . عده ای نشسته وعده دیگر در حال ایستاده بوده ، صورت هـا در نهایت زیبایی و کمال دقت کار شده است وسراسر دیوار های مسجد نوشته ها با خطوط ثلث وریحان بوده وابیات زیادی جلب توجه میکند که متأسفانه غالب آنهـا خوانده نمیشود . وقسمت‌هایی که‌خوانده شده‌است ، نقل میشود :

1- Arther Upham Pope . A, survey of Persian art
Volum IX . P . 886 محفوظ در کتابخانه انجمن تاریخ

به هر کس سزاوار باشد به صدر   کرامت به فضیلت ورتبت به‌قدر
ر در ره‌چه‌حاجت به پند کسست   همین شرمساری عقوبت بسست
بجای بزرگان دلیری مکـن   چو سرپنجه ات‌نیست شیری‌مکن
جو آتش بر آورد بیچاره دود   فرد تر نشست از مقامی که بود

در پایان

فقهای طریق جدل ساختند   لم و لا یسلم در انداختند
گشادند بر هم در رفتند باز   بلا ونعم کرده گردن دراز
تو گفتی خروسان‌شاطر به‌جنگ   فتادند در هم به منقار و چنگ
یکی بی‌خودازخشمناکی‌چومست   یکی بر زمین میزد هر دو دست

تابلوی از بوستان سعدی ، مکتب هرات سال ۱۴۸۹ -۸۹۳ ، کتابخانه مصر

منظره از یك مسجد ، کار استاد بهزاد

واقعاً مسجدیست بانقش ونگار ، تاقها ورواقهای آن همه ، باخطوط کوفی واسلیمی زینت یافته است آیاتی از قرآن مجید به روی دیوار ها وسردر هادیده میشود . اشخاص متعدد بالباس های متنوع که اکثر آنانرا محاسن‌سفیدان تشکیل میدهد که در حالت نمازگزاری، دعا وتضرع به درگاه‌خالق اوتعالی دیده‌میشوند وعده ای هم در حال وضو وطهارت به چشم می‌خورند. گنبد مسجد فیروزه‌ایست در پایان بالای سر محراب این نوشته جلب توجه میکند :

وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا وبه‌طرف چپ این نوشته ها خوانده میشود :

---

1 - A.U Pope - A, Sarvey of Persiam art
Volum IX . P . 887 کتابخانه انجمن تاریخ کابل

بگفتا خموش این چه‌لفظ‌خطاست خداوند خانه خداوند ماست
که حیفست ازینجا فراتــر شــدن در یغت محروم ازین در شد ن
رفتم به محر و می ا ز هیچ کو ی چرا از در حق روم زر د روی

در پایان

همانجا کنم دست خواهش فــراز که دایم نگردم تهی دست بــا ز
شنیــدم که سالی مـجـاور نشست چوفریاد خواهان بر آورد دست

تابلوی از نسخهٔ خطی بوستان سعدی (۱) ، مکتب هرات ۱۴۸۸ ، کراستادبهزاد درین تصویر شاه دارا بر اسپی سوار وکمان کیانی در دست دارد شاه هنگامیکه از لشکر جدا می ماند ، گله بانی به سویش می‌آید و شاه فرخنده کیش بـه دل چنان گذرانید که دشمن به جنگ آمده است وبنا برین کمان کیانی را راســت کرد ، تا تیری از آن بیرون کند ـ گله بان فریاد زد ، که ای خداوند ایــران و توران چشم زمانه از تو دور باد ، من هستم که اسپان شه رامی پرورم .

ملك را دل رفته آمـد بــه جای بخندیدو گفت‌ای‌نکوهیده رای
تــرا یـاوری کرد فرخ سروش وگرنه زه‌آورده بودم به‌گوش
نگهبــان مرعی بخندید و گفت نصیحت ز منعم نبا یـد نهفت

آنگاه نگهبان گفت :

نه تدبیرمیمون ورای نیکوست که‌دشمن‌نداند شهنشه ز دوست
چنانست درمهتری شرط‌زیست که هر کهتری‌رابدانی که کیست
تــوانم من‌ای نامو ر شهر یــار که اسپی‌بیرون‌آرم ازصد هزار
مرا گله بانی به عقل‌است‌ورای توهم گلهٔ خویش داری به‌پای..
در آن‌تخت‌وملك‌از خلل‌غم‌بود که تدبیر شاه ازشبان‌کم‌بود (۲)

1-IS Kustva Afghanistana. G.A. Pugochenkova Moskva 1963- P. 217
(۲) صنایع افغانستان ، از گ . ۱ پوگاچینکوا ـ مسکو ۱۹۶۳ ص ۲۱۷
بوستان سعدی ص ۲۸ باهتمام استاد عبدالعظیم قریب تهران ۱۳۲۸

سه صفحه ازین صفحات مربوط به داخل کاخ بامسجد وصفحه چهارم شخص داراست که سوار بر اسبی میباشد ودر میان باغ سبزی ، نقاشی شده است درین تصاویر هنر مندی وچیره دستی و نبوغ شایسته ایکه در بهم آمیختن رنگ ها و تقلید از طبیعت وتوجه به تمیز و تشخیص هر شخصیتی از دیگری وهمچنان تعبیر از حالت های مختلف نفسانی مشاهده میشود. (۱) در میناتوریکه شهریار دارا را با چراننده اسپانش مجسم می نساید ، موفقیت بهزاد در تصویر طبیعی دلپذیر و برتری آن برتصویر خیالی نمو دار است. (۲)

تصویر(۳) از نسخه خطی گلستان سعدی ، کار هرات

وزیر در لباس درویش مقابل کاخ شاهی گدایی میکند

شیخ سعدی تمثیل این حالت‌را به ابیات وحکایاتیکه طرف‌راست این صورت است ، چنین شکل میدهد .

بـه چه کار آیدت جهانداری   مـروت بـه ز مـردم آزاری

یکی از ملوك بی انصاف پارسایی را پرسیدکه ازعبادت ها کدام فاضلتراست گفت خواب نیم روز تا در آن یك نفس خلق را نیازاری .   قطعه

ظالمی را خفته دیـدم نیم روز   گفتم این فتنست‌خوابش‌برده‌به
وآنکه‌خوابش‌بهتر‌از‌بیداری‌است   آنچنان بد زندگانی مرده به

---

(۱) التصویر ص ۱۵

(۲) ایضاً

(۳) گلستان سعدی : کار هرات از مجموعه چستربیتی کتابخانه دابلین نقل از کتاب نقاشی های ایران .

یکی از ملوك شنیدم که شبی در عشرت روز کرده بود و درپایان مستی میگفت:

مارا به جهان خوش‌تر ازین یکدم نیست کز نیك و بد اندیشه و از کس غم نیست

درویش برهنه به سرما بیرون خفته بود گفت ، بیت :

ای آنکه به اقبال تو در عالم نیست گیرم که غمت نیست غم ما هم نیست

باقی مطالب را در ص ۲۴ باب اول گلستان ملاحظه فرمایند .

یك نسخه از دیوان جامی که جزء مجموعه دیموت بوده و به سال ۹۵۳ ه . کتابت شده شامل مجالس مینیاتوریست که در نهایت زیبایی و نفاست ، توسط عبدالله نقاش ، صورت نگاری شده است . و در آن زن و مردی را در حال ملاقات نشان میدهد .

این تصویر به آخر های قرن نهم ارتباط میگیرد . دوصفحه مینیاتور خیلی قشنگ متعلق به دیوان جامی در موزه هرات موجود است که درآن رنگهای سبز و آبی روشن و همچنان رنگهای سادهٔ دیگر به کار رفته است . دریکی از آن تصاویر ، پادشاهی با جامه لاجوردین ، پیراهن قرمز که کلاه نمدی برسر دارد بالای تخت خودتکیه داده وحاجبی در دست راستش وساقیی باصحراحی مینایی درجلو او دیده میشود و نیز مطربان با ساز های مخصوص مشغول آواز خواندن و میگساری هستند . نسخه خطی سلامان وابسال جامی که نقاشی آن توسط بهزاد و خوش نویسی آن توسط سلطان علی انجام شده است . (۱)

باداشتن صورتهای عالی درمتن و زرنگاره های در حواشی انسان را به حیرت فرو می برد .

نسخه خطی مصور دیوان حافظ شیرازی

یك نسخه از دیوان حافظ شیرازی مؤرخ به سال ۹۰۷ ه . مصور و مطلاکه حسب الامر فریدون حسین پسر بایقرا ، توسط استاد محمدمحسن مصور و خطاط معروف هرات کار شده ، دارای چهار قطعه مینیاتور فوق العاده زیباست که برای سلطان حسین بایقرا اهدا شده است :

---

(۱) مجله کابل ش ۷ س ۱ ص ۲۵

فصل سوم

مقدمه درحال نقاشان و مذهبان (۱)

... در اخبار چنین آمده است اول کسی که به نقش و تذهیب ، زینت افزای کتابت کلام لازم الترحیب شدند ، حضرت نانصرت امیرالمؤمنین وامـام المتقین اسد الله الغالب ... علی بن ابی طالب (رض) بودند ... وچند بر گ که درعرف نقاشان به «اسلامی» معروف است ، آن حضرت اختراع فرمودند ... دیگـر از متقدمین شاپور بود که چهرهٔ خسرو را به قلم سحر انگیز ، رنگ آمیزی نمود و هـر روز برنگی عشرت گاه شیرین او را چـون گل سوری بر شاخسار قبـول جلـوه داد ... دیگـر ، رسم صورت سازی در دیـار خطا و در دیـار فـرنـگ بـه آب و رنـگ شد تـا آنکه عطارد تیز قلـم ، نشان سلطنت بـه اسم سلطان ابوسعید خدای بنده مرقوم ساخت ، استاد احمد موسی که شاگرد پدر خوداست پرده گشای چهرهٔ تصویر شد و تصویری که حالا متداول است ، او اختراع کرد.

---

(۱) خوش نویسان ، استاد دکتر مهدی بیانی ص ۱۹۶ – ۹۷ .

و از جملهٔ مواضع که در زمان پادشاه مشارالیه از او بر صفحهٔ روزگار واقع است «ابو سعید نامه» و «کلیله و دمنه و «معراج نامه» ، به خط مولانا عبدالله صیرفی و تاریخ چنگیزی به خط خوب ، معلوم است که درکتابخانه پادشاه سلطان حسین میرزا بود ... دیگر امیر دولت یار است که به شرف شاگردی از احمد موسی مشرف شده و از شاگردان ایشان ، استاد شمس الدین است .

ونیز شاگرد او خواجه عبدالحی نقاش میباشد ... وچون رایات ملکستانی تیمور گورگانی ، پرتو خلافت بر تسخیر ممالك بغداد انداخت وآن دارالسلام را روز چند ، به قدوم سعی واهتمام ، مستقر سریر خلافت ساخت ، خواجه عبدالحی را همراه عساکر گردونه مأثر بدارالسلطنهٔسمرقند آورده در آنجااستاد مشارء الیه وفات نمود و بعد از وفات خواجه همه استادان تتبع کار های ایشان کردند.

دیگر از شاگردان سر آمد خواجه عبدالحی ، پیر احمد باغ شمال‌است که در زمان خود نادر بود وکسی دیگر درین شیوه بروی تفوقی نمیتوانست نمود . سنه عمرش به پنجاه سالگی بود که ودیعت حیات سپرد .

حضرت بایسنقر میرزا ، استاد سیداحمد نقاش وخواجه علی مصور و استاد قوام الدین مجلد را از تبریز آورده فرمود که بر اسلوب مرغوب جنگ سلطان احمد بغداد ، به همان دستور قطع و مسطر ومواضع تصویر بعینها کتاب ترتیب دهند وکتابت آن بعهدهٔ حضرت مولانا فریدالدین جعفر شد . و جلد را در تعهد استاد قوام الدین مذکور، که منبت‌کاری در جلد اختراع اوست، فرمود وتزیین قصور و مواضع آنرامیرخلیل متعهد گردید ... وقبل از آنکه جنگ با یسنقر*

---

* ـ چنگ ، به فتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی نگار خانه مانی باشد وارتنگ نیز گفته اند وکتابی مشتمل بر صنایع وبدایع نقاشی ومصوری . (برهان قاطع) جنگ بارژنگ پرداخته هنر وران در بار هرات است که با مر سلطان بایسنقر ، شهزاد هنر دوست تیموری در نگارستان هرات ترتیب وتذهیب گردیده است . دراین باره دوست محمد کتابدار بهرام میرزا متو . (۹۵۷) در رساله خود بنام «حالات هنر وران» شرح بسیار زیبا و مبسوطی نگاشته است مگر دست خرابکار زمان این رساله‌را از صفحه گردون ربوده است .

به اتمام رسد . پادشاه مذکور کشتی حیات را ازساحل زندگی در بحرممات انداخت وولد بزرگوارش علاءالدوله میرزا ، قدم بر مسند فضیلت پروری نهاد وداعیه اتمام جنگ نمود .

امیر روح الله مشهور به میرک نقاش هروی الاصل واز سادات کمانگر که شرح حال و آثار او قبلاً گفته شده است.

دیگر ، شاگرد خلف سید مشاره الیه افضل المتاخرین فی فن التصویر ،قدوه المتقدمین فی التذهیب والتصویر ، نادر العصر استاد کمال الدین بهزاد است و تعریف و توصیف مومی الیه به رقوم قلم عجایب درین موقع ظاهر است .

نقاشان دورهٔ تیموریان هرات

استاد کمال الدین بهزاد هروی :

بهزاد در حدود سال ۸۵۴ هجری ۱۴۵۰ میلادی (۱) ، درشهرهرات پا بعرصهٔ وجود گذاشت وی درسنه ۹۴۲ ق (۱۵۴۵ م .) در دارالسلطنه هرات وفات یافته است و در حوالی کوه مختار در حظیره پرنقش ونگار مدفون شد (۲) به قول صاحب گلستان هنر (قاضی احمد غفاری) که چهارصد سال پیش زندگی مینمود از قبر بهزاد در هرات یاد میکند و این آرامگاه اکنون هم در حوالی کوه مختار پهلوی آرامگا رستم علی میباشد . اوکار نقاشی و تصویر سازی را نزد «پیر سید احمد تبریزی» فرا گرفته لیکن برخی از مآخذ برآنست که وی صنعت صورت گری را از خواجه میرك نقاش هروی در هرات فرا گرفته است . صاحب خوش نویسان گوید : «شاگرد خلف سید روح‌الله میرك افضل المتأخرین فی فن‌التصویر ... نادر العصر کمال الدین بهزاد است وتعریف و توصیف مومی الیه بـه رقوم قلم عجایب او ، درین موقع ظاهر است (۳) ...»

---

(۱) التصویر فی‌الاسلام عندالفرس ص ۴۷

(۲) هنر عصر تیموریان و متفرعات‌آن پوهاند عبدالحی حبیبی ص ۵۲

(۳) خوش نویسان ، بخش اول ، دکتر مهدی بیانی ص ۲۰۰ چاپ تهران ۱۳۴۵ .

گزارش دوره های اول زندگانی این هنرمند معروف که کمال شهرتش به جهان گسترده شده است ، مجهولست . اما به قول خواند میر مؤرخ کبیر : «جناب استادی بیمن تربیت وحسن التفاوت وعنایت بسیار بود و پیوسته در ظل عواطف این پادشاه (سلطان حسین بایقرا) مرفه حال و فارغ بال روزگار گذرانیده و به وفور نعمت و قابلیت به مراتب عالی صعود نمود (۱) » . بهزاد در هرات مدتها بماند تا آنکه ستارهٔ اقبال تیموریان افول کرد و دولت مقتدر آنان به دست محمد خان شیبانی در۹۱۳ هجری ۱۵۰۷ میلادی (۲) سرنگون گردید و او وطنش را ترك نگفت . وبعد از آنکه شاه اسماعیل صفوی درسال ۹۱۶ هـ .(۳) (۱۵۱۰م ۰) هرات را متصرف شد «بهزاد» ، «خواجه میرك» ، «قاسم علی» و «حاجی محمد» را که در آنجا میزیستند با خود به «تبریز» برد .

کمال الدین بهزاد نقاش معروف ، صنعتکار بزرگ ، مانند آفتاب درخشان از مشرق آمال و آرزو های آسمان هنر هرات سرکشیده و افتخارات هنری بس عظیمی به وطنش (افغانستان) یادگار جاویدان گذاشت . هنگامیکه در اروپا «لیونارد وانچی» (۴) ها ، «رفائیل» ها ، و «البردور» ها برای افتتاح یك دورهٔ تجدد در عالم هنر ، هنر نمایی میکردند ، مردی چون بهزاد ، در هرات سکهٔ تجدد به نام خود زد و این فن نفیس و ظریف را به اوج کمال رسانید . وی از استادان مسلم هنر مینیاتور است و هرکجا ذکری از صنایع مستظرفه رود ، نام او سر آمد همه هنر مندان خواهد بود . خواندمیر گوید : (۵) «بهزاد اشکال شگفت انگیز و نوادر طبیعت حویش را در مقابل ما مجسم میکند . طراحی

(۱) صنایع افغانستان تألیف پوکاچینکو وا ص ۲۱۰ مسکو ۱۹۶۳ .
(۲) ایضاً .
(۳) صنایع افغانستان ص ۲۱۰ .
(۴) مجله کابل ش ۶ سال ۱۳۱۰ .
(۵) رهنمای صنایع اسلامی دکتر م . س . دیماند . ترجمه دکترعبدالله فریار ص ۵۸ تهران ۱۳۳۶ .

وهنر مندی او چون قلم مانی آثار همهٔ نقاشان دنیارا از صفحهٔ روزگارسترده وانگشتانش صور ونقوش همه صنعت گران ونقاشان فرزندان آدم را محو کرده است. مویی از قلم او با مهارت واستادی باشکال بیجان جان میبخشد».

استاد بهزاد « در اوایل سدهٔ دهم هجری » ، (۱) ازشهر هراتقد علم کرد و یکدسته گل زیبای سرخ از شاخه تخیلات بلند و معنویات عالی خرد چید و در نمایشگاه صنایع مستظرفه شرق به ارمغان گذاشت وی در سال (۱۵۴۵ م.)دیده از جهانفروبست وچهره در نقاب خاك کشید .

درنامه نامی اثر غیاث‌الدین خواندمیر صاحب کتاب‌حبیب السیردوست‌صمیمی بهزاد نقاش معروف دو قطعه نوشته بسیار مهمی است راجع به بهزاد که بـرای معرفی حال ومعرفت تاریخ زندگانی آن استاد نامدار در درجه اهمیت و اعتبار فراوانست برای کسانیکه به دانستن صنایع مستظرفه خراسان قدیم (افغانستان) علاقمند هستند و آثار هنری بهزاد را که متأسفانه امروز خیلی نادراست شناختن آنها خالی‌ازمفاد نیست‌به‌آن دوقطعه توجه نمایندکه عبارتنداز : مقدمه خواند میر برمرقعی‌که استاد بهزاد ازمجالس‌نقاشی خود جمع کرده نشان وهم‌فرمان تفویض کلانتری کتابخانه همایونی‌است به بهزاد . (۲)

۱ ـ در توصیف موقع مرقع که جامع آن مظهر رشد و رشاد استاد بهزاد است نوشته شد .

نقاش ازل کشاد جون جهرهٔ مهر　　　آراست مرقعی زاوراق سپهر
تصویر در آن نمود بیرنگ‌و قلم　　　چندین صنم جلوه گر روشن‌جهر

جون ارادت کاملهٔ مصور بیجون و مشیت شامله صانع کن فیکون بایجاد صور کارخانهٔ بوقلمون متعلق شد چهره کشای عنایت ازلی بقلم مکرمت لم‌یزلی

---

(۱) آثار هرات ج ۲ تالیف استاد خلیلی ص ۴۸۵ ـ۴۸۶ جاپ کابل
(۲) نامه نامی ازمنشآت خوند میر ، نسخه خطی‌آرشیف ملی ،کابل ص ۲۶۹ الی۲۷۲ .

پیکر انسانی را بر طبق آیت وصورکم فاحسن صورکم به خوبترین وجهی تصویر نمود و جمال حال این طایفه پسندیده خصال را بزیور اصناف علوم غریبه وزینت انواع فنون عجیبه آرایش داده به مقتضای کلمهٔ کریمه : وفضلناهم علی کثیرممن خلقنا ، جانب ایشان را براکثر طوایف مخلوقات تفضیل فرمود ،

مثنوی:

کلک الهی چو رقم زد صور — مظهر فضل و هنر آمد بشر
در پی اظهار هنر چون شتافت — صفحهٔ ایام ازاو زیب یافت
گاه بنوک قلم مشک سای — کرد رقم خط فضیلت فزای
گاه برانگیخت بهم آبرنگ — ساخت عیان ماهرخی بیدرنگ
گاه بگلزار سخن از هنر — کرد روان جو یچهٔ آب زر
گاه برافراخت درخت بلند — میوهٔ او قوت دل مستمند
ساخت گهی از قلم سحر فن — گلبن پر گل بر یاض سخن
کرد بتذهیب سخن چون شتاب — شدخجل از شمهٔ او آفتاب
حسن خط و صورت مردم فریب — میبرد از خاطر دانا شکیب
دیده شد از صورت خط بهره ور — دل بود از معنی او بی خبر
صورت و معنیش پسندیده است — نور ده مردمك دیده است

ن والقلم و مایسطرون برکمال شرف خط آیتی و آیت علم بالقلم از وفور فضیلت کتابت کنایتی .

بیت : حظ خط نیك به نزد خرد — بیش بود زآن چه گمان میبرد

والتذاذ نفس بشری از نقش و تصویر بروجهی که صورت حال امیرو وزیر وغنی وفقیر است قابل تحریر نیست و بیان شمهٔ از زیب وزینت و تفریح وترویح

آن صنعت غرابت آیت بامداد قلم و بنان تیسیر پذیرنی ، لاجرم از بدو ظهور عالم فضلاء اولاد امجاد آدم علی نبینا وعلیه (السلام) مادام الخط مصوراً بالمداد و القلم بدین دوامر شریف اشتغال فرموده اند و در میدان کمال و تفوق و ساحت ومهارت و فضل قصب السبق ازامثال واقران ربوده چنانچه اسامی سامی بعضی ازین طبقه در مقدمهٔ این مرقع مذکور است و خطوط کرامی و تصویرات نامی که نگاشتهٔ قلم بدیع شیم ایشانست ، درین اوراق مصور و مسطور واز جمله مصوران کامل و هنروران فاضل جامع و مرتب این اوراق موقع (مرقع ؟) مظهر بدایع صور ومظهر نوا در هنر نادرالعصر صافی اعتقاد سالك مسالك محبت ووداد استاد کمال الدین بهزاد است ، مثنوی :

مانی قلم خجسته آثار — نیکوشیم حمیده اطوار
استاد هنرو ران عالم — در فن هنر وری مسلم
بهزاد یگانهٔ زمانه — مانی به زمان او فسانه
در وقت طبع موشکاف است — وین حرف نه از بهر گزاف است
تکمیل مهارتش درین فن — باور اگرت نیاید از من
به کشای نظر ز روی انصاف — بنگر صور بدیع اوصاف
کاراست جمال این صحایف — افزود کمال این ظرایف
درصورت خط وحسن تصویر — زینسان ورقی نیافت تحریر

و بی شائبه تکلف و غالیه تصلف تا صفحهٔ خوبان گلعذار از ریحان و خط مشك آثار آرایش یافته مشابه خطوط که درین مرقع مرقوم است قلم بر صفحهٔ کاغذ ننهاده و تا مرقع سپهر به صورت نور افشان ماه و مهر مصور گشته پرتو شعورهیچ مهندس مبصر بر امثال صوری که این اوراق را مزین دارد نیفتاده هر قطرهٔ که غواص قلم گوهر بازار لجهٔ دوات بساحل این اوراق رسانیده

دریست گرانبها و هرصورت که مصورخاطر غرایت مآثر از لوح دل برصحایف این کتاب نقل نموده حوریست روح افزا ،

قطعه

هر گوهر مراد که در بحر خـوشدلـی
پرورده اند جمله درین بحـر حاصلست
همچون جمال مشعله افروز دیـده هاست
همچون وصال خرمی اند و زهـر دلست

و چون تعریف لطافت آن در ثمین و توصیف نفاست آن صـور بدایع آیین پایهٔ هر بیمایه وپیشهٔ هر بی‌توشهٔ نیست قلم مشکین رقم بایراد رباعیی که در مدح جنا ب استادی گفته شده اختصار می نماید وهی هذه ،

رباعی:

موی قلمت تا به جهان چهره کشاد | برچهره مانی‌رقم نسخ نهاد
بس طبع که صورت نبکوزاد از او | طبع اودلی‌ازهمه‌آنهابه زاد

و الحمدلله والثناءلله المصور العباد والصلوه والسلام علی سیدنا محمد ما دام الخط مصوراً بالقلم والمداد و آله مظاهر صور الهدایة والرشاد وعترت الذین هم شفعاء نا فی یوم التناد . (۱)

استاد بهزاد ، نقاش نامی در بار هرات بامر سلطان حسین بایقرا سمت‌ریاست کتابخانه وسر پرستی گروه « خوشنویسان» ، «تذهیب کاران» ، «نقاشان» و «هنر مندان » یافته ودر آن کتابخانه مشغول فراهم آوری‌نسخه‌های‌نفیسه بودند.دراینجا

---

(۱) نامه نامی ، خوند میر ص ۲۷۲

بنقل از متن فرمان سلطان بایقرا ، کـه راجـع به انتصاب بهزاد میباشد و«خواند میر » صاحب کتاب حبیب السیر و دبیر ومنشی نامدار در باروی آنرا ثبت کرده است ، میپردازیم: (۱)

«... بناء علی هذا درین ونادر العصر قدوة المصورین والمذ هبین استاد کمال‌الدین بهزاد را که قلم چهره کشایش جان مانی خجل‌شده واز کلك‌صورت آرایش لوح ارتنگ منفعل گشته وپیوسته قلم وار سربرخط فرمان ورجب‌الاذعان نهاده وپرکار مثال پای در مرکز ملازمت آستان خلافت ایشان استوار کرده ، مشمول الطاف خسروانه واعطاف پادشاهانه ساخته ، حکم فرمودیم که منصب اسیفاً وکلانتری مردم کتابخانه همایون وکاتبان ونقاشان ومذهبان وجدول کشان حل کاران وزر کوبان ولاجورد شویان‌وسایر جماعتی که‌بامور مذکور منسوب باشند درممالك محروسه مفوض ومتعلق بدو باشد» :

جون ارادت مصور کارخانهٔ ایجاد و تکوین ومشیت محرز نگار خانهٔ‌آسمان وزمین که بر طبق کلمهٔ وصورکم نقش وجود غرابت نمود بنی نوع بشردراحسن صور بر صفحهٔ امکان پر داخته قلم اوست ، وتصویر صورت تفضیل افراد انسان بر سایر مخلوقات ربانی بمقتضای وفضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تحریر کردهٔ انامل حکمت او منشور انا جعلناك خلیفة فی الارض را بر صحیفهٔ حل کاری خورشید بخامهٔ عطارد بنام همایون اتسام ما امضاً نموده واوراق سپهر لاجوردی را جهت کتابت‌روز نامچه‌آثار فتح و نصرت ما به افشان نقره کوب کواکب وجدول شنجرف کون شفیق منقش ومزین فرمود لایق آن ومناسب جنان مینماید که لوح ضمیر الهام پذیر همایون که مطرح اشعه انوار الهی ومظهر صور آثار

---

(۱) بیست مقاله علامه قزوینی جلد ۱ و ۲ با هتمـام استاد پـوردا وودص ۲۷۳ چاپ تهران ۱۳۳۲

خیر خواهی است بدین صورت مصور باشد که هرمهم از کرایم مهمات سر کار کامرانی وهر امر از عظایم امور کار خانهٔ جهانبانی بهرمندی دانا وکاردانی فضیلت انتما که بطراحی ذهن باریك بین ورنگ آمیزی طبع ظرافت آیین طرح ابداع انواع کفایت ونقش اختراع اصناف فراست بر تخته وجود ظاهر تواند نمود و نقاب حجاب از جهرهٔ مطلوب ومقصودتواند کشود مفرض و متعلق باشدبناه علی هذا .

«... ص۲۷۳ درممالك محروسه مفوض ومتعلق بدو باشد،سبیل امراء روشن ضمیر ووزرای بی شبه ونظیر ونواب درگاه عالم پناه وایلجیان بارگاه سپهر اشتباه ومباشران امور سلطانی ومتصدیان مهام دیوان عموماً واهالی کتابخانه همایون و جماعت مذکور خصوصاً آنکه استاد مشار الیه را مستوفی ومتعهد کلانتری دانسته کار های کتابخانه را باستیفا وبر آورد او رسانند وآنچه بر آورد کند بمهروثبت او معتبردانند واز سخن وصوابدید او که در باب ضبط وربط امور کتابخانه همایون گویدعدول وتجاوز ننمایند و آنچه از لوازم امور مذکور است مخصوص بدو شناسند و مشارالیه نیز باید که صورت امانت وجهرهٔدیانت بر لوح خاطر وصفحه ضمیر منیر مصور و مرتسم گردانیده بطریقه راستی درین امر شروع نماید وازمیل ومداهنه مجتنب ومحترز بوده از جادهٔ صدق وصواب انحراف واجتناب نکند ، از جوانب برین جمله بروندوجون این حکم همان بنقش توقع وقیع (رفیع) اشرف اعلی منقش ومشرف و محلی گردد اعتماد نمایند .»(۱)

استاد بهزاد باعشق وعلاقه مفرطی که باین هنر داشت قشنگترین صورتها وتابلو های مینیاتوری ویادگار های طلایی از خود بجا گذاشت . استاددارای آثاربسیار گرانبهاست ولی اندکی از آن در صفحه روزگار باقی مانده است. واز روی آن میتوان شخصیت هنری او را که در تاریخ نقاشی نقش عمده وارزنده دارد ،مشخص کرد

---

(۱) بیست مقاله قزوینی جلد ۱ ــ ۲ ص ۲۷۲ ــ ۷۳ ، بنقل از نامه نا می خواند میر تهران ۱۳۳۲

هـر آینه بهـزاد درین فـن شهرت فوق العاده یافت ، بطوریکه معروفیت او بر مصوران ونقاشان پیش از خودش ونیز معاصران وکسانیکه بعدازاو آمده اند، پیشی گرفته است . سلاطین (۱) مغولی هند ، برای جمع آوری آثاراستاد بریکدیگر سبقت کرده اند واین توقعات سلاطین در بارهٔ او قدمی‌بود که مصوران را باتقلید از شاهکار های استاد بیش از پیش تشویق وتحریض کرده وحتی اکثر ایشان‌آثار خود را بنام او (بهزاد) نسبت داده وبدان نسبت حد تعیین اثبات قطعی آثار اورا مشکل ساخته اند وباین مناسبت که‌مورخان اسلام (۲) از صحت کامل آثاربهزاد شك وتردید دارند وهر گاه در ذیل تصاویر امضایا مهری ازجناب استادی مشاهده کنند آن عمل را منسوب بدو دانند والا بغیر او خوانند . از آثار بهـزاد که شامل امضا وخصایص سبك اوباشد فقط تعداد کمی دردست است وعمل دیگران را بعداً به اضافهٔ یك اسم از بهزاد بنام وی خوانده اند .

مسأله امضا و مهر درکشور های غرب حایز اهمیت شایانست و اما درکشور های شرقی چندان به آن اهمیتی قایل نیستند و نیزکشور های غرب به شخصیت و اهلیت ممتازان هنر وهنرمندان چیـره دست خودشان کمال احترام روا میدارند وبـه هنرمند و هنرش افتخار میکنند . بنابر این غالب مؤرخان تاریخ و هـنر و علاقه مندان این صنعت به بحث در بارهٔ آنچه انتسابش به بهزاد صحیح است از قبیل ، صورتهای فراوانیکه دارای امضای اوست ، توجه کـرده انـد . قـدرت هنرمندی استاد بهزاد به پایهٔ بود که عده ای از هنر شناسان را بر آن داشته‌است که برای احیای مقام ارزنده او کمال توجهی بکار برند از آن جمله دکـتـر « کوهنل (۳) » آلمانی صاحب کتاب مینیاتوری های مـلل اسلامی در شـرق و

(۱) التصویر ... ص ۴۸ .
(۲) ایضاً
(۳) »

«موسیوهورت» (معلم ادبیات دری در اکادمی السنه شرقی پاریس) به نام بهزاد و آثار او مجموعه ای پدید آوردند که خیلی ها درخور اهمیت خاص است. اشخاص دیگری چون: «موسیوبلوشه» (کتابدار کتابخانهٔ ملی) پاریس و هنر شناس و مستشرق معروف «والترشولن» بترتیب در خصوص نقاشی نسخه های نفیس خطی شرقی و بهزاد و به‌نام آثار منتخب بهزاد تحقیقات و بررسی های استادانهٔ انجام داده اند.

پروفیسور مارتین گوید: جای بسیار تأسف است که بهزاد، اسلوب و روشی را که در نقاشی های قصر حسین بایقرا به کار برده بود، بار دیگر تعقیب نکرد والا هیچ یك از استادان نقاشی اروپا مانند «رفائیل» «گوزولی» بدین پایه مایه نداشتند و ابتکاراتیکه استاد بهزاد در آن قصر بکار برده بود، ایشان چنین کاری را در قصر «واتیکان روم» نتوانسته بودند انجام دهند در دوره‌ایکه استادان نقاشی و مینیاتور غرب مضمون‌ورنگ‌رافدای‌هم میکردند، نقاشان نامی‌هرات بامهارت تمام تصاویر جاندار و دقیقی را با رنگهای اصیل‌درهم‌می آمیخته اند. آثار قلمی و مینیاتور های بهزاد، زینت بخش غالب موزه های دنیا وکتابخانه های شرق و غربست و اینها همه محصول ارزنده ای میباشدکه در حوزه زندگی استادهرات به وجود آمده است (۱).

دانشمند سویدی مارتین (۲) اضافه میکند: بهزاد به مثابه صورتگر وتا حدی استاد بزرگ پیش رفته است و هم ردیف وهم سطح «میم لینك»، «دوریرو» و «گول بینی» میباشد.

او بهترین آثار بهزاد را در دست‌داشته‌واظهار نظرمیکند که‌بهزاد در کار های

---

(۱) تاریخ تمدن ایران به همکاری جمعی از دانشوران ایران شناس اروپا بامقدمه به قلم پروفیسور «هانری ماسه» و «رنه گروسه» ترجمه جواد یحیی ص ۳۳۴ – ۳۳۵.

(۲) صورت های انفرادی‌عصر نوایی ص ۸ – ۱۰ سیمینوف مسکو سال ۱۹۴۰.

هنری و نقاشی دست کمی از نقاشان اروپا مانند «فوکه» فرانسوی «مس ملینك» هالندی و «البردور» ندارد. سپس این دانشمندان علاوه میکنندآن اندازه‌احترامی را که «رفائیل» از طرف حکمرانان روم و ایتالیا دید، بهزاد آنرا در دربار های طلایی تیموری دیده است .

لهذا میتوان نسخه هـای خطی نفیس و مصور او را در پهلـوی بـزرگتریـن نقاشان دورهٔ رنسانس «فوکه» در «سانتلی» و تصاویر «کریـمان» در «وینـز» و یا پهلوی نسخه های خطی «رونه دانترو» درکتابخانهٔ امپراتوری روم گذاشت .

صفحات مینیاتور و مجالس تصاویری که ازین نقاش نابغه و بلند پایه بر جا مانده است ، معدودی بیش نیست . ولی همه در حد اعلای ظرافت و جمال و به حسن ابداع و قوت تصویر و لطف قریحه متصف و نزد دیگر هنر وران چـون خورشید از دیگر ستارگان فروزان ترست .

بهزاد در نقاشی به رنگهای سرد مانند ، سرمه ای ، سبز تیره ، فیـروزه ای ، سبز روشن زردوقهوه ای بیشتر توجه کـرده است ، کذا طلا ونقره حد اکثـر استفاده او را در نقاشی نشان میدهد . ونیز از رنگ سرخ بانواع و اقسام مختلف کار گرفته است . اگر در رنـگ آمیزی و اختلاط رنـگ هـا و نـشانـدادن حالات روحی و تمایز صورت اشخاص و نمایش مناظر طبیعی و ابـنیه قدرت کافی داشته و ظرافت کار بیشتر معروف هنر اوست . درخصایص صورت های ساخته او بایستی متذکر شدکه ظرافت کارو حرکات زنـده وتمـایـز صـورت اشخاص و ترکیب رنگ‌آمیزی از قبیل صورتی سرخ ، زرد ، آبی‌که درروی زمینه سبزعلفی‌کشیده شده‌است قابل توجه ودقت شایان می‌باشد بهزاد در تصاویر خود ازکشیدن صورت زنان تا جاییکه مقدور بوده ، خود داری‌کرده است .

مختصری از خصایص کار استاد بهزاد

۱ـ درستی و دقت کامل در خطوط تصاویر

۲ـ نمایاندن وضع چهره وقیافه اشخاص بطور شگفت انگیزی بـه وسیـله ترکیب انواع رنگها

۳ـ حرکات ومفهوم بودن اشارات تصاویر

۴ـ ظرافت در کشیدن درختها ، گلها ، دورنماها ونیز اشعه خورشید وابر

۵ـ شماره رنگهای متنوع وتوافق آنها با یکدیگر

۶ـ کمال چیره دستی او در نشاندن رسم الخط

۷ـ بیان حرکات واشارات اشخاص بطوریکه جنبش آنها مفهوم و محسوس است .

آثار بهزاد

قسمیکه قبلاً گفته آمد غالب مؤرخان تاریخ و هنر وعلاقمندان مربوط به آن ، به بحث در بارۀ آنچه انتسابش به بهزاد صحیح میباشد ، توجه کرده اند . قسمتی از آثـار او که بـه سـال ۱۹۳۱ میلادی (۱) در لنـدن درمعرض نمـایش قـرار گرفت ، بیش از هر چیز دیگر آنانرا از راه اثبات این موضوع و رسیدن بـه نتیجه قاطع کمك کرد .

استاد ساکسیان در کتابی که در خصوص تصویر های مـربوط به ایـن دوره منتشر کرده است ، چنین میگوید : «وقتا که ما از عرضه داشتن صورتهای منتسب به بهزاد عاجز میشویم ، چارۀ جز نگهداری آنها نداریم . نـاگزیر باید آنچـه از حیث صحت انتسابش به وی مورد اتفاق محققان و هنر شناسان است ، نقل کنیم . از آثار قسم اول یعنی آثار هنری او در هرات دو تصویر است که برای «سلطان

(۱) التصویر . . . ص ۳۸ .

حسین بایقرا» و «ابوالفتح محمد خان شیبانی» کشیده شده که با وجود نقص های موجود ، یکی از آنها دارای ارزش هنر فوق العاده خیره کننده است . تصاویر مزبور از جمله نخستین تصاویریست درهنر این دوره که صورت حقیقی شخص را حکایت میکند وشخصیت فرد با صفات جسمانیش درتصویر نمایانده میشود. » (۱)

۱- صورت سلطان حسین (۲) بای قره :

از آثار کلك بهزاد است و از مجموعه هنر شناس معروف «مارتین سویدنی» به دست آمده است . این شکل تقریباً به سبك و سیاق طرح کشیده شده وازلحاظ غایت کمال شکل و داشتن نقشهای بی عیب و سایر خصوصیات قابل توجه و مایهٔ تحیر است .

شرح کامل از عادات و سکنات شاه سلطان حسین وهمچنین طرز لباس پوشیدن او در یاد داشتهای «بابر» موجود است (*) .

---

(۱) التصویر ... ص ۴۹

(۲) صورتهای انفرادی عصر نوایی ، ۱۰۱ سیمینوف مسکو ۱۹۴۰

(*) سلطان حسین در جوانی زیبا وشجاع بود . قد رساو کمر باریك داشت ولی با وجود جوانی تار های سفید در محاسنش دیده میشد . دوست داشت لباس های ابریشمی زیبا به رنگ های سرخ وسبز به تن کند وبرسر کلاه قره قلی وگاه گاهی نیز قلپاق گرد شکل از پارچه میگذاشت ، در ایام عید وآیین بر سر دستاری از پارچه کوچك که بطور نا منظم بدور سرش قرار میگرفت میپیچیدونشانی از پر (بلشون) بدان میزد وعازم‌عبادت‌ونماز میشد. درتصویریکه از بهزاد بجا مانده وجود این مرد باچشمان بادامی ومغولی ورخساره های برآمده وتمام آن خصوصیات اخلاقی سراغ میشود که با بر به او نسبت‌داده است‌رجوع شودبه ص ۹صورتهای انفرادی عصر نوایی ۱۰۱ . سیمینوف مسکو .

۲- تصویر عالی (۱) شیبانی خان «و به بیان دیگر شیبك خان *» که به دست بهزاد ساخته شده است ، بی تردید مربوط به ایامیست که شیبانی خان مدتی را در هرات بسر برده است . این تصویر از مجموعه مادام « کورا تمکین بـورنت» به دست آمده است رئیس ازبکان ملبس به لباس عصر هرات آنروز و بـه دستگاه بزرگی تکیه زده است .

چهره مقتدر و هوشمند او مبین جاه طلبی وقدرت خواهی بزرگ او میباشد . در موزه بریتانیا یك دو تا از نسخه های مصور بسیار قیمتی خمسه نظامی کار بهزاد که هریك به سال ۸۴۶ – ۸۹۹ هـ . کار شده است ، دارای شانزده قطعه مینیاتـور میباشد و متعلق میباشد به مجموعه هنری جهانگیر پادشاه مُغولی هند (۲) .

---

(۱) صورتهای انفرادی عصر نوایی ص ۱۰

(۲) ایرانشهر جلد اول ص ۷۷۹

* بنا بر شهادتیکه از منبع صوفیانه متعلق به قرن ۱۶ بدست آمده، شیبانی خاندرجوانی از مریدان وشاگردان «شیخ جلال‌الدین عزیزان» واز رنائب داران «میر عبدالعلی ترخان»، امیر سمرقند بود . واما به موفقیت ومقام (ترخان) سخت رشك می برد واشتهای قدرت خواهی و جاه طلبی براو چیره شده بود . او بار ها میگفت که این عبدالعلی با اینکه اصل ونسبی ندارد حکومت دارد . پس چرا من که شهزاده اصیل ونجیب هستم فاقد حق امارت باشم . این فکر را با پیر خود « شیخ عزیزان » در میان گذاشت ؛ اما از طرف‌شیخ موردعتاب وسرزنش‌قرار گرفت وبدو گفته بود « چنانکه می بینم درسر هواوسودای‌دیگر گون کردن‌عبدالعلی‌را میپرورانی وخود را مستوجب تاج وتخت میدانی . تمنی دارم که دیگر با چنین نیات نزدم نیایی . شیبانی رنجید و درحالیکه شیخ را ترك می کـرد بدو گفت : « مشکلی نیست درین چار طرف لابدشیخ دیگری به همین شهرت وحرمت یافت خواهد شد » سپس شیبانی خان به سوی شیـخ بـخارا (منصور) شد که از شاگردان شیخ‌تاج الدین « گجدوان» بود و در زمره مریدان او در آمـد . روزی‌ازروزها شیبانی‌خان به حضور شیخ منصور رسید وشیخ خطاب بدوگفت : «ازبکا ! چون بتو نگاه می کنم‌می بینم که سودای سلطنت بسرداری » وپس‌ازآن دستور داد تا غذاآوردندو آنگاه که غذا صرف شد سفره را جمع کردند شیخ منصور روی به شیبانی کردو گفت : «همانطوریکه سفره را از گوش وکنارش جمع میکنند تو نیز کار تسخیر مملکت را از اکناف شروع کن » شیبانی این تعلیم ورا هنمایی بی پرده وصریح را شنید کمر همت ومجاهدت بست وبدان جامه عمل پوشاند وبدین ترتیب قلمرو وسیع تیموریان طعمهٔ خان ازبك گردید وازآن موقع به‌بـعد آسیای وسطی جز قلمرو خانان مذکور قرار گرفت ولی با این هم ایام مدیدی در زمینه‌حیات مدنی وفرهنگی دولت ازبکها آرمانها ورسوم، سنن‌وعادات‌عصر درخشان‌هراتی‌حکومت‌داشت.

یکی دیگر ازقیمتدار ترین نسخه های مصور خطی دوره تیموری در عهد سلطان حسین بایقرا که احتمال کار آن به استاد بهزاد میرود به تاریخ ۸۷۳ هـ . تـوسط خطاط معروف «شیرعلی» کتابت شده است ، نیز موجود است .

نسخه ای از بوستان سعدی که به سال ۸۹۳ هجری در هرات کار شده است چهارتصویر آنرا ازآثار فنی منسوب به «بهزاد» میدانند وخطاطی آنرا «سلطاعلی» خطاط معروف برای سلطان حسین بایقرا عهده دار بوده است ، وفعـلاً جـزوی افتخارات زینتی کتابتخانهٔ قاهره در مصر است .

یك صفحه مینیاتور در خمسهٔ نظامی به ملاحظه میرسد که در آن عـزا داری بـرسر تابوت شوهـر لیلی نشان داده میشود و به تاریخ (۹۰۰ هـ .) (۱) درهرات یا بوسیله «بهزاد» یا شیخ زاده» و یا توسط هر دوی آنان نقاشی شده است که با تصویر قصر خورنق بهزاد شباهت تام دارد . در قسمت بالای تصویرطرف راست این بیت نظامی که به خط خوش کتابت شده است ، دیده میشود :

از محنت دوست مـوی میکند   اما ز فـراق شوی میکند

این حالت درهفت اورنگ جامی بخش‌لیلی مجنون تمثیل خوبی‌شده است* : صفحهٔ مینیاتور دیگرلیلی‌ومجنون را درمکتب نشان میدهد که به تاریخ (۹۰۰ هـ .) مطابـق (۱۴۹۴ میلادی در هـرات بـه وسیلهٔ بـهـزاد کشیده شده است . در آن تصویـر درختان خـزانی ، حرکات اشخاص بسیار متناسب بـوده ونمـوداری از

(1) skira Albert persian painting P. 122, London, 1961

* تمثیل این حالت که درهفت اورنگ جامی‌ازآن هایادهانی شده درصفحات قبل‌آمده است.

خصوصیات هنری مکتب هرات میباشد.(۱) دربالای تصویرقسمت وسط عقب سر شاخه های درخت این بیت خوانده میشود : **

کـــردند برهــم بسی مـــدارا　　تـا راز نـــگـــردد آشکـارا

در پائین صفحهٔ مزبور این چند بیت نظر را جلب میکند :

بند سر نافه گـــرچه خشکست　　بوی‌خوش‌او گواه مشك‌است

بادی کـه زعـاشقی خبـر داشت　　برقع زجمال‌خویش برداشت

همینطوردرپیشانی رواق مسجد به خط ثلث وبه سفیدآب‌نوشته شده است(۲) : انما یعمر مساجد الله من امن بالله والیوم الآخر واقام الصلوه و اتی‌الزکوة . خط ثلث آن به حدی زیبا و نفیس نوشته شده که با سایر خطوط و اشکال و ظرایف و دقایق و ریزه‌کاری های رواق ومحراب منبر تفاوت‌کلی دارد واین ازخصایص کار بهزاد و مکتب اوست .

تصویر دیگر خمسهٔ نظامی کار بهـزاد که به سال (۹۰۰ هـ .) - (۱۴۹۴ م .) در هرات‌کشیده شده است ، درآن تصویر حمام ترکی و نیز داستان خلیفهٔ‌عباسی را باغلام حجام نشان میدهد . درین تصویر حرکات اشخاص ومحیط بسیارعالی کشیده شده است و شرح ابیات آن سابقاً گفته‌آمده است.

(1) persian painting p. 123

(2) Ibid

** درین قسمت‌شرح چند تا مینیاتور قسماً تکرار شده است و چون مینیاتور های متذکره از آثار بهزاد است ، با وجود تشریح آنها در صفحات قبل لازم‌الرعایه دانسته شد که تا بار دیگر به تشریح اجمالی مکـرر آنها در بخش آثار بهـزاد مبادرت شود .

تصویر ساختن قصر خورنق کار استاد بهزاد در هرات (۱۴۹۴ هـ . م .) :
بهزاد درین صحنه به مردم عادی ومعمولی توجه کرده حرکات کارگران را در آباد ساختن این ساختمان به بسیار خوبی نشان داده است .

« گفت منذر به کار فرمایان — تا به پرکار صورت آریان
در خورنق نگاشته به زر — صورت گود زیر و شیر زبر
شه زده تیروجسته زان پیکار — درزمین‌غرقه گشته‌تاسوفار...»

درین صفحهٔ مینیاتور قسمت بالا ، طرف چپ چند بیت از نظامی به خط خوش دیده میشود :

« صیلقش بود از سریشم وشیر — گشته آیینه وار عکس پذیر
درشبانروزی ازشتاب ودرنگ — چون عروسان درآمده به‌سه‌رنگ
یافتی از سه رنگ ناوردی — ازرقی و سفیدی و زردی »

باید گفت این همان صورتیست که نظامی در خمسه خود به شعر آن چنین صورت می بندد :

... استادان‌کار می جستند — جای آن کار گاه می شستند
هرکه درشغل آنعمل‌درخواست — آن نمود اراز و نیامد راست
تا به نعمان خبر رسید درست — کانچنان‌پیشه‌ورکه‌درخورتست
هست نام آوری به‌کشور روم — زیرکی کوزسنگ ساز دموم
چابکی دست چرب شیرینکار — سام نسلی و نام سنمار

درین تصویر قراریکه قبلاً گفته آمد ، منظور از ساختن یك بناست که‌آنرا قصر خورنق گویند و معمار آنرا «سنمار» خوانده اند . درین شکل حالت هر کارگر با ممیزات مخصوص‌آن رسم شده است . کسی خشت میدهد وکسی گل

بالا میکند . یکی تیشه به دست دارد و آن دیگری مشغول گل کاری میباشد . ساختمان در حالت نیمه کاره با خوازه هایش دیده میشود . (۱)

تصویر دیگر از یك البوم (از مجموعهٔ آرت فریر *Freer*) (۲) میباشد . این تصویر کار مکتب هرات درقرن پانزده و آن نقاشی یک مرد جوان است به امضای بهزاد . استاد مصوف‌درتصویراین‌صفحه از ج.بلینی (*Genteli Bellini*) تقلید کرده است . خمسهٔ مصور ومخطوط نظامی کار مکتب هرات که شامل ده تصویر است و به قلم سحر آفرین استاد شهیر « بهزاد هروی » کشیده شده است که قبلاً در مورد صحبت شده است و در برخی از صورت های آن ایـــن نام (صوره (۳) بهزاد) به چشم می خورد .

یك نسخه از دیوان غزلیات حافظ شیرازی که به مهسر بعضی از سلاطیـــن گورگانی هند ممهور بوده وسابقاً درکتابخانه قصر سلطنتی تهران محافظت می‌شد در آن چند مینیاتور را از کارهای استاد بهزاد میدانند ویا آنکه سبك مکتب او در آن ها ملاحظه میشود .

خمسهٔ مصور خطی از امیر خسرو بلخی که تاریخ کار آن (۸۹۰ ه .) بوده و دارای ۳۳ صفحه مینیاتوری خیلی عالی میباشد . توسط محمد بن اظهر کتابت شده است . یك تن ازهنرشناسان‌بنام دکترف . ر. مارتین اظهار نظر کرده است که این تصاویر از کار های بهزاد میباشد .

نسخه مصور از گلستان سعدی مؤرخ به سال (۸۳۰ ه.) که اکنون دریکی‌از مجموعه های هنری حفاظت میشود در سابق برای کتابخانه بایسنقردر هرات کار

---

(۱) خمسهٔ نظامی بخش بهرام نامه ص ۲۹۲ چاپ تهران .

(2) A.U Pope - Persian Art Volume V.P . 890

(۳) آریانا ش ۲ س ۵ ص ۱۲ - ۱۴ ببعد

شده و کاتب آن جعفر بایسنقر میباشد (۱) نسخه دیگر از بوستان‌سعدی که در آن امضا هایی از بهزاد دیده‌میشود ، فعلاً در مجموعه چستر بیتی (۲) نگاهداری میگردد . یك نسخه خطی و نفیس دیگر از بوستان سعد ی که دارای پنج قطعه مینیاتور میباشد ، در کتابخانهٔ مصر محفوظ بوده وتصاویر آن امروز استوار ترین سندیست بـرای بررسی هنر بهزاد وآثار او ، زیـرا اطمینان بر صحت منسوب داشتن این صورتها به بهزاد محکم تر از اطمینان به نسبت هر صورت دیگری به اوست . برای آنکه این تصاویردرنهایت چیره‌دستی ودقت درهنر رسم شده‌وآنرا بزرگترین خطاط عصر « سلطان علی »کاتب بـه سال (۸۹۳ه ۱۴۸۸م) (۳) بـرای سلطان حسین میرزای بایقرا که تصویرش درصدر کتاب خطی‌موجوداست ،کتابت نموده و بنـابران عمل تصویر از چنین ارمغانی باید بخود بهزاد راجع باشد زیرا درهریك‌ازآن چهارتصویرامضای این هنرمندبزرگ (عمل‌العبد بهزاد)یافت‌میشود.

تابلویی(۴) ازبوستان‌سعدی کارمکتب‌هرات درسال (۱۴۸۹میلادی). موضوع: مباحثه و مناظره علمی در مسجد به امضای بهزاد . تابلوی (۵) از نسخه خطی بوستان سعدی‌شماره ۲۴ کار مکتب‌هرات‌درسال(۱۴۸۸ م.)موضوع :شاه‌داراوشبان به امضـای بـهـزاد است . نسخه خطی سلامان وابسال جامی که نـقـاشی‌آن توسط «بهزاد» وخوشنویسی آن توسط «سلطان علی» انجام شده است ،باداشتن

---

(۱) التصویر فی الاسلام عندالفرس ص ۱۵

(۲) ایضاً

(۳) ایضاً ص ۵۲ ونیز رجوع شود به کتاب هنر عهد تیموریان ومتفرعات آن ، تالیف پوهاند عبدالحی حبیبی ص ۵۸ – ۵۹ چاپ تهران سال ۱۳۴۴ ش

(4) A. U. Pope. Persian art, P. 886

(۵) هنر افغانستان گ . ا . پوگا چینکووا ص ۲۱۷ مسکو ۱۹۶۳

تصاویر بسیار عالی وزیبا در متن وزرنگار ها در حواشی انسان را به حیرت اندر میسازد . یك نسخهٔ خطی ومصور « ظفرنامه » که مؤرخ به سال (۸۷۳ ه .) است برای کتابخانهٔ بایقرا به قلم شیرعلی خطاط کتابت شده و تصاویر آنرا منسوب به بهزاد (۱) میدانند .

مرقع تاریخ تیمور ، از بهترین اثر بهزاد است که به سال ۱۴۹۷ م . بانجام رسیده که صفحات آن منقوش ومذهب میباشد ، واما کدام نوشته‌ای در آن بنظر نه میخورد . این نسخه را میتوان از تازه ترین اثر استاد دانست که در نوع خود بی نظیر و بی بدیل است وهمچنان با ملاحظه با آن میتوان استعداد خارق العاده و تعالی هنری او را درك کرد (۲)

نسخه خطی ومصور هفت اورنگ جامی ، که دارای سی واند صورت خیلی قشنگ و زیباست ، فعلا در آرشیف ملی کابل محفوظ میباشد . این تصاویر در عصر سلطان حسین بایقرا در هرات کشیده شده و احتمال سبك بهزاد و مکتب او در آ نها میرود .

۲ – خواجه میرك نقاش :.

امیر روح الله * مشهور به میرك نقاش هروی الاصل واز سادات کمانگر است(۳) وی عصر سلطان حسین را یافته و رئیس کتابخانهٔ شاه موصوف مقرر گردیده بود

---

(۱) رجوع شود به تا بلوی چا پی ص (۲۳۰ – ۲۳۲) ، هنر ا فغا نستا ن ، گ . ا . پوگاچینکووا مسکو ۱۹۶۳ میلادی. در کتابخانه اکادمی علوم افغانستان

(۲) سر آمدان هنر ، طاهر زاده تبریزی ص ۱۲ ، چاپخانهٔ ایرانشهر برلین ۱۳۲۲ .

* به این اسم سه میرك در عالم نقاشی ظهور کرده است :

الف – خواجه میرك هروی که در اواخر قرن نهم ه . همزمان با غلبه شیبانی ها در هرات از بین رفته است .

ب – حاج میرك بخارایی که خطاط معروف بوده است .

ج – آغا میرك اصفهانی نقاش ص ۳۴۲-۳۴۳ جز و ۳ جلد ۳ رجال حبیب السیر.

(۳) خوشنویسان ، استاد دکتر مهدی بیانی بخش اول ص ۱۹۹–۲۰۰ تهران ۱۳۴۵

و بنا بران بسیاری از کتب سلطنتی ، کتیبه و عمارات عالیهٔ هرات به قلم زیبا و توانای این آزاده مرد هنرمند تصویر وتذهیب شده است . مولینا قطب‌الدین‌محمد قصه خوان در تذکره خوش نویسان و نقاشان خود گوید : (۱) استاد مشهـور خراسان درفن‌نقاشی «خواجه میرك» ، «مولیناحاجی محمدنقاش» ، «استادقاسم‌علی چهره کشای» «استاد بهزاد» شبیه و نظیر ندارند .

از آن رساله در باب میرك :

بود آفـــرینش همه پشت او — زده از رقم بوسه بر دست او
چو خواهد قلم از بـرای رقـم — ز پـــر فرشتــه ببندد قلــم
زشوقش صدف سربرآوردزآب — که از ابر دستش شود کامیاب
قلم را از و کار بالا گــــرفت — که‌اندر دوانگشت او جا گرفت
قلم چون به تشعیر گردد دلیـر — از آن موی خیزد ز اندام شیـر

میرك درکار نقاشی زبردست و بی نظیر بود و آنگاهیکه امیر علی شیرنوایی کار های تعمیراتی مسجد جامع هــرات را به پایه تکمیـل رسانیـــد ، قسمت تزئیناتی آنرا به خواجه میرك خطاط ونقاش مشهور مفــوض کـــرد و او بنابر شرحیکه در ص (۳۶-۳۷) آبدات نفیسه هرات آمده است ،کتیبه و نقاشی مسجد جامع را در مدت (۱۵) روز انجام داده است (۲) .

از کار های نقاشی استاد میرك دو تصویر در یك نسخه خطی خمسه نـظامی که هم اکنون متعلق به بریتش موزیم است ، مشاهده میشود (۳) یکی دیگــر از تابلو های بسیار زیبا وقشنگ استاد موصوف معراج محمد (ص) است که درعالم نقاشی نظیر آن‌کمتر دیده شده واین نسخه به تاریخ (۹۰۰ هـ - ۱۴۹۴ م) (۴) در

---

(۱) به نقل از مجلهٔ سخن ش ۶-۷ دوره ۱۷ ص ۶۶۶ سال ۱۳۴۶ .
(۲) آبدات نفیسه هرات سرور خان گویا اعتمادی ص ۳۶ - ۳۷ کابل ۱۳۴۳ .
(۳) خوش نویسان دکتر بیانی ص ۱۹۹ .
(۴) مجله روزگارنو ص ۳۲ ، ش ۱-۳ س ۱۳۴۱ ؛ ش ۴ س ۱۳۴۲ .

هرات کار شده است . خواجه میرك در هرات در اواخر قرن نهم ه (۱۵ م .) میزیسته و درسال (۹۱۳ ه .)بدرود حیات گفته است .

۳ـ قاسم علی :

در نیمهٔ دوم قرن نهم هجری (۱۵ میلادی) هنرمندی از آن سوی کــوههای هنر آنروز ظهور وطلوع کرد که نامش قاسمعلی چهره کشای است . «استـــاد قاسم علی زبدهٔ مصوران روزگار وقدوهٔ نقاشان شیرین کار است . وی این فن را از کتابخانهٔ امیر هدایت به دست آورد به سبب تعلیم آنحضرت گوی سبقت از امثال و اقران برده وپیوسته درخدمت ملازمانش کمتر خدمت و همــواره از کثرت انعام واحسانش در مقام رفاهیت وفراغت نشسته ... (۱) .»

قاسم علی یکتن از نقاشان برجسته‌وازهمکاران نزدیك بهزاد است‌و امادرکار های هنری خود میتواند هم پایهٔ استاد بهزاد باشد . و اینك از زبان نادرالعصری استاد بهزاد به جواب مکتوب استاد قاسم‌علی چهره کشای میپردازیم ! (۲)

چون‌صورت خط دلکشت چهره‌کشاد   در دیده من کشت عیان نقش مراد
نقش قلست چنان فـــرح بخش آمد   کزدیدن آن چهرهٔ غـم رفت زیاد

محبت مصور وصحیفه به رقم مؤدت محرر صورت بیاضش چــون بیـاض عارض محبوب دلپذیر و مضمون سوادش بسان دیدهٔ مطلوب مهرتنویر دراغراقات چهرهٔ وصول‌کشود و از مشاهدهٔ‌آن صورت به عجب وسرور باحسن وجهی‌روی نمود ونقش غموم ایام فراق که به لوح دلش منقش به رنگ شادمانی تبدیـــل پذیرفت وپیکر هجوم آلام اشتیاق که برصفحهٔ ضمیر ومنیر مرتسم بود به صــور حصول آمانی صفت تغییر گرف ع حمد خداوند را اذهب عناالحزن در برابر

(۱) خلاصة الاخبارفی بیان احوال الاخیار تألیف غیاث الدین الملقب به امیرخواند ص ندارد

(۲) نامه نامی از منشأت خوند میر ص ۱۲۸ ـ ۱۲۹ نسخه خطی آرشیف ملی ـ کابل .

نقوش یگانگی واتحاد که از دیباچهٔ آن رقعهٔ شریف مستفاد گشت از دیار مؤدت واعتقاد بر ورق خاطر طرح کرده و به قلم اشتیاق و آرزومندی تحریر نمـــوده مبلغ مرسل میگرداند وهمواره ازمصورقدیم تعالی شانه میسراسباب صورملاقات را مسئلت مینماید و امید اجابت میدارد انه علی ذلك قدیر وبالاجاته جدیر زیاده ازین قلم بر موضع اطناب نمی نهد پیکر اقبال وکامرانی به رنگ حصـول آمال وامانی مقرر باد .

قاسم علی درکشیدن صورت های اشخاص قدرت عجیبی دارد ، به طوریکه مینیاتور های مزبور وی پیوست به امضایش درچندین نسخه نفیس دیـده شده است استاد ساکیـان در راه تحقیق آثـار یکه ازین هنرمند به وجودآمده وتوقیع هایکه اشتباهاً باونسبت داده شده ، بررسی به عمل آورده وصحت وسقم امضـا هـای اورا روشن ساخته است . در یك نسخـهٔ خطی خمسهٔ نظامـی مینیاتوری که تاریخ کار آن (۸۹۹ ه .) (۱) (۱۴۹۳م .) است و فعلاً زینت بخش موزهٔ بریتانیا میباشد ، امضای قاسم علی در آن مشاهده می‌شود . در هفت تصویـر از نسخه خطی مزبور استاد ساکسیان نظر دارد که شش تصویر آن منسوب به قاسم علی بوده شاید بدیع ترین صورت درین نسخه همان صورتی باشدکه مدرسه ای را درهوای آزاد نشان‌میدهد ، دریکی دیگر از آن تصاویر دختر جوانی دیده را جلب‌میکند که‌باشرمساری‌در برابر همسالانش‌عشوه گری‌میکند. در تصویر دیگریك درخت‌بزرگ‌به ملاحظه‌میرسد، که‌بربالای‌سرمدرس‌وشاگردانش‌سایه‌انداخته‌است وهمچنان تصویر دیگر ، دسته ای از زنان را در حالت حمام کردن نشان میدهـد، که در آن یکی از آنان دست دیگری را که در لب حوض است گرفته‌و در حال

(۱) رجوع شود به ص ۱۷۱ تاریخ صنایع ایران ، دکتر ویلسن ترجمه فریار .

کشیدن است تا در آب فرود آید وهمه یکجا در آب باشند . در صورت مزبور شخصی درحال عود نواختن دیده میشود. تمام آنچه در ین مینیاتور ملاحظه میگردد زیبا ودلرباست (۱) در موزه مترو پلولتن نیوبارك ، مینیاتوری از آثار میرعلیشیر نوایی وجود دارد که بسیاری ازخصایص سبك قاسم علی در آن ظاهر است واز آن جمله است مرغزار طلایی ، در ختان چنار وتصویر حقیقی بر گها ی خزانی (۲)

٤ـ مولینا محمد نقاش (۳)

از نقاشان معروف قرن نهم هراتست . وی در عصر سلطان حسین بایقرادرشهر هرات زندگی مینمودو امیر علی شیر نوایی مقدم اورا گرامی میداشت . اوبه هنگام سلطنت بدیع الزمان میرزا پسرسلطان حسین ، بنا براهلیت ولیاقتی که داشت در سلك نقاشان بمرتبه عالی صعود نمود وفرمان کتابداری کتابخانهٔ سلطنتی به وی داده شد . تاآنکه در اوایل استیلای ابو الفتح محمد خان شیبك در حد ود سال (۹۱۰–۹۱۳ هـ) در هرات دیده از جهان فروبست. استادان دیگر نقاشی عبارت بودند از : مولینا هوایی ، مقصود، استادبابا حاجی ، ملا یوسف ، استاد محمدی استاد شمس الدین ، مولینا درویش محمد ، رستم علی ، استاد شاه مظفر ، استاد خلیل ونظایر آنان که باختصار در باب آنان صحبت خواهد شد . (۴)

---

(۱) التصویر فی الاسلام عندالفرس . . . ص ۵۳

(۲) رهنمای صنایع اسلامی دکترم . س دیماند ، ترجمه فریار ص ۶۰ – ۶۱ تهران ۱۳۳۶.

(۳) روضته الصفا ، تصنیف میرخواند شاه مشهور به میر خاوند ص ۲۸۱ و نیز رجوع شود به ص ۴۲–۴۳ زندگانی سیاسی میرعلیشیر نوائی به قلم بارتلد روسی ، ترجمه پوهاند میر حسین شاه کابل ۱۳۴۶ .

(۴) برای مزید معلومات در باب نقاشان به کتب : روضة الصفا ، ص ۲۸۱ مجله راه نو سال ۴ شماره ۷ ص ۲۰۶ وشاهکار های هنری ایران اثر اپهام پوپ ص ۱۵۴ ، مجله آریانا دوره ۲۶ سال ۱۳۴۷ ص ۷۹ ، تاریخ عالم آرای عباسی ، اسکندر بیگ جلد ۱ ص ۱۷۴، سخن دوره ۶ شماره ۳ ص ۲۴۲ ، ایران در زمان صفویه ، دکتر تاج بخش ص ۲۷۳ ، ایرانشهر جلد ۱ ص ۸۰۰ و مجله کابل شماره ۶ و ۱۱ ص ۷۰ به نقل ازتاریخ رشیدی.

مقصود نقاش :

از نقاشان مشهور قرن دهم هجری است ، اصلا از هرات بوده وشاگرد استاد بهزاد میباشد . در نقاشی دوم قاسمعلی است واما اساس طرح وی نسبت به «قاسم علی » خام است . از شرح حال او کمتر معلوماتی به دست است صاحب تاریخ رشیدی از وی نام میبرد . از آثار این نقاش یك خمسه مصور از آثار « جامی » مؤرخ به سال ۹۲۸ ه باقی مانده کارش خوب است .

استاد باباحاجی:

در تصویر ، قلم پخته دارد ، اما طرح وی خام است .

ملا یوسف :

از نقاشان اواخر قرن نهم ه . بوده و زمـــان سلطان حسین بایقرا را دریافته است . وی از شاگردان بهزادمیباشد . تذهیب اونسبت به تصویرش قابل تو جـه وحسن نظر بیشتر است .

استاد محمد (۱)

این‌نقاش جزئیات وحرکات واحساسات اشخاص را درنقاشی بمنتهای‌دقت و استادی نشان داده وازین حیث کار های اوشبیه کار های بهزادمیباشد .

استاد شمس‌الدین: (۲)

استاد بزرك مینیاتورهای شاهنامه دیموته که جنبه نمایشی کار های او از نظر عده ای از منتقدان غربی اوج هنر نقاشی در آنروزاست .

ملانادرویش محمد (۳)

ازنقاشان هرات‌عصر سلطان حسین‌بایقرا . واز شاگردان شاه‌مظفر است.

---

(۱) ایران درزمان صفویه ص ۲۷۳ - دکترتـاج بخش .

(۲) ایران درزمان صفویه ص ۲۷۳

(۳) کابل [illegible] ص ۷۰ به‌نقل از تاریخ رشیدی

او در باریکی قلم بی همتا ست . درویش محمد نه تنها به نقاشی وتصویرسازی شهرت داشت ، بلکه درشعر وادبیات نیز ید طولای داشته است.

وی بعداز دیگر گونی سلطنت تیموری به ایران وهندوستان مسافرتها کرده و بدربار همایون پادشاه کور گانی هند نزدیکی یافت واعتماد فوق العاده‌ای او رابه خودجلب کرد .

مولانا مؤمن نقاش: (۱)

وی شاعر ، خوشنویس ونقاش زبردست بود « سام میرزای صفوی » او را از هرات باخود برد وتا آنکه بدر بار شاه صفوی شاه اسماعیل در «قزوین» مقرب در گاه شد .

مظفرعلی :

از مینیاتوریست های معروت هراتست . اورا نادره دوران و وحید زمان وبرادر زادهٔ استاد بهزاد نیز خوانده اند. این نقاش اواخر سلطنت سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ ه) را در یافته ، ونیز در بار شاهان صفوی چون شاه اسماعیل شاه‌طهاسب و شاه عباس را دیده ونفوذ واعتبار فوق العاده ای یافته ا ست.

تاریخ عالم آرای عباسی درباره مولانامظفرعلی گوید : مولانا ه قلم‌وشکاف چهره کشای صور اهل انصاف. وی‌نسبت خویشی‌به استادبهزاد دارد ودر خدمت وی کسب هنر نموده‌به مرتبه کمال ترقی‌رسید وجمعی ازاستادان نادره کاروچهره کشایان بدیع نگار ، او را درین فن کامل و مسلم میدانستند .

مصور خوب وطراح بی‌بدل بود . و تصویرات دولتخانه همایون و مجلس ایوان چهلستون طراحی مشارالیه واکثر نگاشته ارقام زرین فام است .

---

(۱) آریانا، دوره ۲۶ ، س ۱۳۴۷ ، ص ۹۷

بعداز واقعه هایله شاه جنت مکان بر صحیفه هستی طراح ممات انداخت. (۱)

میر سید علی :

از نقاشان خیلی معروفست . وی در تاریخ نقاشی اهمیت از آن دارد که همایون پادشاه مغولی هند و کابل اورا باخود به دهلی برد در آنجا روشی ابداع کرد که به نام روشی مغلی یاد شده است . (۲)

مولانایاری :

هروی الأصل واز نقاشان شهیر ومعروف آنجاست . وی از مذهبان ومصوران بی‌مثال ومانند دوران خود محسوب میشد ه وصنعت تذهیب را ازنزدملاولی هروی فرا گرفته است . گویند چون مهر سلطان حسین بای قره را به‌قلم مو تقلید کرده بود . فرمان قتلش صادر شد وبوساطت امیر علیشیر نوایی از مرگ نجات یافت .

ملا رستم علی :

خواهر زادهٔ بهزاد بود ودر نقاشی ، تصویر و تذهیب استاد مسلم محسوب میشده است. وی دراوایل از کاتبان کنابخانه بهرام‌میرزای صفوی متو (۹۷۶هـ.) وهمکار نزدیك دوست محمد کتابدار نیـز بوده است .

رستم علی در سال (۹۴۲) در هرات داعی اجل را لبیك گفته‌ودر نزدیك کوه مختار به خاك سپر ده شده است.

استادمحمدی :

شاگرد سلطان محمد وبنا بر قولی فرزند او نیز بوده است ، سال تولداین‌مرد هنرمند را طور تخمین میان سال های ۹۳۵ — ۹۴۰ هـ . درهرات خوانده‌اند. وی بعد از بهزاد سر وصدای عجیبی در عالم تصویر سازی و نقاشـی دارد . شهـرت

(۱) تاریخ عالم‌آرای عباسی، اسکندر بیگ ترکمان جلد (۱) ص ۱۷۴ تهران

(۲) سخن دوره ۶ ص ۲۴۲ .

استاد محمدی در نگارستان «هرات وتبریز» بیشتر از دیگر جا هاست ونیز او را صاحب‌سبك جدا وعلیحده ای خوانده‌اند . محمدی‌نقاش‌تقریباً آخرین‌نقاش‌مکتب دوم است . هنر شناس معروف کریستی ویلسن در باره وی چنین گفته‌است :(۱) دراواخر سلطنت شاه طهماسب صفوی ، نقاشی‌به اسم‌محمدی‌شهرت یافته وسبك جدید وقشنگی درنقاشی های رنگی بوجودآورده است . سال‌وفاتش معلوم‌نیست مگر بنا بر حدس تقریبی سال‌وفات او را از روی تاریخ ۹۸۶ ه . که دریکی‌از آثار او محفوظ در موزه لوور پاریس‌است و به آن امضا نموده ، میتوان دریافت وی تا اوایل سلطنت شاه اسماعیل دوم در قید حیات بوده ، آثار ومینیاتور های او زینت بخش اکثر موزه ها وکتابخانه های دنیا ست .

آثار او : در یك تابلوی خیلی زیبا که در سال ۱۵۷۸، (۲) آنرا کشیده ، در آن مناظر زندگی روستاییان را باطرح قوی ورنگهای خفیف مشخص کرده است . این تابلو در موزه لوور پاریس‌محفوظ است، نسخه معرف، وضع‌اجتماعی اندوره میباشد ، تصویر رنگی دیگری وجود دارد که کار استاد محمدی است وفعلا جزوی از متصرفات ومحفوظات موزه مترو پلوتین نیورك است .

شاه مظفر :

از نقاشان معروف وپسر استاد منصور میباشد . وی درین فن استاد مسلم است قلم نازك باریك دارد که به غیر قلم شاه مظفر قلم هیچکس به آن نازکی‌نیست‌اما اندکی خشك تر است ... وشاه مظفر به مراتب کثیره ازوی گذرانیده است، قلمی دارد در غایت نازکی وصافی وملاحت وپختگی که چشم بیننده خیره ماند وی در مدت ۲۳سال‌عمر خود، هفت تاهشت مجلس مینیاتوری کارکرده‌است(۳)

(۱) راه‌نو ، س ۴ ، ص ۲۰۶ .
(۲) شاهکارهای هنری ایران ، اثر آبهام ، پوپ، ۱۵۴
(۳) کابل، س ۶ ، ش ۱۱ ص ۷۳

وی نسخه خمسه میر علی شیر نوایی را که بامر بدیع الزمان میرزا فرزند ارشد سلطان حسین بایقرا به‌سال ۸۹۰ ه ش‌در هرات ترتیب‌یافته، مصور ساخته است. (۱)

استاد خلیل :

بحیث چهارمین اعجوبه دوران ومانی ثانی خوانده شده‌است .

مولانا جنید :

یکتن از نقاشان ماهر هرات بوده است .

استادان دیگرچون ملا تابعی — سبزواری — استادشیخ احمدو استادحسام‌الدین غداره گر که هر یك در کار خود ماهر ند ولی بر یکدیگر بر تری دارند.

درخصوص سایر نقاشان مراجعه شود به مأخذومراجع کتاب.

(۱) ایرانشهر جلد (۱) ص ۸۰۰

فصل چهارم
نگاهی به هنر جلد سازی و صحافی
در عصر تیموریان هرات

جلد سازی صنعتی است که در اوایل قرن پانزده درعصر شاهرخ میرزا به حد کمال نهایی رسید . شاه موصوف مبالغ هنگفت و گزافی را برای تزیین کتاب و پوشش آن به مصرف میرساند . جلد های خطی درخراسان قدیم تاقرن هشت هجری (۱۴ م .) به شیوه مصر اسلامی (۱) ساخته میشد و مشهور است که جلد سازی در عصر پیش از فتح اسلام ، آغاز شده و به دست مسلمانان تحول و ترقی پذیرفته و در اعصار اولیه بعد از هجرت به شکل اسلامی در آمده است مسلمانان درجلد سازی کتب از چیزی جز چرب و پوست استفاده نکرده اند ، آنـگاه از برگ های روغن زده ولاك آلوده به منظور پرهیز از خشك شدن جلـد ها کار گرفته اند . ونیزاز زر و از عنصرهای نفیس در جلد سازی استفاده می نمودند . روشهای جلد سازی قبطی که مسلمانان آنرا نام میبرند تا دورترین نقاط شـرق ، و شرق نزدیك و وسطی بسط داده شده است .

---

(۱) الفنون الایرانیه فی العصر الاسلامی - الدکتر زکی محمدحسن مصری ص ۱۳۲ ، چاپ قاهره سال ۱۹۴۰ .

مامونیان در شهر های ترکستان شرقی آنرا اقتباس کردند . هنر شناس آلمانی (فون لوکـوك) مدیر گروه هنری به جلد های کتب خطی آثار هنـری روابط آسیا که به سبك مانی است ، دست یافته ونسبت آنهارا به اواسط قرن های(۶و۸) بعد از میلاد میدهد . واما تزیین و زیب و زینت آنها طوریست که گویا از کتب قبطی اقتباس شده باشد . مقوا سازی در اواخر دوره صنایع اسلامی مروج شده وصحافان از چرم برای پوشش کتابها استفاده مینمودند قدیمترین جلد کتابیـکه باقی مانده وتاریخ کار آن را بین قرن های (۸-۱۱) تخمین میکنند ، مربـوط به مصر اسلامی است و فعلاً در موزه متروپلوتن نیویارك محافظت میشود .

جلد سازی وصحافی درعصر درخشان وبا شکوه تیموری هرات بالخاصـه در زمان شاهرخ میرزا به اوج ترقی و کمال رسیده است شاهرخ خـــود مشوق هنرمندان وبزرگترین کتابدوست جهان آن روز محسوب می شد . مجلدان در روی جلد ، انواع طرحهای عالی و خیلی زیبا که غایت دقت وظرافت کاری و مهارت در آن‌انجام می یافت بکار می بردند .

صحافان این عصر درهرات وسمرقند ذوق خود را جز به قواعد هنـر محدود نمی کردند . آنان چرم های لطیف را با دقت تمام انتخاب مینمودند و آنـــگاه نقوش بسیار دلکش بر آن میکفتند .

و پس از آن به رنگ کاری و زرکوبی آن می پرداختند . (۱)

در کتابخانه توپ قاپو سرای استانبول ، طرحهایی عالی میتوان پیدا کرد که درنهایت نفاست و زیبایی کار شده و به سال ۸۴۱ هـ . عصر تیموری هـــرات ارتباط میگیرد .

---

(۱) شاهکار های هنری ایران ، اثر اپهام پوپ ، ترجمه ونگارش دکترخانلری ص ۱۵۵ چاپ تهران ۱۳۸۸ .

درتابلوی شماره (۴۲) کتاب مستشرق معروف ابهام پوپ ، (۱) یك نمـونه ازین نوع جلد دیده میشود و این جلد مخصوص یك کتاب خطی نفیس است که درسال ۸۴۱ ه . (۱۴۳۸) ، درهرات کارشده و برای کتابخانه شاهرخ میرزا تهیه گردیده است . نقاشی آن محتوی منظره های گونا گون و به رنگ طلایی میباشد. درین گونه طرحهای منقوش تصاویری از میمون ها ، شیربال دار وحیوانات‌عجیبه دیگر بملاحظه میرسد وباید گفت که تزئینات بدون تصویر به وسیله به‌کاربردن خطوط طلایی و بر جسته‌کاری نیزمعمول بوده است بنابران این‌نوع جلد کتاب‌ها اثـرات ارزنده وبـزرگی درتوسعه این فن در(اروپا) گذاشت . وصحافان‌اسلامی که در شهر«ونیز» اقامت اختیار کرده بودند ، فن مزبور را به اروپاییان یاد دادند. درینجا مشکل است از تعداد کتب بی شماری که درسرا سر قرن «۱۵» م . عصر تیموری هرات ساخته شده و از یك صحنه نقاشی آنکه بتواند نمونه‌کامل‌پیشرفت های هنری دوره تیموریان باشد ، انتخاب کرد .

به همه حال ، تابلو های «۴۰» و «۴۳» کتاب میراث ایران که درمکتب هرات کار شده است . با داشتن رنگهای هماهنگ طراحی مفصل که دست استادان ماهر در آن کار گر بـوده است شایـد بتوانند نمودار کاملی از هنـر دوره تیموریان در آن عصر باشد .

هنرمندان‌آنروز باتوجه به بسامسایل تزیینی باز هم هرنکته ایکه موجب‌کمال زیبایی کتاب میشد ، ازآن استفاده بعمل می آورند .

---

(۱) میراث ایران تألیف ۱۳ تن از خاور شناسان ، زیر نظر دکتر احسان یارشاطر ترجمه شش تن از دانشمندان ایرانی ، ص ۲۴۶ ، تهران ۱۳۳۶ .

صنعت جلد سازی و تذهیب

هنر تذهیب از فنون ظریفه است . صاحبان این فن به مقام بس ارجمندی رسیده بودند . غالب نقاشان برای آنکه قدر ومنزلت شان بالاتر برود خود را مذهب نیز معرفی کرده بودند . صنعت جلد سازی وطلاکاری در ادوار مختلف جامعه های مختلف بتن کرده است یعنی درقرن چهارم ساده و بی پیرایه ، در قرن های (۵-۶ ه) متین ومنجسم ، درقرن (۸ ه)مجلل ونیرومند و درقرنهای(۹-۱۰ ه) ظریف وپرمایه شده است . مرحوم فکری سلجوقی که از محققان با نام معاصر افغانستان است در خصوص قرآن مذهب مربوط به مکتب هرات عصر تیموری در مجله آریانا بحث مسبوط ومشروحی ارائه داشته اند که منحیث ارتباط قسمتی از آن نقل میشود :

چندین سال قبل در هرات قرآن شریفی را که اول الی آخر به خط زیبای ملاعلاء بیگ تبریزی کتابت درنهایت نفاستتذهیب وترصیع یافته بود دیدم به امضای روشن علاءالدین تبریزی که تاکنون به آن نفاست و زیبایی کلام الله شریف ندیده بودم شنیدم که آن کلام الهی به وسیله یکی از تاجران آن عصر

به مشهد برده شده و به کتابخانه آستانه حضرت رضا علیه التحیـــه والثناء وقف گردید» (۱) .

کارهای تذهیبی قرآن نویسی در قرن های (۴ـ۵ ه) به وجود آمد و درنهایت هنرمندی صفحات نوشته شده قرآن مجید را به آب طلاتذهیب مینمودند برخی‌از نسخ قرآن شریف به دست آمده است که ابتدا بزیور تحریـــر درآمده وسپس صورتها رسم ها و انوای گلها و بته ها درآن کار شده است وآنگاه به حواشی اول وآخر صفحات کتاب پرداخته میشد یعنی سرفصلها وعناوین وغیره را تذهیب میکردند . درقرنهای (۹ـ۱۰ ه) این عمل به دقت تام وحسن نظر بیشتری صورت میگرفت وکتب تذهیب شده درکمال زیبایی وقشنگی میبود قدیم ترین کتب خطی مذهب وابسته بعصر سلجوقی است که ابداع وپیش قدمی درین فن درعصرمزبور قابل یـاد هانی است . مذهبان اطراف سطر ها را خط کشی مینمودند و بعـــد صفحه را ازبیرون باخطوط وگلهاوبته های متنوع زینت میدادند نسخ قرآن‌مجید عصر عباسی متعلق به قرن نهم روی پوست به رنگ‌ های طبیعی ،آبی ، بنفش ، سرخ مرکب ، سیاه یا طلایی نوشته شده است . درعصرمغول مذهبان به رنگهای طلایی،آبی ، سرخ ، سبز بیشتر توجه میکردند و اما در دوره تیموری تـــذهیب رونق اساسی تری یافت تزیینات کتب به اشکال گیاه به شکل طبیعـــی و گاهی اشکال طیور و حیوانات با روش چینی دیده میشود و نیز حواشی کتابها بانواع و اشکال نباتات گلها ومناظر طبیعی مزین میشد که بعداً در سایرآثار فنی وصنعتی تـأثیـر کـرد رابطـه آن اشکـال و رسم هـا را در «چینی» ، «سفال» ، «قالی» و «تجلید کتب» میتوان مشاهـده کرد .

نسخه خطی‌ازشاهنامه که مؤرخ به سال (۸۳۰ ه) (۱۴۲۷ م) است صورتهای از نویسنده نسخه ، نقاش ، مذهب وحتی مربی که این نسخهٔ باو تقدیم شده است

(۱) آریانا دوره ۲۶ ص ۸۶ س ۴۶ ـ کابل .

نشان میدهد . در موزه متروپولتن نیویارك قرآنی از عصر عباسی که‌چهار ورق آن مذهب است دیده میشود. این قرآن مجید دارای تزیینات مشبکٔ وبـرگٔـو نبات واشکال تخیلی است . غالب این تزیینات در متن کتاب ادامه داشته ونمونهٔ از آن را میتوان دریکی از اوراق نسخهٔ از قرآن شریف در موزه مذکورمشاهده کرد. یك نسخه از قرآن مذهب دیگر که به‌سال ۷۱۳ هـ . به‌سبکٔ مغولی‌درعهد « ایلخانیان اولجایتو خدابنـده‌محـمد» کار شـده در کتـابخانـه سلطنتی مصـر نگهداری می شود .

نسخهٔ عالی دیگر که‌قسمتی‌از آن‌درمجموعه (چستربیتی) وقسمت دیگر درموزه صنایع ظریفه «بوستون» محفوظ است مورخ سال ۷۳۸ هـ . میباشد که حاکی از استعداد فطری هنر مندان آن عصر است. تذهیب کاری های که‌درصفحات‌چندین نسخه دوره تیموری برای شاهرخ میرزا « وسلطان حسین بایقـراء » تهیه شـده از زیبا ترین تذهیب کاری مکتب هرات است که چشم زمانه چـنین کاری را ندیده است .

نسخه دیگر از شاهنامهٔ فردوسی مورخ به سال ۸۳۳ هـ . که فعلاً در کـاخ گلستان تهران نگهداری میشود . تذهیب کاریهای آن به وسیله هنر مندان‌درباری صورت گرفته است . تزیینات وطرحهای گل‌وگیاه این تذهیب‌کاری ها نمو نه خوبی دقت در جزییات وشفافی رنگٔ است به طوریکه مثال آنرا در مینا کاری میتوان یافت . (۱)

مـذهـبان

از مذهبان معروف عصر تیموری در نگار خانه‌هرات امیـر خلیل ، سیدمیرك نقاش مـولیناحاج محمد نقاش ، مولینایاری ، مولینا محمود مذهـب محمدحسن

(۱) صنایع ایران بعداز اسلام ص ۷۴-۷۶

کاتب «خواجه نصیر الدین محمد »،«محمد مذهب » ونظایر آنان رامیتوان نام برد.
مولینا حاج محمد نقاش در علم «تصویر وتذهیب » قدرت عظیم داشته غـالـب کتابهای مصور ونفیس سلطنتی هرات به کتابت وتذهیب او میباشد .
مولینا هوایی در صنعت نقاشی وکاشی سازی مهارت فوق العاده داشته واشعار خود را با نقش ونگار وتذهیب های به غایت زیبا آراسته است.

خواجه نصیر الدین از مذهبان معروف وبنام عصر « بایقرایی» خوانده میشود .

مولینا یاری ازشاگرد آن ملا ولی نقاش بود واز مذهبان در بارسلطان حسین بایقرا محسوب میگردد . مولینا محمود مذهب نسبت به «یاری» تذهیب را بهتر میکرد . چنانکه دیباچه یی برای سلطان موصوف آماده کرده ونا تمام گذاشته است ، بدیع ترین کاریکه ازاین هنرمند باقی مانده صورتی است در یك نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس که در قسمتی از منظومه خمسه نظامی بخش مخزن الاسرار که کار آن در اوایل قرن دهم هجری انجام شده دیده میشود .

محمد محسن کاتب هروی هم نقاش وهم مصور بوده واز کار های او یکی هم نسخه خطی دیوان کامل حافظ شیرازی میباشد که به خط زیبای او باقی مانده است .وی این نسخه را بنابرامر فریدون حسین میر زای بایقرا تصویر و تذ هیب کرده است وشاید هم همان نسخه یی باشد که هـمین حـال در آرشیـف ملـی وزارت اطلاعات وکلتور در کابل موجود میبا شد .

محمد مذهب همعصر سلطان محمد نقاش بو د و در تهیه جلد ها با رنگ و روغن ونقاشی مجالس ،قدرت ومهارت خاصی داشته است .

جهت معلومات بیشتر در خصوص مذهبان تیموری هرات به صفحات ۲۸۱ روضة الصفام ص ۲۱۵ ، مـجـالـس النفایـس ص ۷۴-۸۲ ، تـاریخ سلسله کورگانی ص ۷۳ وص۱۱ س۶ مجله کابل ص ۸۰ دوره (۲۶) ، آریانا مراجعه شود .

مرور و نظر اجمالی بر خصایص این کتاب

از کتاب ها ونسخه های خطی ، مصور ، مجدول و مذهب که سابقاً نام برده شد شباهت رونق کامل به کار های هرات دارد و خصایص اینگونه آثار مصور عبارتست از کوههایکه درفواصل معین با سبزه پوشیده شده ، افق بلند و رنگهای جدید به الوان واقسام مختلف و گوناگون ، این رنگ ها خیلی جدید ، لطیف و خوش منظره است .

درختان گل و گیاه وغیره جزییات آنها با دقت و توجه خاص و بعضی کاملاً استادانه کشیده شده است . آسمان بالای افق طلایی رنگ ابر ها به شکل مارپیچ و بـه روش چینی ، آسمان شب بـه رنگ سرمه ای ، ماه و ستاره گان به رنگ طلایی نشان داده شده است ، قسمیکه بملاحظه میرسد . درعصر های شاهـرخ و بایسنقر مصوران بکار های تصویر شاهنامه وصحنه سازی آن بیشتر بذل توجـه مینمودند و اما بعد ها آثار بزمی شاعران صحنه های جدیدی برای ابراز لیاقت و کفایت هنرمندان به وجود آورد و چنانچه کتاب های سعدی ، نظامی ، خسرو بلخی ونظاهر آنان با مینیاتور های عالی آرایش و زیبایی یافت .

در عصر تیموری ، نقاش درانتخاب موضوع آزادی عمل دارد ، اما دراسلوب و سبک خود تابع یك اصول معینی است . دراین عهد مینیاتور بیشترجنبه آرایش و زینت گرفته وچنان سعی بعمل نیامده است که صورت ها بعینه مانند صورتهای باشد که از دوربین عکاسی ظاهر میگردد . غالب مینیاتور های این عصـر جنبه نمایشی دارند ، تاصورتی از زندگانی حقیقی ؛ زیرا قوه مخیله میدان وسعتی درین زمینه داشته است .

ذکر آنعده از موزه ها ، کتابخانه ها و مجموعه های که آثار هنری هرات عصر تیموریان در آنها محفوظ است :

اسم موزه و کتابخانه	محل	نام کتاب و اثر هنری
آرشیف ملی	افغانستان ـ کابل	نسخه مصور ، مخطوط امیر خسرو بلخی دهلوی
		« « « هفت اورنگ جامی
		« « « تحفة الاحرار جامی
		« « « خواجه حافظ شیرازی
کتابخانه قصر گلستان	ایران ـ تهران	نسخه مصور مخطوط کلیله و دمنه
		« « « شاهنامه
		« « « دیوان حافظ
		شاهنامه دارای ۳۳ قطعه مینیاتور

کتابخانهٔ عمومی سالتیکف شیدرین لنینگراد شوروی   نسخه خطی و نفیس اسکندر نامه
» » » خمسه نوایی
انستیتیوت شرق شناسی » » » » » سلسلة الذهب
» » » شاهنامه
موزه ایرمیتاژ » » » » » خمسه نظامی

نسخه نفیس، مصور ومذهب نظامی حاوی ۵۰۲ صفحه میباشد، ازجملهٔ تصاویر آن چند قطعه آن مفقود الاثر است ودر مقدمه آن ذکر گردیده است: «خمسه نظامی ابتیاع نموده شد از پیش پسرمحمد علی زرگر به مبلغ سیصد تومان بتاریخ اوایل شهر رجب المرجب سنه ۱۰۲۲ در دارالسطنه حیدر آباد کتبه العبدالخاص لمولاه سلطان محمد قطبشاه راد توفیقه تیمناه».

این نسخه نفیس را موزه ایرمیتاژ از نزد یك نفر ایرانی در سال ۱۹۱۷ خریداري کرده است.

کتابخانه ر...ان نیویارك   نسخه مصور مخطوط منافع الحیوان و جامع التواریخ
مجموعه روبرت گارت بالتیمور » » » ظفرنامه کار بهزاد
موزه متروپولتن » » » خمسه امیر خسرو بلخی دارای ۳۳ مینیاتور
» » » ومذهب بوستان سعدی
» » » خمسه نظامی
» » » منطق الطیر عطار ۶ مینیاتور
کتابخانه ساکسیان   تابلو های از بهزاد و دیگر نقاشان
توپ قابو ترکیه استانبول   نسخه مصور مخطوط کلیله ودمنه
آثار بدیعه بهزاد صورت بهزاد

کتابخانه ملی پاریس فرانسه نسخه خطی مصور امیرخسرو بلخی دهلوی مربوط بهزاد

تصاویر قسمتی از منظومه خمسه مخطوط کار مذهب نسخه خطی بوستان سعدی کار بخارا مشابه کار بهزاد

نسخه خطی مصور معراج نامه

صفحه مینیاتور همای همایون

مجموعه لویی کارتیه پاریس نسخه مصور مخطوط خمسه نظامی

مجموعه هنرهای زیبای پارس فرانسه « « « کلیله و دمنه

موزه لوور پاریس فرانسه تابلو های از محمدی نقاش

کتابخانه بادلیان اکسفورد انگلستان نسخه مصور ومخطوط ومذهب بوستان سعدی

که در آن سه مینیاتور از بهزاد دیده میشود

و همچنان نسخه های از آثار نوایی

مجموعه چستر بیتی نسخه مصور مخطوط گلستان سعدی

دار الکتب مصر « « « شاهنامه

« « « بوستان سعدی (کار بهزاد)

سایر مجموعه های دیگر مانند کلکسیون های نسخه های نفیس خطی استاد پرونتا – کابل

مجموعه مارتین سویدنی - کیفورد کیان نیویارك – خانم کورانمکین بورنت کونتس دبهاك روتچیلد پاریس - فریر Freer کتابخانه دایلین و ... غیره .

مـــــآخـذ :

۱ – آبدات نفیسه هرات : سرور خان گـویا اعتمادی – کابل ۱۳۴۳ ش

۲ – آثار نقشه هرات : « « « ۱۳۱۶

۳ – آثار هرات : جلداول – استاد خلیل الله خلیلی – کابل

۴ – ایران در زمان صفویه : دکتر احمد تاج بخش – تهران ۱۳۴۰

۵ – التصویر فی‌الاسلام‌عندالفرس : دکتر زکی محمدحسن مصری– قاهره

۶ – الفن الاسلامی : ارنست کوهنل، ترجمه الدکتور محمدموسی قاهره ۱۹۶۱

۷ – الفنون الایرانیه فی العصر الاسلامی ، زکی محمدحسن قاهـره

۸ – بدایع الوقایع: زین‌الدین محمود واصفی جلد ۲ متن انتـقادی بامقدمه وفهرسها به قلم بالدریف،مسکو ۱۹۶۱

۹ – برسی هنر وادبیات : مهدی توحیدی پور – تهـران ۱۳۲۴

۱۰ – بوستان‌سعدی : به اهتمام استاد عبدالعظیم قریب تهران ۱۳۲۸

۱۱ – بیست مقاله قزوینی: جلد ۱-۲ به اهتمام استاد پور داود تهران ۱۳۳۲

۱۲ – پیدایش خط وخطاطان : میرزا عبدالمحمد خان ایرانی ـ مصر ۱۳۴۵

۱۳ – تاریخ ایران : ژنرال‌سر پرسی‌سایکس،ترجمه آقای‌سیدمحمد-تقی‌فخرداعی گیلانی‌چاپ دوم–تهران ش۱۳۳۵

۱۴ – تاریخ ایران‌ازمغول‌تاافشاریه: رضاپازوکی – تهران ۱۳۱۶

۱۵ - تاریخ ایران ، ادواردبر اون از سعدی تاجامی :
تحشیه به قلم علی اصغر حکمت تهران - ۱۳۲۷

۱۶ - تاریخ بر گزید گان : امیر مسعود سپهرم، از انتشارات سبزوارتهران
۱۳۴۱

۱۷ - تاریخ ادبیات تاجیك : کتاب درسی به رسم الخط روسی‌دوشنبه
تاجیکستان

۱۸ - تاریخ تمدن ایران : به همکاری جمعی از دانشوران ایرانشناس
اروپا ، ترجمه جواد محیی ، گوتمبرك ۱۳۳۶

۱۹ - تاریخ حبیب السیر : غیاث‌الدین...المقلب به‌خواندمیر بامقدمه‌استاد
جلال همایی - تهران ۱۳۳۳

۲۰ - تاریخ رجال حبیب‌السیر: عبدالحسین نوایی - تهران ۱۳۲۴

۲۱ - تاریخ سلسله تیموری یا کورگانی :
ابوالقاسم شکرایی تهران - ۱۳۱۷

۲۲ - تاریخ صنایع‌اروپا درقرون
وسطی : استاد دکتر عیسای بهنام، تهران ۱۳۲۷

۲۳ - تاریخ صنایع ایران : دکتر. ج . کریستی ویلسن جلد اول ترجمه
عبدالله فریار - تهران ۱۳۱۷ -(۱۹۳۸)

۲۴ - تاریخ مغول : عباس اقبال آشتیانی چاپ دوم تهران ۱۳۴۱

۲۵ - تاریخ عالم آرای‌عباسی : اسکندربیگ ترکمان بکوشش ایرج افشار جلد
(۱) چاپ موسوی تهران ۱۳۳۵

۲۶ – تاریخ‌عمومی هنرهای‌مصور :علینقی‌وزیری، تهران ۱۳۳۷

۲۷ – تاریخ فرهنگ ایران : دکتر عیسی صدیق – تهران ۱۳۳۶

۲۸ – تاریخ کامل ایران: دکتر عبدالله رازی ، تهران ۱۳۴۱

۲۹ – تاریخ نقاشی در ایران : ترجمه ابوالقاسم سحاب ، ۱۳۲۸

۳۰ – تاریخ نگارستان: مولانا احمد بن محمد ، چاپ هند ۱۲۷۵

۳۱ – تحفه سامی : سام میرزای صفوی ، مطبعه ارمغان تهران ۱۳۱۴ش

۳۲ – تحفة الاحرارجامی: نسخه مخطوط مصور آرشیف ملی کابل

۳۳ – تذکره خوشنویسان : مولانا غلام محمد هفت قلمی دهلوی کلکته سال چاپ (۱۳۲۸–۱۹۱۰)

۳۴ – تذکره دولتشاه سمرقندی: به تصحیح وتحقیق محمد عباسی تهران

۳۵ – تذکره صبح گلشن : سید علی‌حسن خان ،هند ۱۱۹۵

۳۶ – تذکره نصر آبادی : میرزامحمدطاهر خان‌نصرآبادی‌تهران ۱۳۱۷

۳۷ – تمدن‌ایرانی: اثر چندتن از خاورشناسان فرانسوی، ترجمه استاد دکتر عیسی بهنام قسمت نقاشی ایران از نوشته بوهوژان

۳۸ – تیمورنامه هاتفی: نسخه مخطوطه کتابخانه ملی ملک تهران قرن ۶ ه .

۳۹ – حدودالعالم‌من‌المشرق‌الی‌المغرب: به اهتمام‌دکتر منوچهرستوده‌تهران ۱۳۴۰

۴۰ – خمسه‌نظامی گنجوی : چاپ تهران (عصر قاجاری)

۴۱ – خمسه امیر خسرو بلخی : نسخه مخطوط کتا بخا نه ملی ملك تهران و آرشیف ملی کابل

۴۲ – خوشنویسان بخش اول : دکتر مهدی بیانی تهران ۱۳۴۵

۴۳ – خلاصة‌الاخبارفی‌بیان احوال الاخیار : غیاث‌الدین... الملقب به امیرخوا ند ، نسخه خطی کتابخانه ملی‌ملك تهران ۹۷۸ قمری

۴۴ – دایرة المعارف فارسی : غلام حسین مصاحب ج اول تهران ۱۳۴۵

۴۵ – دیوان جامی : نسخه خطی موزه هرات (عصرتیموری)

۴۶ – دیوان کامل جامی : بکوشش هاشم رضی ، تهران ۱۳۴۱

۴۵ – روضات‌الجنات فی‌اوصاف مدینه هرات : معین‌الدین زمچی اسفزاری به اهتمام ... تهران

۴۶ – روضة الصفا ، جلد هفتم : تصنیف میر خاوند شاه ، مشهور به خواند میر قرن ۹ ه . چاپ ندارد

۴۷ – رهنمای صنایع اسلامی : دکتر م . س دیماند ترجمه داکتر عبدالله فریار تهران ۱۳۳۶

۴۸ – رهنمای کتاب : (شش قرن نقاشی در ایران) ، مضمون ب ، و رابنسون ، ترجمه عبدالحسین وجدانی تهران .

۴۹ – زندگانی سیاسی امیرعلیشیر نوایی: به‌قلم بارتلد روسی- ترجمه پوهاند میرحسین‌شاه کابل ۱۳۴۶

۵۰ – سر آمدان هنر : طاهرزاده تبریزی چاپ خانه ایرانشهر برلین ۱۳۴۲

۵۱ – شاهکارهای هنری ایران : اثرارتراپهام‌پوپ ، اقتباس‌ونگارش‌دکترخانلری تهران ۱۳۳۸

۵۲ – شاهنامه ثعالبی : ابومنصورعبدالملك‌ثعالبی،ترجمه‌محمود هدایت

۵۳ – شاهنامه فردوسی : به‌کوشش دبیرساقی تهران ۱۳۳۵

۵۴ – صنایع ایران بعد ازاسلام : دکتر زکی محمد حسن مصری ترجمه خلیلی تهران ۱۳۲۰

۵۵ – صنایع ایران‌در گذشته‌و آینده: پروفیسور پوپ ، ترجمه عیسی صدیق تهران .

۵۶ – صنایع ایران : دکتر مهدی بهرامی تهران ۱۳۲۷

۵۷ – صنعتگران و خوشنویسان : علی احمد نعیمی، ضمیمه دوره‌مجله آریانا کابل

۵۸ – کلیات شیخ سعدی : با مقدمه عباس اقبال اشتیانی تهران ۱۳۱۷

۵۹ – گنج‌سخن‌ازنظامی‌تا جامی : جلد ۲ دکتر ذبیح الله صفا تهران ۱۳۴۰

۶۰ – مجالس النفایس: امیر علیشیرنوایی به سعی واهتمام علی اصغر حکمت تهران ۱۳۲۳

۶۱ – مطلع السعدین و مجمع البحرین : کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه (۱۰۵۵ ه)

۶۲ – معراج نامه : ابوعلی سینای بلخی به اهتمام بهمن کریمی ۱۳۱۲ ایران

۶۳ – میراث ایران : تألیف ۱۳ تن از خاور شناسان ، زیر نظر دکتر یارشاطر ، ترجمه شش‌تن از دانشمندان ایرانی تهران ۱۳۳۶

۶۴ – نزهة القلوب : حمدالله مستوفی قزوینی به خط میرزا مهدی شیرازی (۱۳۱۱)

۶۵ – نظری به هنر نقاشی ایران : کاترین گیبسون ، ترجمه ونگارش ب مرزبان تهران ۱۳۳۴

۶۶ – نقاشی و مکتب کامل تئوری جدید : ضیاء پور ایران

۶۷ – هفت اورنگ جامی : مونالا عبدالرحمان جامی نسخه خطی آرشیف ملی کابل قرن نهم ه

۶۸ – هفت پیکر نظامی : حکیم نظامی گنجوی به اهتمام وحید دستگردی چاپ ارمغان تهران ۱۳۱۵

۶۹ – هنر عهد تیموریان و متفرعات آن : پوهاند عبدالحی حبیبی چاپ ایران

۷۰ – هیکل بزرگ نظم‌در تاجیکستان : ازنشرات عرفان رحیم هاشم محرر نورسون زاده ، دوشنبه به رسم الخط روسی . ۱۹۶۴

۱ ــ اسمعیل ، یاسین فرحت : آریانا ، ش ۱ ، س ۱۳ : ۳۴ ـ ۳۶

۲ ـ بهنام ، عیسی : مکتب نقاشی هـــرات ، نقش ونـگار ؛ ش ۸ (۱۳۴۲) : ۲۴ ـ ۲۹

: صنعت نقاشی درایران ، ایران امروز ، ج ۳، س ۵ ـ ۶ : ۹ ـ ۱۰

: خصوصیات نقاشی ایران ، اطـلاعات ماهانه ش ۱۲ ـ س ۴ : ۲۴

: خصوصیات هنرومردم ش ۶۷،۶۸(۱۳۴۷) : ۲

: نقش و نگار ، ش ۹ (۱۳۴۱) : ۲۶-۲۷-۲۹

۳ ـ بهنام ، پرویز : صنعت نقاشی درایران ، نامه راه ؛ ش۶ س(۴) : ۱۷۵

۴ ـ پستن ا . ف . ل (لورنس) : رهنمای کتاب ، روزگارنو ـ ج ۷ ، ش ۱،۳ (۱۹۴۱) . ش ۴ (۱۹۴۲) : ۲ ـ ۳۱ ـ ۳۲

۵ ـ بینیون ، لورنس : تصویر های خمسه نظامی درموزه بـریتـانی ، روزگارنو ج ۱ ش ۱ : ۵ ـ ۲

: کیفیت زیبایی درنقاشی های ایـــــــران ، ترجمه نوشین نفیسی ،

: هنر و مردم دوره جدید ش ۳۵ : ۴۱ ـ ۴۷ و ش ۳۶ : ۳۸ ـ ۴۰

۶ ـ برتلس ، ی . ا : ترجمه ابوالفضل آزموده ، پیام نوین ، ش ۱ (۱۳۴۵) : ۱۹

۷ — پور کریم ، هوشنگ : نقش و نگار های ایران ، هنر و مـردم دوره جدید ش ۹ : ۱۱ – ۱۹

۸ — جم ، خدیو : ازرساله قطب الدین محمد قصه خوان ، سخن دوره هفدهم (۱۳۴۶) ش ۷ : ۶۶۶ – ۶۷۴

۹ — خانلری ، پرویز ناتل : نظر اجمالی به تاریخ نقاشی در ایران ، سخن ۶ : ۷ – ۱۱ و ۱۴۶ – ۱۵۰ و ۲۴۰ – ۲۴۴

: سخـن ، ش ۳ دوره (۶) : ۲۴۰ – ۲۴۱

: خصوصیات هنر ایرانی ، سخن ش ۲ ، س دوره ششم (۱۳۳۴) : ۱۴۷ – – ۱۵۰

۱۰ — ذکاء ، محبی : بنیاد نخستین هنرستان نقاشی در ایران ، سخن ۱۵ : ۳۲۹ – ۳۳۰

۱۱ — رابنسون ، ب . و : شش قرن نقاشی در ایران ، ترجمه عبدالحسین وجدانی سال ۱۳۴۷

۱۲ — رضوی ، کیوان : شاهنامه فردوسی و توجه نقاشان ، بـررسیهای تاریـخـی ش ۵ ، س ۱۳۴۷ : ۲۵۴ – ۲۵۸

۱۳ — زیگر ، کارل(فن) : هنر تذهیب ونقاشی کتاب در ایران ، ترجمه مصطفی مهذب ماهنامه فرهنگ ، ج ۱ ش ۱ : ۹۷ – ۱۰۴

۱۴ — سلجوقی ، فکری : تعلیقات بر دیباچه دوست محمد کتابدار آریانا، دوره ۲۶ (۱۳۴۷) : ۷۹ – ۹۱

۱۵ – صدقی ، عثمان : دیگ مسجد جامی هرات، کابل س ۱۳۱۸ : ۲۲۳

۱۶ – طاهری ، ابو القاسم : دوره تحول نقاشی ایران ، روز گارنو ج۴ش۶: ۶۵ – ۷۰ و ج ۵ ش ۱ : ۴۱ – ۴۸ و ش ۲ : ۱۳ – ۲۷

: ج ۵ ش ۱ – ۴ (سوم) : ۴۳

۱۷ – غبار ، میر غلام محمد : آریانه یاهری (هرات) ، کابل ش۶ (سال اول): ۴۱ – ۴۶ – ۵۰

۱۸ – غنی ، قاسم : دوره های هنرنقاشی (ایران) ، یغما ، ۳ : ۴۴۴ – ۴۴۵

: شیوه های مختلف مینیاتورسازی ایران ، هنر و مردم ، دوره جدید - ش ۲۰ : ۴۸ – ۵۴

۱۹ – کهزاد ، احمد علی : آریانا ش ۴ س ۵ : ۱۲ – ۱۳

۲۰ – گویا، اعتمادی سرورخان : آریانا ش ۷ ج ۵ : ۲۰

: در بار علم پرور هرات درعهد بایقرا ، ش۱۱ (سال ششم) : ۷۰ – ۷۳

: بهزاد و نگارستان هرات ، کابل ش ۶ س (۱۳۱۰ ه . ش .)

: شرح ده تصویراز خمسه نظامی ، آریانا ش۲ سال (۵) : ۱۲ – ۱۶

۲۱ – گرای ، بازیل : مینیاتوری های ایران درموزه بریتانیا ، سخن ، ۱۱ : ۸۵ – ۸۹

: ترجمه و اقتباس پرویز بهنام سخن ش (۱) دوره سوم : ۵۶

... : اناهیتا ش (ن) سال ۱۳۳۴ : ۲۸

... : هنر و مردم س ۵ – ۶ ، س ۴۱ – ۴۲ : ۵۴

... : آریانا ش ۱ ، س ۱۳ : ۳۸

مآخذ انگلیسی:

1 - Skira Albert Persian Paining London 1961.

2 - Pope Arther U. A. Survey of Persian Art Volume V.

3 - V. Minorsky Calligraphers Painters by Qati Ahmd

4 - Gray Basil Persian miniatures (Unesco art Book) 1962

منابع روسی:

1 - Portriti Epokhi Navoi A.A Siminov Tashkent 1940

صورت های انفرادی عصر نوایی ا.ا سیمینوف تاشکند ۱۹۴۰

2 - Iskustva Afghanistana G. A Pugachenkova Moskva 1963

صنایع افغانستان گ ا پوگاچینکووا ـ مسکو ۱۹۶۳

3 - Sredniazadskie Miniature M.E Saltikova Shidrina Moskva 1964

مینیاتوری های آسیا میانه م . ی سلتیکوف شدرین مسکو ۱۹۶۴

4 - Iskustva Ozbakistana G.A Pugachenkova - L.I Rempil Tashkent 1961

صنایع ازبکستان ك . ا پوگاچینکووا و ل . ا ریمپل تاشکند ۱۹۶۱

5 - Miniture kh Praizvdeniam Navoi Moskva 1961

مینیاتور های آثار نوایی مسکو چاپ شوروی

6 - Miniarure kh Paemi Navoi

نگار های داستان علیشیر نوابی ـ تاشکند ۱۹۸۰

غلطنامه

صفحه	سطر	نادرست	درست
الف	۲	دوفصل	دوبخش
۶	۱۱	اندخته	انداخته
۱۹	۵	نوشتن	نوشتند
۲۹	۴	نخسه	نسخه

در پاورقی ، سطر و نیز مراجعه شود بعد از شماره ۲ می‌آید

صفحه	سطر	نادرست	درست
۴۴	۲۰	روسیه شوروی	روسیه
۵۲	۶	مغلولهای	مغولهای
۶۰	۱۵	کار گرران	کار گران
۶۲	۱۲	متلق	متعلق
۶۴	۴	میشوه	میشود
۶۸	۱۴	واضع	واضح

تابلوی های شماره ۱۶ دوم - ۱۷ و ۱۸ بالترتیب به ۱۷ - ۱۸ و ۱۹ اصلاح گردد.
و شماره ۱۹ که شرح تابلوی کیکاووس است به شماره ۱۹ دوم باقی میماند
و ش ۱۵ - ۲۱ ندارد

انتشارات پوهنتون
کابل

تعداد چاپ یکهزار جلد

تاریخ طبع : حوت ۱۳۵۹

چاپ : مطبعهٔ وزارت تحصیلات عالی و مسلکی